



پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون
پروگرام ماستری فقه و قانون



امارت اسلامی افغانستان

وزارت تحصیلات عالی
معینیت امور علمی

نماز وتر و احکام آن در فقه اسلامی

(رساله ماستری)

۱۰

محصل: لطف الله "فیضی"

استاد رهنما: وزیر محمد "سعیدی"

سال: ۱۴۰۱ هـ. ش - ۱۴۴۱ هـ. ق



پوهنتون سلام
پوهنځی شرعیات و قانون
پروگرام ماستری فقه و قانون



امارت اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
معینیت امور علمی

نماز وتر و احکام آن در فقه اسلامی

(رساله ماستری)

محصل: لطف الله "فیضی"

استاد رهنما: وزیر محمد "سعیدی"

سال: ۱۴۰۱ هـ.ش – ۱۴۴۴ هـ.ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پوهنتون سلام



پوهنځی شرعیات و قانون

دیارتمنت فقه و قانون

بورډ ماستری

تصدیق نامه

محترم لطف الله ولد داد الله ID: SH-MSF-S1401-916 محصل دور دهم فقه و قانون
که رساله ماستری خویش را زیر عنوان: نماز وتر و احکام آن در فقه اسلامی
به روز ۱۳۷۷/۲/۲۱ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس
بررسی هیات تحکیم مستحق ۸۷ (نمره به عدد) جستاد و جنت (نمره به حروف) گردید، موفقیت
شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	دکتور محمد یونس ابراهیمی	عضو هیات	
۲	دکتور محمد اسماعیل نبیب بلخی	عضو هیات	
۳	استاد وزیر محمد سعیدی	استاد رهنما و رئیس جلسه	

معاون علمی

آمر بورډ ماستری

اهداء

به پدر و مادر فداکارم که من در سایه درخت پربرابر وجودشان آسودم و آنها راه رفتن را در این وادی زندگی پر از فراز و نشیب برای من آموختند.

به استادان فرزانه و فرهیخته‌ای که در راه کسب علم و معرفت مرا یاری نمودند.

به تمام آزاد مردانی که نیک می‌اندیشند و عقل و منطق را پیشه خود نموده جز رضای الهی و پیشرفت و سعادت جامعه، هدفی ندارند. دانشمندان، بزرگان و جوانمردانی که جان و مال خود را در حفظ و اعتلای این مرزوبوم فدا می‌نمایند.

و هم چنان برای همه کسانی که در راستای خدمت به وطن مانند کوه استوار بوده و شب و روز زحمت می‌کشند.

اهداء و تقدیم می‌دارم.

تقدیر و تشکر

الله متعال می‌فرماید: (وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ^۱)

و پروردگارتان اعلام کرد که اگر مرا سپاس گوئید، بر (نعمت) شما می‌افزایم.

و نیز می‌فرماید: (وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ^۲ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِي كَرِيمٌ)

پس هر که سپاس گوید برای خود گفته است و هر که کفران ورزد پروردگار من بی‌نیاز و کریم است

هم چنان پیامبر صلی‌الله علیه وسلم می‌فرماید: (مَنْ لَمْ يَشْكُرِ النَّاسَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ^۳)

کسی که شکر گذار مردم نباشد، از الله تبارک و تعالی تشکر نکرده است

و اظهار سپاس و امتنان از ریاست محترم پوهنتون خصوصی سلام و اساتید گرامی که زمینه بهتر تحصیل را برای جوانان به شیوه نیکو فراهم آورده‌اند و در راه رسیدن به علم و تعلیم از هیچ نوع سعی دریغ نورزیده‌اند و فضای آرام را برای تعلیم هرچه خوب‌تر و بهتر برای همه محصلین گرامی ایجاد نموده‌اند.

هم چنان اظهار سپاس و تشکری می‌نمایم از محترم وزیر محمد سعیدی که اشراف و رهنمایی اثر بنده را بدوش گرفته باوجود مصروفیت‌های درسی‌شان از هیچ نوع کمک دریغ نورزیدند.

اعتذار

اگر نقص یا لغزشی بر جریده‌ی گفتارهای این دفتر نشسته؛ از من است؛ و اگر رنگ و لعابی از گلبرگش می‌تراود از الله متعال است.

^۱ سوره ابراهیم: ۷

^۲ سوره النمل: ۴۰

^۳ شیبانی، الإمام أحمد بن حنبل (متوفای-۲۴۱ هـ) مسند الإمام أحمد بن حنبل، المحقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد، وآخرون، د عبد الله بن عبد المحسن التركي، مؤسسة الرسالة، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۱ هـ - ۲۰۰۱ م و قال آلابانی و شعيب الأرنؤوط صحيح الأسناد. مُسْنَدُ الْمُكْتَبِينَ مِنَ الصَّحَابَةِ، مُسْنَدُ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، شماره ۷۵۰۴

خلاصه بحث

نماز در تمام ادیان الهی به عنوان برترین آیین عبادی و رکن معنویت و ارتباط با خداوند مطرح بوده است. به خصوص نمازی که در دل شب و تنهایی، در حالیکه همه در خواب غفلت اند ادا گردد، در حقیقت شب زنده داری پیکاری است در راه تقویت اراده، غلبه بر شیطان و فرمانبردار کردن نفس از خداوند منان.

نماز وتر نماز شب است، که سیر الی الله را برای سالکین هموار می سازد، به همین علت پیامبر صلی الله علیه وسلم دستور داده است، (إِنَّ اللَّهَ وَتَرٍ يُحِبُّ الْوَتْرَ، فَأَوْتِرُوا، يَا أَهْلَ الْقُرْآنِ)^۱ خداوند فرد است و فرد را دوست دارد، پس ای اهل قرآن وتر کنید. نمازی که رسول الله صلی الله علیه وسلم در حضر و سفر آنرا ترک نکرده و بر آن تأکید کرده است، کلمه وتر (که واو آن هم با فتحه و هم با کسره خوانده می شود) به معنای فرد است و در مقابل معنای شفع است، چون این نماز طاق خوانده می شود و جفت خواندن آن جواز ندارد، و معمولاً آخرین رکعت نماز شب را (بعد از خفتن قبل از طلوع صبح) شامل می شود، به همین دلیل تسیمه به وتر شده است.

روایات وارده پیرامون چگونگی و کیفیت ادای آن، گسترده بوده که منجر به نظریات متفاوت فقهی بین دانشمندان اسلام گردیده، که از جمله این اختلاف، پیرامون حکم به وجوب، سنت یا مستحب بودن، هم چنان روایات حاکی از تعدد رکعات آن از یک الی سیزده رکعت به روش های متفاوت و اشتراط شفع، خواندن اتصال و انفصال، نحوه قرائت و تعیین سوره در آن، ادای قضای آن، قنوت و... از مواردی است که منجر به دیدگاه های فقهی متعدد شده است. خواندن قنوت در

^۱ - الإمام أحمد بن حنبل، مسند الإمام أحمد بن حنبل المحقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد، وآخرون إشراف: د عبد الله بن عبد المحسن التركي الناشر: مؤسسة الرسالة الطبعة: الأولى، ۱۴۲۱ هـ - ۲۰۰۱ م ج ۲ ص ۲۳۳ حکم حدیث: قال: شعيب الأرنؤوط صحيح.

نماز وتر به طور کلی مورد پذیرش فقهای مذاهب اربعه است و تنها اختلاف در این باره به زمان خواندن قنوت و الفاظ آن بر می گردد.

یافته های تحقیق نشان می دهد، که نماز وتر مورد اتفاق همه مذاهب اهل اسلام است، ولی در چگونگی ادای آن دیدگاههای متفاوت ارائه شده که ، در جریان تحقیق به آن پرداخته شده است. نوع تحقیق این تیزس توصیفی، تحلیلی بوده و روش گرد آوری مطالب آن به شکل کتابخانه‌ای می باشد. یعنی اول به بررسی پیشینه و بعداً بررسی چهار چوب نظری تحقیق می پردازم و نتایج مطالعات خود را در مطالب مناسب، ثبت و در پایان به طبقه بندی و بهره برداری از آنها اقدام کرد.

کلید واژها: فقه ، وتر، نماز، احکام، نماز وتر

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

مقدمه

۲	الف) بیان مسئله
۳	ب) پیشینه و ضرورت تحقیق
۴	ج) اهمیت تحقیق
۵	د) سوالات تحقیق
۵	هـ) فرضیه‌های تحقیق
۵	و-اهداف تحقیق
۵	ز) روش تحقیق
۷	ح) <u>خطه بحث</u>

۸ فصل اول : مفاهیم و کلیات

۹	مبحث اول: مفاهیم
۹	مطلب اول: مفهوم وتر
۱۶	مطلب دوم: مفهوم نماز
۲۲	مطلب سوم: مفهوم قنوت
۲۶	مبحث دوم: مشروعیت و فلسفه وتر
۲۶	مطلب اول: مشروعیت نماز وتر
۲۸	مطلب دوم: فلسفه حقیقت نماز وتر

۳۳ فصل دوم: فضایل و روش ادای نماز وتر

۳۴	مبحث اول: فضایل نماز وتر
۳۴	مطلب اول: ترغیب و تشویق بر ادای نماز وتر

مطلب دوم: فضایل و ثواب ادای نماز وتر	۳۶
مبحث دوم: نماز وتر در صدر اسلام	۳۹
مطلب اول: نماز وتر در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم	۳۹
مطلب دوم: نماز وتر صحابه و تابعین رضوان الله علیهم اجمعین	۴۰
مبحث سوم: تعداد رکعات، وقت، و روش ادای آن	۴۳
مطلب اول: تعداد رکعت نماز وتر	۴۳
مطلب دوم: وقت ادای نماز وتر	۴۹
فصل سوم: احکام نماز وتر و روش قنوت در آن	۵۹
مبحث اول: احکام نماز وتر	۶۰
مطلب اول: حکم نماز وتر	۶۰
مطلب دوم: فرق بین فرض، واجب، سنت	۷۲
مطلب سوم: حکم اداء نماز وتر	۷۹
مطلب چهارم: قضای نماز وتر	۸۱
مبحث دوم: احکام قنوت	۸۶
مطلب اول: مفهوم قنوت و اقسام آن	۸۶
مطلب دوم: چگونگی ادای قنوت	۸۹
مطلب سوم: جهر و اخفای قنوت	۹۲
مطلب چهارم، الفاظ قنوت	۱۰۲
نتیجه	۱۰۷
پیشنهادات	۱۰۹
فهرست منابع	۱۱۰

مقدمه

الحمد لله العليّ الأعلى، الذي خلق فسوّى، والذي قدّر فهدي. له ملكُ السموات والأرض وما بينهما وما تحت الثرى. الملكُ الحقُّ المبين الذي على العرش استوى، وعلى الملك احتوى، وقد وسع كلّ شيءٍ رحمةً وعلماً. وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له عالم السر والنجوى. وأشهد أن محمداً عبده ورسوله الداعي إلى كلمة التقوى. اللهم صل على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أئمة العلم والهدى.

یکی از نماز هایی که در نصوص دینی، بر آن بسیار تاکید شده و در بین نمازها از اهمیت ویژه ای برخوردار است، نماز وتر می باشد. چرا که التزام عملی رسول الله صلی الله علیه وسلم و توصیه های موکد ایشان در این زمینه، نشان دهنده جایگاه خاص این نماز می باشد نماز وتر یکی از نماز های پر فضیلت بعد از فرائض پنجگانه شبانه روزی است حتی به نزد جمهور علماء این نماز بر پیامبر صلی الله علیه وسلم واجب بوده است و بر امت ایشان طبق نظر امام صاحب ابوحنیفه رحمه الله علیه فرض عملی و طبق نظریه جمهور فقها به شمول امام ابویوسف و امام محمد رحمه الله علیهم سنت مؤکد می باشد.

فضائل آن در احادیث پیامبر صلی الله علیه وسلم به کثرت روایت شده است از جمله پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: (إِنَّ اللَّهَ وَتَرُّ يُحِبُّ الْوَتْرَ، فَأَوْتِرُوا، يَا أَهْلَ الْقُرْآنِ)¹.

هر آئینه خداوند وتر (یکتا) است و وتر را دوست می دارد، پس ای اهل قرآن، وتر را ادا کنید این نماز چنان که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرموده، از عنایت های ویژه خداوند به امت اسلام است که از شتران سرخ مو هم فضیلت و برتری بیشتری دارد.

¹ - الإمام أحمد بن حنبل، مسند الإمام أحمد بن حنبل ج ۲ ص ۲۳۳ قال: شعيب الأرنؤوط صحيح.

دانشمندان اسلام در پیرامون چگونگی انجام آن اختلاف دارند، چنانچه ابن حجر عسقلانی به نقل از ابن تین می نگارد: «قَالَ بِنِ التَّيْنِ اخْتَلَفَ فِي الْوَتْرِ فِي سَبْعَةِ أَشْيَاءَ فِي وُجُوبِهِ وَعَدَدِهِ وَاشْتِرَاطِ النِّيَّةِ فِيهِ وَاخْتِصَاصِهِ بِقِرَاءَةِ وَاشْتِرَاطِ شَفْعِ قَبْلَهُ وَفِي آخِرِ وَقْتِهِ وَصَلَاتِهِ فِي السَّفَرِ عَلَى الدَّابَّةِ»^۱

ابن تین گفت: در وتر در هفت مورد اختلاف شده است، (۱) در وجوب، (۲) در تعداد رکعات (۳) اشتراط نیت در آن (۴) اختصاص آن به قرائت (۵) اشتراط شفع قبل از آن (۶) و در آخر وقت آن (۷) و در نماز وتر در سفر بر حیوان ابن حجر بعد از نقل عبارات ابن تین بر آن افزوده می فرماید: (۸) هم چنان قضاء آن، (۹) خواندن قنوت در قضایی آن (۱۰) و در محل قنوت (۱۱) در فصل وصل آن (۱۲) و اینکه آیا دو رکعت بعد از آن سنت است یا خیر (۱۳) و خواند آن نشسته (۱۴) در اول وقت آن (۱۵) در افضل بودن آن در نوافل (۱۶) و در تخصیص رکعت های صبح.

الف) بیان مسئله

یکی از نماز های که رسول الله صلی الله علیه وسلم در حضر و سفر آنرا ترک نکرده و بر آن تأکید کرده نماز وتر است، کلمه وتر که واو آن هم با فتحه و هم با کسره خوانده می شود به معنای فرد است و در مقابل معنای شفع است، چون این نماز طاق خوانده می شود و جفت خواندن آن جواز ندارد، و معمولاً آخرین رکعت نماز شب را (بعد از خفتن قبل از طلوع صبح) شامل می شود، به همین دلیل تسیمه به وتر شده است.

در احادیث پیامبر صلی الله علیه وسلم که مصدر دوم شریعت اسلام است، تأکید بیشتر بعد از ادای فرائض به ادای نماز وتر شده است که این تأکید باعث نظریات متفاوت فقهی بین فقهاء رحمهم الله پیرامون حکم به وجوب، سنت یا مستحب بودن آن گردیده است. هم چنان روایاتی حاکی از تعدد رکعات آن از یک الی سیزده رکعت به روش های متفاوت است، که روایات نیز منجر به

^۱ - ابن حجر العسقلانی، أحمد بن علي، فتح الباري بشرح صحيح البخاري، ترقیم و تبویب: محمد فؤاد عبد الباقي، تخريج و تصحيح: محب الدين الخطيب، الناشر: المكتبة السلفية - مصر الطبعة: «السلفية الأولى»، ۱۳۸۰ - ۱۳۹۰ هـ ج ۲

باورهای فقهی متفاوت گردیده است. در این رساله به سراغ جنبه های مجهول بحث و حتی الامکان به ترجیح دلائل پیرامون نماز وتر با در خواست یاری از یاور علیم می پردازیم.

پیشینه و ضرورت تحقیق

با جستجو پیرامون موضوع نماز وتر در کتب تراث اسلامی در یافتیم که این موضوع در کتب تفسیری، حدیثی، و فقهی در ابواب نوافل بحث صورت گرفته است، همه کتب فقهی نماز وتر را مقرون در بحث نماز شب و نوافل یک باب عنوان مستقل و برخی هم ضمنی مورد بحث قرار داده اند، ولی کتاب مستقل که همه زوایای نماز وتر را مورد بررسی قرار داده باشد سراغ نداشته جزء کتاب، مختصر (کتاب الوتر) از محمد بن نصر المرزوی، متوفی ۲۹۴ هـ.ش. که آن را أحمد بن علی المقریزی اختصار نموده است، محمد أحمد عاشور، و جمال عبد المنعم الکومی، بر آن تحقیق و احادیث آنرا تخریج نموده اند، این مختصر مشتمل بر جنبه حدیثی و فقهی است، مؤلف اول احادیق مرفوعه و موقوفه را نقل نموده و بعدا آرای فقهی را نیز در آن درج نموده است که مشتمل بر (۹۱) نص مسندا، در تحت ۳۵ باب است. مگر در این کتب بسیار از احکام فقهی دیده نمی شود، و هم چنان دلائل فقهی نیز بیان نگردیده است.

با جستجو در انترنت دریافتیم که برخی دانشمندان قلم فرسایی کرده اند کتب مستقل در این باره نیز نگاشته اند که اختصار به آنها اشاره می کنیم

۱- کتاب أحكام صلاة الوتر تألیف، عبد السلام بن محمد الشویعر

این کتاب مشتمل بر ۲۰ صفحه است و بسیار مختصر بحث نموده است، بسیار از احکام در آن دیده نمی شود.

۲- وقفات مع صلاة الوتر و أسرار و معانی دعاء القنوت ، تألیف: میاده بنت کامل آل ماضی

، چاپ، دارالوطن للنشر

این رساله نیز در ۲۰ صفحه نوشته است و چند موضوع از احکام وتر را شامل بعد پیرامون دعا و اسرار دعای قنوت پرداخت است.

۳- حقیقه الوتر و مسماه فی الشرع ، در آثار عبد الرحمن بن یحیی المعلمی الیمانی؛ جزء از رسائل که در ۱۶ جلد به چاپ رسیده است، در یک جزء آن پیرامون نماز وتر پرداخته است و بیشتر از ۵۱ صفحه پیرامون حقیقت نماز وتر بحث نموده است، که شامل دو دومقاله است، مقاله اول آن پیرامون حقیقت وتر و در مقاله دوم آن اختصار به سه رکعت را بحث نموده ، این کتاب نیز به همه اباحت وتر نپرداخته است.

بناء دیده می شود که اکثر بحث ها پیرامون وتر ضمنی اند و برخی که کتب مستقل هم نگاشته است از یک طرف بحث همه شمول ندارند و از طرف دیگر به زبان ملی ما نیستند.

ج) اهمیت تحقیق

- ۱- شب زنده داری پیکاری است در راه تقویت اراده، غلبه بر شیطان و فرمانبرداری کردن نفس از خداوند. نماز وتر نماز شب است، که سیر الی الله را برای سالکین هموار می سازد، به همین علت پیامبر صلی الله علیه وسلم دستور داده است، (إِنَّ اللَّهَ وَتَرٍ يُحِبُّ الْوُتْرَ، فَأَوْتِرُوا، يَا أَهْلَ الْقُرْآنِ)^۱ خداوند فرد است و فرد را دوست دارد، پس ای اهل قرآن اهل وتر باشید.
- ۲- از آنجاییکه پیرامون چگونگی ادای نماز وتر دیدگاه های متفاوت فقهی وجود دارد، از تعداد رکعت تا روش ادای آن، هر عملی مستحق اجر است که در آن دو شرط باشد یکی (خالص و صواب) باشد یعنی در آن اخلاص بوده باشد و مطابق دستور پیامبر صلی الله علیه وسلم انجام گیرد، بناء نیاز است که تا چگونگی نماز وتر از صدر اسلام تا عصر مجتهدین کرام مورد بحث و بررسی قرار گیرد، و دیدگاه های فقهی با دلایل آن به وضوح بیان گردد.
- ۳- ادای نماز وتر ، همه روزه مانند فرایض از مکلفیت های ، مؤمن است. شناخت و معلومات درست باعث درست انجام دادن آن، و سکون و آرامش می گردد.

^۱ - الإمام أحمد بن حنبل، مسند الإمام أحمد بن حنبل ج ۲ ص ۲۳۳

د) سوالات تحقیق

سوال اصلی:

نماز وتر در فقه اسلامی چگونه بیان شده است؟

سوالات فرعی

۱- مفهوم نماز وتر چیست ، و تعداد رکعات آن چند است؟

۲- نماز وتر در فقه اسلامی چه حکم دارد؟

۳- خواندن قنوت در نماز وتر چگونه بیان شده است؟

ه) فرضیه‌های تحقیق

الف: فرضیه اصلی: به نظر می‌رسد، یکی از نمازهای که تأکید بیشتر بعد از نماز فرائض در شریعت اسلامی به آن شده است نماز وتر است.

فرضیه‌های فرعی:

۱- نماز وتر ، نمازی است که از طرف شب خوانده می‌شود، احتمالاً از یک رکعت الی

سیزده رکعت به شیوه طاق خوانده می‌شود.

۲- پیرامون حکم نماز وتر دیدگاه‌های فقهاء متفاوت است نقل شده که از مشمول استحباب

تا وجوب است.

۳- در خواندن قنوت نیز تفاوت‌های در دیدگاه فقهاء دیده می‌شود

و-اهداف تحقیق

نگارش این موضوع روی اهداف ذیل می‌باشد:

- بررسی مفاهیم و ماهیت نماز وتر از دیدگاه فقهای اسلام.
- بیان پیامد اختلاف فقهی پیرامون نماز وتر.

روش تحقیق

روش این تیزس، روش تحقیق توصیفی تحلیلی است و نوع تحقیق به صورت کتابخانه‌ای هست.

۱- رجوع به مصادر اصلی کتب جهت توثیق بیشتر

- ۲- سعی و حرص به امانت علمی در نسبت اقوال به گوینده آن.
- ۳- استفاده از نصوص در هر مورد مطابق به بحث، مانند حل لغات از کتب لغت، بیان و توضیح آیت از تفاسیر، توضیح حدیث از شروح احادیث و...
- ۴- بیان آیات قرآن با ذکر سوره و شماره آیه. با در نظر داشت قوس‌های مخصوص به آیات و احادیث
- ۵- ذکر حکم درجه احادیث مگر اینکه در صحیحین بوده باشد.
- ۶- برای عدم تطویل رساله قسمت آیات مورد استشهاد اکثراً ذکر شده و اول و آخر آیه را با سه نکته شروع و ختم نمودم تا درک شود آیه کامل نیست.
- ۷- برای ترجمه دقیق و معتبر همه ترجمه نص قرآن را از تفسیر نور اثر دکتر مصطفی خرمدل^۱ درج نمودم.
- ۸- کلمات مرتبط با موضوع را با تفصیل بیان نمودم تا موضوع خوب‌تر درک شده ذهن نشین گردد.
- ۹- باید یادآورم، بیشترین کتب مورداستفاده از (المکتبه الشامله الحدیثه) و سافت های pdf کتب بوده است، زیرا هارد آن اکثراً یافت نمی‌شود، اکثر کتب مذاهب مختلف در کشور ما یافت نمی‌شود، به خصوص کتب تراث اسلامی فقهی و منابع اولیه، به جز کتب فقه

^۱ . داکتر مصطفی خرمدل زاده سال ۱۳۱۵ روستای دهبکر، مهاباد، نویسنده مترجم، قران پژوه، اسلام شناس و مفسر کرد اهل سنت ایران است که تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در شهر خود گذارنده اند و هرم زمان به فراگرفتن علوم دینی هم مشغول بود لیسانس خود را در رشته زبان و ادبیات عرب از دانشگاه تهران دریافت کرد و مدرک فوق لیسانس و دکتری خود را در رشته فرهنگ عربی و علوم قرانی خود را نیز از ان دانشگاه دریافت کرد و ریاست دانشگاه رازی کرمانشاه به ایشان واگذار شد در سال ۱۳۶۷ با تقاضای خود باز نشسته شد و مجدداً به زادگاه خویش مهاباد برگشت و مشغول تألیف و ترجمه گردید که برخی از آنها است، تفسیر نور، ترجمه تفسیر فی الظلال القرآن، تفسیر المتکطف به زبان عربی نگاهی گذرا به اعجاز علمی قران د و دیگر آثار

((<https://ar.wikipedia.org/wiki>))

حنفی که در این سرزمین مروج بوده است، بناء اکثرا کتب را به صورت سافت از مکتبه شامله و از انترنت دانلود نموده و مورد استفاده قرار دادم.

خطه بحث

فصل اول : مفاهیم و کلیات

مبحث اول: مفاهیم

مطلب اول: مفهوم وتر

مطلب دوم: مفهوم نماز

مطلب سوم: مفهوم قنوت

مبحث دوم: مشروعیت و فلسفه وتر

مطلب اول: مشروعیت نماز وتر

مطلب دوم: فلسفه حقیقت نماز وتر

فصل دوم: فضایل و روش ادای نماز وتر

مبحث اول: فضایل نماز وتر

مطلب اول: ترغیب و تشویق بر ادای نماز وتر

مطلب دوم: فضایل و ثواب ادای نماز وتر

مبحث دوم: نماز وتر در صدر اسلام

مطلب اول: نماز وتر رسول الله صلی الله علیه وسلم

مطلب دوم: نماز وتر صحابه و تابعین رضوان الله علیهم اجمعین

مبحث سوم: تعداد رکعات، وقت ، و روش ادای آن

مطلب اول: تعداد رکعت نماز وتر

مطلب دوم: وقت ادای نماز وتر

فصل سوم: احکام نماز وتر و روش قنوت در آن

مبحث اول: احکام نماز وتر

مطلب اول: حکم نماز وتر

مطلب دوم: فرق میان سنت ، واجب و فرض

مطلب سوم: حکم اداء نماز وتر

مطلب چهارم: قضای نماز وتر

مبحث دوم: احکام قنوت

مطلب اول: مفهوم قنوت در نماز وتر

مطلب دوم: انواع قنوت در نماز وتر

مطلب سوم: چگونگی ادای قنوت

مطلب چهارم: جهر و اخفای قنوت

مطلب پنجم: الفاظ قنوت

فصل اول : مفاهیم و کلیات

این فصل شامل دو مبحث ذیل است

➤ **مبحث اول: مفاهیم**

➤ **مبحث دوم: مشروعیت و فلسفه وتر**

مبحث اول: مفاهیم

در این مبحث به مفهوم شناسی، چند کلمه کلیدی که عنوان این نوشتار را شکل داده است می‌پردازیم در حقیقت هریک از آن کلمات این مبحث تعریف خواهد شد تا مخاطب با واژگان کلیدی آن آشنا شود و درک خوب‌تری از کلمات و واژگان و موارد استعمال و معانی متفاوت آن داشته باشد.

مطلب اول: مفهوم وتر

الف: وتر در لغت

وتر در لغت: بمعنی فرد، طاق، تنها، عدد طاق، واحد، یگانه، ضد شفع و جفت است. چنانچه در لسان العرب آمده: «الْوَتْرُ وَالْوَتْرُ الْفَرْدُ»^۱ وتر (به کسر و فتح) به معنی فرد. اهل حجاز طاق را وتر میگویند و اهل نجد واو را کسره میدهند^۲ برخی گفته اند، الوترُ به کسر اول آن ضد شفع است.^۳ الوترُ و وتر به فتح آن به معنی عدد طاق استعمال شده است.^۴ الوتر- و الوتر جمع اوتار، والوتیره: انتقام خونخواهی و زیاده روی در انتقام و خونخواهی، خونی که ریخته شده است و انتقامش را نگرفته اند^۵

^۱ - ابن منظور، محمد بن مکرم بن منظور. لسان العرب. تحقیق. عبد الله علی الکبیر و هاشم محمد الشاذلی. القاهرة: دارالمعارف. ج ۴ ص ۲۷۳ بی تا.

^۲ ابن درید، أبو بکر محمد بن الحسن، جمهرة اللغة، المحقق: رمزي منیر بعلبکی، الناشر: دار العلم للملایین - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۹۸۷م ج ۱ ص ۳۹۵

^۳ البکری، عبد الله بن عبد العزيز معجم ما استعجم من أسماء البلاد والمواضع. الطبعة الثالثة، بیروت: عالم الكتب. (۱۴۰۳هـ). ج ۴ ص ۱۳۶۸

^۴ خلیل بن احمد فراهیدی؛ العین؛ ج ۳، ص ۱۹۲۳. اسماعیل بن حماد جوهری؛ الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه؛ ج ۲، ص ۸۴۲. ابن فارس؛ معجم مقاییس اللغة؛ ج ۶، ص ۸۴. احمد بن محمد فیومی؛ المصباح المنیر؛ ص ۶۴۷.

^۵ فارابی، أبو نصر إسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، تحقیق: أحمد عبد الغفور عطار، دار العلم للملایین - بیروت، الطبعة: الرابعة ۱۴۰۷ هـ - ۱۹۸۷ م ج ۲ ص ۸۴۲

الوثر - و الوثر از نام های خداوند ، روز عرفه ، ظلم، دشمنی کینه، نماز فرد و طاق، نیز استعمال شده است.^۱

طوری که در حدیث از رسول الله صلی الله علیه وسلم استعمال شده است که می فرماید: (إِنَّ لِلَّهِ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ اسْمًا، مِائَةٌ إِلَّا وَاحِدًا، مَنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ، إِنَّهُ وَثْرٌ يُحِبُّ الْوَثْرَ).^۲

محقق این است که خدای متعال نود و نه اسم دارد، یکی کمتر از صدتا. کسی که این نام های مقدس را از بر نماید به بهشت داخل می شود، او طاق است و طاق را دوست می دارد.

اما وَثْرٌ يَتْرُ وَثْرًا: ظلم کردن و ترسانیدن ، هم چنان بمعنی کم کردن نیز آمده است وَثْرًا فَلَانًا مَالُهُ مالی^۳ فلانی را کم کرد و در قران به همین معنی آمده: (وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَ لَنْ يَتْرِكُمْ أَعْمَالَكُمْ)^۴

خداوند همراه شما است و هرگز کم نمیکند کار های شمار را.

(الوثر - و الوثر) (بفتح و کسر واو) در لغت عدد طاق را گویند: مانند یک، سه ، پنج، هفت و...

و در حدیث شریف آمده (إِذَا اسْتَجْمَرَ أَحَدُكُمْ فُلْيُوتِرًا)^۵ کسیکه میخواهد استنجا کند باید عدد طاق را رعایت کند. یعنی به سه سنگ پنج سنگ و یا هفت سنگ استنجا کند

^۱ زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق: جماعة من المختصين، من إصدارات: وزارة الإرشاد والأبناء في الكويت - المجلس الوطني للثقافة والفنون والآداب بدولة الكويت، أعوام النشر: (۱۳۸۵ - ۱۴۲۲ هـ) = (۱۹۶۵ - ۲۰۰۱ م) ج ۱۴ ص ۳۴۵

^۲ الإمام أحمد بن حنبل مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۱۲ ص ۶۹ حکم حدیث: قال الشيخ شعيب الأرئوطو حديث صحيح

^۳ معلوف، لويس. (۱۳۸۴هـ) فرهنگ المنجد. ج ۲. مترجم. محمد بندر ریگی. تهران: انتشارات ایران. ص ۲۱۳۹

^۴ سوره محمد آیه ۳۵

^۵ الإمام أحمد بن حنبل ، مسند الإمام أحمد ، ج ۱۲ ص ۴۲۳ حکم حدیث: شعيب الأرئوطو می گوید: حدیث صحيح

است

مفسران اقوال و احتمالات فراوانی در معانی کلمه شفع وتر و استعمال آن در قرآن کریم ذکر کرده‌اند: حتی فخر الدین رازی^۱ بیست قول^۲ را پیرامون استعمال و کاربرد کلمه شفع وتر در کتاب خویش آورده ذکر نموده است.

بعضی از آن هم فراتر رفته و بالغ بر سی و شش قول نقل کرده‌اند. طوریکه ابوحیان^۳ به نقل از

کتاب التَّخْرِيرِ وَالتَّجْبِيرِ می گوید «فِيهَا سِتَّةٌ وَثَلَاثِينَ قَوْلًا»^۴

و مهمترین آنها اقوال زیر است.

^۱ - ابو عبدالله محمد بن عمر بن حسین بن حسن تیمی بکری طبرستانی رازی، فقیه، متکلم، فیلسوف، مفسر و حکیم مسلمان که در سال ۵۴۴ (ق) در ری متولد شد و وفاتش در سال ۶۰۶ (ق)، در هرات اتفاق افتاد. ملقب به فخرالدین است و به امام رازی یا امام فخر رازی نیز شهرت دارد. او بر علوم عقلی و علوم نقلی، تاریخ، کلام، فقه، اصول و علوم ادبی عصر خود تسلط کامل داشت. فخر رازی آثار بسیاری در علوم نقلی و علوم عقلی دارد که برخی از مهمترین آنها عبارتند از: تفسیر کبیر که به «مفاتیح الغیب» موسوم است. الاربعین فی اصول الدین، اسرار التنزیل و انوار التاویل، اسرار النجوم، الانارات فی شرح الاشارات، ، البیان و البرهان، زبده العالم فی الکلام، شرح قانون ابن سینا و... (عادل نویهض، معجم المفسرین «من صدر الإسلام وحتى العصر الحاضر» مؤسسة نویهض الثقافية للتألیف والترجمة والنشر، بیروت - لبنان، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۹ هـ - ۱۹۸۸ م ج ۲ ص ۵۹۷)

^۲ فخر الدین رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب = التفسیر الکبیر الناشر: دار إحياء التراث العربي - بیروت، الطبعة: الثالثة - ۱۴۲۰ هـ ج ۳۱ ص ۱۴۹

^۳ محمد بن یوسف بن علی بن حیان، اثیر الدین، أبو حیان الأندلسی الجیانی الغرناطی، وی در قریه، غرناطه، در سال ۶۵۴ هـ تولد یافت، و از همان آوان جوانی شروع به درس و تحصیل نمود، تا اینکه سر آمد عصر خویش شد، دانشمند علوم مختلف بود، از جمله در تفسیر، حدیث، فقه؛ نحو، بلاغت، قرائت، دست بالا داشت، وی آثار زیاد از خود بجا گذاشت که از جمله، "البحر المحيط فی التفسیر"، و "شرح التسهیل"، و "الإرشاد" (ابن الملقن سراج الدین العقد المذهب فی طبقات حملة المذهب، المحقق: أيمن نصر الأزهری - سید مهني دار الكتب العلمية، بیروت - لبنان الطبعة: الأولى، ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۷ م ص ۴۲۳)

^۴ أبو حیان، محمد بن یوسف بن علی بن یوسف، البحر المحيط فی التفسیر المحقق: صدقي محمد جمیل دار الفکر - بیروت، الطبعة: ۱۴۲۰ هـ ج ۱۰ ص ۴۷۰ و

۱- منظور اعداد زوج و فرد است، مطابق این تفسیر خداوند به کل اعداد که از زوج و فرد تشکیل شده است سوگند یاد کرده، اعدادی که همه محاسبات و نظامها بر محور آن می‌چرخد، و سراسر عالم هستی را فرا می‌گیرد، گویی فرموده است قسم به نظم و حساب، و در حقیقت مهمترین مطلب در جهان هستی همین مساله نظم و حساب و عدد است و در زندگی انسانها نیز پایه اصلی را تشکیل می‌دهد.^۱

۲- منظور از "شفع" مخلوقات است چرا که همه آنها دارای زوج و قرینی هستند و منظور از "وتر" خدا است که هیچ شبیه و نظیر و مانند ندارد، بعلاوه ممکنات همگی مرکب از "ماهیت" و "وجود" هستند که در فلسفه از آن تعبیر به "زوج ترکیبی" می‌شود، تنها هستی بی‌اتتها و بدون ماهیت ذات پاک خدا است (این تفسیر در بعضی از روایات به آن اشاره شده است)^۲

۳- منظور از زوج و فرد کل مخلوقات جهان است که از یک نظر بعضی زوجند و بعضی فرد.^۳

۴- منظور نمازها است که بعضی از نظر تعداد رکعات زوج است و بعضی فرد (این معنی نیز در روایتی نقل شده است) یا اینکه منظور همان نماز شفع و وتر است که در آخر نافله شب خوانده می‌شود.^۴

^۱ مأمون حموش، التفسیر المأمون، المدقق اللغوي: أحمد راتب حموش، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۸ هـ - ۲۰۰۷ م ج ۸ ص ۴۳۶، قرطبی، محمد بن أحمد الأنصاري، الجامع لأحكام القرآن، تحقیق: أحمد البردوني وإبراهيم أطفیش، دار الكتب المصرية - القاهرة، الطبعة: الثانية، ۱۳۸۴ هـ - ۱۹۶۴ م ج ۲۰ ص ۳۸

^۲ انباری، محمد بن القاسم بن محمد بن بشار، الزاهر في معاني كلمات الناس، المحقق: د. حاتم صالح الضامن: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۲ هـ - ج ۱ ص ۶۷

^۳ مأمون حموش، التفسیر المأمون، ج ۸ ص ۴۳۶، قرطبی، محمد بن أحمد الجامع لأحكام القرآن، ج ۲۰ ص ۳۸

^۴ انباری، محمد بن القاسم بن محمد بن بشار، الزاهر في معاني كلمات الناس، ج ۱ ص ۶۷

۵- منظور از " شفع " روز " ترویه " (هشتم ماه ذی الحجة که حاجیان آماده کوچ به عرفات می‌شوند) و منظور از " وتر " روز " عرفه " است که زائران خانه خدا در عرفاتند، یا اینکه منظور از شفع روز عید قربان (دهم ذی الحجه) و منظور از وتر روز " عرفه " است^۱

عمده آن است اگر الف و لام در این دو کلمه برای عموم باشد همه این معانی در آن جمع می‌گردد، چرا که هر کدام از این تفسیرها و غیر اینها بیان مصداقی است از مصداقهای " شفع " و " وتر "، و ذکر هر یک به خصوص به معنی انحصار در آن مفهوم نیست، بلکه از قبیل تطبیق بر یک مصداق روشن است ولی اگر الف و لام در آنها برای عهد باشد اشاره به زوج و فرد خاصی است، و در اینجا به تناسب سوگندهای گذشته دو معنی از همه مناسبتر است نخست اینکه منظور روز عید و روز عرفه باشد که با شبهای دهگانه آغاز ذی الحجه مناسبت کامل دارد، و مهمترین قسمت‌های مناسک حج در آنها انجام می‌شود، و یا اینکه نمازها است به تناسب سوگند به فجر که وقت سحرگاهان و وقت راز و نیاز به درگاه پروردگار است به خصوص اینکه هر دو تفسیر در روایاتی که از بزرگان نقل شده نیز وارد است.^۲

خلاصه اینکه وتر به معانی، تنها، عدد طاق، مفرد، نقص و کاهش، ترس، کینه، پیایی، پیروی، نام از اسمای الهی، شخصی که کشته شود و قاتل آن مشخص نباشد، روز عرفه، روز قربانی، استعمال شده است^۳

اصل چیزی که در این ماده است به معنی تفرد (تنها بودن) در قبال شفع است، از مصادیق آن عدد فرد، حجاب بین دو چیز، دشمنی، فردی که خورش پامال شود، هر کسی در مشکلات بند بماند و

^۱ ابن جریر طبری، أبو جعفر، محمد، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، ج ۲۴ ص ۳۹۵

^۲ الزمخشري - ناصر الدین ابن المنیر السکندري - ابن حجر العسقلاني - محمد علیان المرزوقي (تفسیر الکشاف - ومعہ الانتصاف ومشاهد الإنصاف والکافی الشاف ج ۴ ص ۷۴۶ و ابوحیان، البحر المحيط فی التفسیر ج ۱۰ ص ۴۷۰، با تصرف

^۳ سعدی أبو جیب، القاموس الفقهي لغة واصطلاحا، دار الفکر. دمشق - سوریه، الطبعة: الثانية ۱۴۰۸ هـ = ۱۹۸۸ م ص

تنها شود، و بر کسی که ظلم شود در هریک از این استمعالات مفهوم تنها بودن است، زیرا حجاب دو جز را تنها می کند، هرکسی تنها شود بر آن ظلم می شود، و...^۱

در اصطلاح:

در تعریف اصطلاحی آن چند تعریف از دانشمندان اسلام نقل شده است که در ذیل

چند نمونه آن را تذکر می دهیم

۱- «الظاهر أنَّ الوتر هو مجموع صلاة الليل إذا حُتمت بوتر»^۲

ظاهراً، وتر مجموع از نماز های شب است که با (رکعت) طاق خاتمه یابند.

۲- ابو حبیب^۳ در تعریف وتر می نگارد: «الوتر في عرف الشرع: ما يختم به الرجل الشفع

من صلاة الليل، سواء اتصل بما قبلها من الصلاة، أو ضم إلى الشفع ركعة مستقلة بوتر ما

قبلها»^۴ وتر در عرف شرع آنست که مردی نماز شفع شب را به آن ختم می کند خواه

متصل به نماز ما قبل باشد یا نباشد یا به نماز شفع یک رکعت مستقل اضافه کند که ماقبل

آن را طاق گرداند.

^۱ مصطفوی، حسن، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج ۱۳، ص: ۲۱

^۲ بعدانی، محمد بن علی بن حزام، فتح العلام في دراسة أحاديث بلوغ المرام «حدیثاً وفقهياً مع ذکر بعض المسائل

الملحقة»: دار العاصمة للنشر والتوزيع، صنعاء - اليمن، الطبعة: الرابعة، ۱۴۴۰ هـ - ۲۰۱۹ م، ص ۲ ص ۶۴۱

^۳ - سعيد ابو حبيب، متولد سال، ۱۳۵۱ هـ ق، دمشق، فارغ التحصيل از دانشگاه دمشق از رشته شرعیات و حقوق، وی

سمت قضاء را در دمشق در سال ۱۹۶۰ م به عهده گرفت، و در دیوان محاسبات به عنوان مشاور موظف شد، سپس در

سال ۱۹۹۰ م استعفاء داد و بعداً در دائرة المعارف اسلامی در کویت، مشغول به کار شد، و بعد اکادمی فقه اسلامی را

در مکه مکرمه تأسیس نمود، آثار و تألیفات زیاد دارد از جمله، موسوعة الاجماع فی الفقه الاسلامی، معجم الفقه الحنبلی،

القاموس الفقهي لغة و اصطلاحاً الوجيز فی المبادئ، السياسية فی الاسلام. (<https://ar.wikipedia.org/wiki>)

^۴ الدكتور سعدي أبو جيب، القاموس الفقهي لغة و اصطلاحاً، الناشر: دار الفكر. دمشق - سورية، الطبعة: الثانية ۱۴۰۸ هـ

= ۱۹۸۸ م ص ۳۷۰

در موسوعه فقهی کویتی آمده است: آن عبارت از نمازی است بین نماز خفتن و طلوع فجر به این نام بخاطر تسمیه شده که طاق خوانده میشود و جفت خواندن آن درست نیست^۱ وتر را ابن طحطاوی^۲ حنفی چنین تعریف کرده است: «وهو في الشرع صلاة مخصوصة وهي ثلاث ركعات بعد العشاء»^۳ وتر در شرع نماز مخصوص است و آن سه رکعت بعد از نماز خفتن ادا میگردد. با دقت در تعاریف که بر وتر تذکر رفته است معلوم می شود که بین تعاریف تفاوتی وجود ندارد تنها برخی شرایط و اوصاف وتر در آن تذکر داده و برخی هم اکتفا به اختصار نموده و آنرا کوتاه تعریف کرده است.^۴ و برخی دیگر نظر به دید فقهی بر سه رکعت بودن وتر آن را تعریف کرده اند. و هم چنان عده هم کلیات را در نظر گرفته تا از یک رکعت الی سیزده رکعت را شامل شود.

۳- «الظاهر أن الوتر هو مجموع صلاة الليل إذا ختمت بوتر»^۵

^۱ وزارة الأوقاف و الشؤون الاسلاميه الكويت. (١٤٢٧هـق). الموسوعة الفقهية الكويتية. ج ٢. ٢٧. ٣٤. مصر: مطابع دارالصفوة. ج ٢٧ ص ١٣٦

^۲ - أحمد بن محمد بن إسماعيل الطحطاوي الحنفي المصري ، از بزرگان و مشایخ احناف از منطقه طحطا ديار مصر است، سال تولد وی مشخص نیست، از آوان جوانی نزد پدر دروس الاسلامی را فراگرفت ، تا اندازه که از بزرگان احناف به شمار می رود، آثار گرانهای از خود بجا گذاشت، از جمله: حاشية الدر المختار حاشية على شرح مراقي الفلاح - كشف الرين عن بيان المسح على الجوربين وی در سال ١٢٣١ فوت نمود (الأعلام للزركلي ج ١ ص ٢٤٥)

^۳ طحطاوی، أحمد بن محمد بن إسماعيل ، حاشية الطحطاوي على مراقي الفلاح شرح نور الإيضاح، ضبطه وصححه: محمد عبد العزيز الخالدي، دار الكتب العلمية بيروت - لبنان، الطبعة: الطبعة الأولى ١٤١٨ هـ - ١٩٩٧ م ص ٣٧٤

^۴ همان طوریکه در صفحات بعدی نیز بحث مفصل پیرامون این موضوع که ، چرا امام طحاوی پنج و هفت رکعت را وتر نمی داند بحث صورت گرفته است، امام طحاوی به این باور است، از نماز بتیرا نهی شده است، و بیشتر از سه رکعت ، هرچه باشد بقیه آن نفل محسوب می شود نه وتر ، وتر همان سه رکعت است که تفصیل دلائل در تعداد رکعت وتر تذکر رفته است

^۵ بعدانی، محمد بن علي بن حزام ، فتح العلام في دراسة أحاديث بلوغ المرام «حديثا وفقهيا مع ذكر بعض المسائل الملحقة»: دار العاصمة للنشر والتوزيع، صنعاء - اليمن، الطبعة: الرابعة، ١٤٤٠ هـ - ٢٠١٩ م ج ٢ ص ٦٤١

ظاهراً، وتر مجموع از نماز های شب است که با (رکعت) طاق خاتمه یابند. از یک طرف تعداد رکعات را مقید نکرده است، همه رکعات منصوبه را شامل می شود، ثانیاً، با ذکر لیل، نماز شام را از تعریف خارج نمود، ثالثاً، مختصر است.

مطلب دوم: مفهوم نماز

الف: مفهوم لغوی نماز

نماز واژه‌ای فارسی است که معانی متعدد دارد:

واژه نماز در لغت فارسی از لفظ پهلوی نماک (namac) گرفته شده که آن هم واژه «نم» (nam)» به معنای خم شدن و تعظیم کردن گرفته شده است.^۱ هم چنان از جمله معانی نماز در کتاب‌های لغت فارسی عبارتند از: بندگی، اطاعت، سجود، پرستش، خدمتکاری و فرمان برداری.^۲ بعد از سطره اسلام بر سرزمین های فارس نماز معادل همان واژه قرآنی «صلاة» استعمال می شود.

پیرامون واژه «صلاة» که در قرآن ذکر شده است نیز اختلاف است

برخی معتقدند «صلاة» از ریشه عبری گرفته شده و به معنای کنیسه یهودیان است؛ «صلوة» از لفظ عبری «صلوها» مشتق است.^۳ چنان که لفظ «صلوات» در آیه ۴۰ سوره حج: «وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ»^۴ و اگر خدا بعضی را به وسیله بعضی دیگر دفع نکرده بود، دیرها و کلیساها و کنشتها و مسجدهایی که نام خدا به فراوانی در آن برده می شود ویران می گردید. نیز به همین معنا می باشد.

^۱ بن خلف تبریزی، محمد حسین، برهان قاطع، تحقیق محمد معین، انتشارات امیر کبیر چاپ هشتم، ۱۳۶۱ هـ ش ج ۴، ص ۲۱۶۷.

^۲ عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، امیر کبیر. (۱۳۸۲ هـ ش). ذیل واژه نماز؛ و فرهنگ دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱۴، ص ۲۲۷۳۱

^۳ زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس، ج ۳۸ ص ۴۴۰ غرناطی، محمد بن یوسف بن علی بن یوسف بن حیان، تحفة الأریب بما فی القرآن من الغریب ص ۲۳۱ و زجاج، إبراهیم بن السری بن سهل، معانی القرآن وإعرابه ج ۳ ص ۴۳۰

^۴ سوره حج آیه ۴۰

زجاج^۱ می گوید «**وَالصَّلَوَاتُ كَنَائِسُ الْيَهُودِ، وَهِيَ بِالْعِبْرَانِيَةِ صَلَوَاتَا**»^۲ صلوات معبد های یهود اند، و در عبرانی به آن صلواتا می گویند.

الأنباری^۳ می گوید: «**صَلَوَاتٌ**» اصل در عبرانی: صَلَوَاتَا، بود عربها آ «تعریب کرده گفتند «صلاة»»^۴ و برخی معتد اند که اصل آن عربی است، «صلاة» از ریشه «صل ل و» به معنای دعاست طوریکه راغب اصفهانی^۵ در مفردات می گوید: «**وَالصَّلَاةُ، قَالَ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ اللُّغَةِ: هِيَ الدَّعَاءُ، وَالتَّبْرِيكُ**»^۶

۱ - ابواسحاق، ابراهیم بن محمد بن سرّی بن سهل زجاج در کودکی به شیشه گری مشغول بود و لقب زجاج (شیشه گر) از آن زمان بر او ماند. آن گاه شیفته آموختن نحو و ملازم و مصاحب مبرّد شد و تعهد کرد تا زمان درگذشت یکی از آن دو در برابر آموختن نحو، روزانه درهمی دستمزد به استاد پردازد، وی آثار زیاد از خود به جا گذاشته از جمله: معانی القرآن، الاشتقاق، خلق الإنسان، الأمالی، فعلت وأفعلت، المثلث، إعراب القرآن - الزجاج حیاة وآثاره ومذهبه فی النحو، للدكتور محمد صالح التكريتي، رسالة ماجستير، بغداد ۱۹۶۷ م.

۲ و زجاج، ابراهیم بن السري بن سهل، معانی القرآن وإعرابه ج ۳ ص ۴۳۰
۳ ابن الأنباري، أبو بكر، محمد بن القاسم بن محمد بن بشار بن الحسن بن بیان بن سماعة بن فروة بن قطن بن دعامة الأنباري متولد، (۲۷۱ - ۳۲۸ هـ) اهل لغت، شاعر و تاریخ نویس بود، وی کتب زیادی از خود بجا مانده است، از جمله: الزاهر، شرح القصائد السبع الطوال الجاهليات، إيضاح الوقف والابتداء في كتاب الله عز وجل، عجائب علوم القرآن، غريب الحديث و در سال ۸۸۴ - ۹۴۰ م) در بغداد وفات کرد(صَفَدِي؛ علی بن یوسف قَفَطِي، إنباه الرواة علی أنباه النحاة، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ج ۱، ۱۳۶۹/۱۹۵۰، ج ۳، ۱۳۷۴/۱۹۵۵)؛

۴ الأنباري، أبو بكر، محمد بن القاسم بن محمد، الأضداد المحقق: محمد أبو الفضل إبراهيم، المكتبة العصرية، بيروت - لبنان، ۱۴۰۷ هـ - ۱۹۸۷ م ص ۳۳۹

۵ - راغب الأصفهانی (۱۱۰۸ - ۱۰۰۰ م) حسین بن محمد بن المفضل، أبو القاسم الأصفهانی معروف به راغب از ادیبان حکماء و علماء اهل اصفهان بود در بغداد سکونت گزید و در آنجا شهرت حاصل نمود آثار متعدد نگاشت که از جمله من (محاضرات الأدباء الذریعة إلى مکارم الشریعة (الأخلاق) ویسمى (أخلاق الراغب) وجامع التفاسیر) (المفردات فی غریب القرآن) و (حل متشابهات القرآن) و (تفصیل النشأتین) فی الحکمة وعلم النفس و تحقیق البیان، فی اللغة والحکمة، و کتاب فی (الاعتقاد) و (أفانین البلاغة) (الاعلام للزکلی ۲/۲۵۵)

۶ راغب الأصفهانی، الحسين بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، المحقق: صفوان عدنان الداودي، دار القلم، الدار الشامیة - دمشق بیروت، الطبعة: الأولى - ۱۴۱۲ هـ ص ۴۹۰

بسیاری از اهل علم گفته اند که صلاه به معنی دعا و تبریک است. ابن منظور جمع آن را «صَلَوَات» می داند.^۱

ولی به نظر می رسد اصل آن بابلی باشد که اسمی برای عبادت معین در شریعت ابراهیمی علیه السلام وضع شده است، طوریکه الله متعال از ابراهیم علیه السلام حکایت می کند، که آن فرزندان خود را در وادی غیر مزروع ترک نمود و گفت: (رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ)^۲

پروردگارا من بعضی از فرزندانم را در دره‌ای غیر قابل کشت نزد خانه محترم تو اسکان دادم، پروردگارا تا نماز اقامه کنند

پس لازمه آن است که آنها نماز را ادا کردند و اقامه نمودند همینگونه این واژه داخل زبان عربی گردید. بعد از این ترجیح در میابیم که الصَّلَاة عبادت که متضمن رکوع سجود و تلاوت است طوریکه الله متعال حکایت می کند. (وَعَهَدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ)^۳ به ابراهیم و اسماعیل، دستور دادیم که خانه مرا برای زائران و ساکنان و راکعان و ساجدان آماده و پاکیزه دارید.

تحولی^۴ که در معنای کلمه بعد از اسماعیل (علیه السلام) رخ داد، آن را با آن عبادت که در آنچه از شریعت ابراهیم (علیه السلام) بود، از دست داد. و بعد به مطلق دعا استعمال شد. به طوریکه عرب می گوید: (صَلَّيْتُ أَنْ يَرِدَ اللَّهُ عَلَيَّ ضَالَّتِي) دعا کردم که خداوند گم شده ام را بر گرداند.

^۱ ابن منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب، قم، ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق، ج ۱۴، ص ۴۶۴.

^۲ سوره ابراهیم آیه ۳۷

^۳ سوره بقره آیه ۱۲۵

^۴ مفسران و زبان‌شناسان، از دیرباز متوجه شدند که در قرآن، کلماتی با معانی متفاوت با آنچه که در شعر جاهلی و زبان عرب پیش از نزول قرآن به کار رفته، وجود دارد. از این‌رو، به تمییز بین معنای عربی و معنای اسلامی پرداختند. برای مثال احمد بن فارس (م. ۳۹۵ هـ) می‌گوید: «عرب در جاهلیت بر میراث پدرانشان در زبان، آداب و رسوم، مناسک و قربانی‌ها بودند، پس هنگامی که اسلام آمد، احوال آن‌ها دگرگون و ادیانشان منسوخ گشت و در زبانشان، الفاظی، از مواضعی به مواضعی دیگر، به سبب اضافاتی که صورت گرفت و احکامی که وضع شد و شروطی که ذکر گشت، منتقل شده و معنای دوم، معنای اول را از بین برد و مردم پس از درگیرها، تجارت‌ها، کسب و کار و امرار معاش در سفرهای زمستانی و تابستانی و پس از علاقه‌مندی به شکار، خمر و قمار، به تلاوت قرآن عزیزی که هیچ باطلی از پیش و پس، بر آن وارد نمی‌شود و فرود آمده از سوی خداوند دانای ستوده و تفقه در دین خداوند و حفظ سنت‌های فرستاده‌اش و جنگ با دشمنان اسلام مشغول شدند» (ابن فارس، ۱۹۱۰م، ص ۴۴-۴۵). سپس به عنوان مثال از مؤمن، مسلم، کافر، منافق، فسق، صلاه، سجود، صیام ... در قرآن، سخن گفته و اضافه می‌کند: «و همچنین حج که نزد آنان به معنای قصد چیزی کردن و اندازه‌گیری زخم، معنای دیگری نداشت؛ مانند سروده‌ی ذیل:

در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت که فرموده اند: (إِذَا دُعِيَ أَحَدُكُمْ فَلْيَجِبْ فَإِنْ كَانَ صَائِمًا فَلْيَصِلْ، وَإِنْ كَانَ مُفْطِرًا فَلْيُطْعَمْ)^۱ هر گاه یکی از شما را دعوت کردند، باید اجابت کند؛ اگر روزه بود دعای خیر کند و اگر روزه نبود، بخورد.

وَأَشْهَدُ مِنْ عَوْفٍ حُلُولًا كَثِيرَةً*يُحْجَوْنَ سَبَّ الزُّبُرْقَانَ الْمَرْغُفَا

(و گروه‌های بسیاری را از عوف مشاهده می‌کنم که دیدن عمامه زرد رنگ شده به زعفران زبرقان [لقب حصین بن بدر فزاری و به معنای زرد رنگ] را قصد کرده‌اند (مراد از دیدن عمامه، دیدن خود فرد است به سبب ریاستش)).

سپس اسلام، شرایط حج و شعائرش را بدان افزود و نیز زکاه که نزد عرب فقط به معنای نمو بود و معانی دیگری بدان افزود که ذکر آن‌ها در اینجا موجب اطاله است و واژه‌های بسیار دیگری که در این کتاب از آن‌ها سخن نرفته‌است؛ مانند: عمره، جهاد و دیگر ابواب فقه. از این رو، در باره کلمه «صلاه» گفته می‌شود که دارای دو اسم است: لغوی و شرعی.... و این، قیاس واژه‌هایی است که در دیگر علوم؛ چون: نحو، عروض و شعر به کار رفته و دو اسم دارند: لغوی و صناعی». ابن فارس، احمد الصحابی، قاهره، المكتبة السلفية. (۱۹۱۰م)، ۴۷-۴۵

الصلاة: در ریشه لغوی به شرح ذیل اختلاف شده‌است:

الف) صلا: استخوانی که انتهای دم در آن فرو می‌رود و دو عدد می‌باشد که بدان‌ها، صلوان گفته می‌شود و برخی از لغت‌شناسان برآنند که صلاه از بالا بردن صلا در سجود (که به قصد عبادت و دعا معمولاً صورت می‌گیرد) گرفته شده‌است (ابن منظور، بی تا، ج ۱۴، ص ۴۶۵؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۵م، ج ۴، ص ۲۰۷؛ زبیدی، بی تا، ج ۱۹، ص ۶۰۶؛ ابن درید، بی تا، ج ۲، ص ۸۹۷). از مردی از عبدالقیس (مفضل ضبی، ۱۹۶۴م، ص ۹) یا از یزید بن سنان بن ابی حارثة (غندجانی، بی تا، ص ۳۲) چنین نقل شده‌است:

تَرَكَتُ الرُّمْحَ يَبْرُقُ فِي صَلَاةٍ*كَأَنَّ سِنَانَهُ خُرْطُومٌ نَسْرٍ

(نیزه را رها کردم تا در باسنش برق بزند، گویی که نوک نیزه، همچون بینی و نوک عقاب است)

ب) صلی: دعا کردن و طلبیدن (ابن منظور، بی تا، ج ۱۴، ص ۴۶۶؛ زبیدی، بی تا، ج ۱۹، ص ۶۰۷-۶۰۶). أعشى در توصیف خمر می‌سراید:

وَ صَهْبَاءَ طَافَ يَهُودِيَّهَا*وَ أَبْرَزَهَا وَ عَلَيْهِ حَتَمٌ

وَ قَابِلَهَا الرَّيْحَ فِي دَنْهَا*وَ صَلَّى عَلَي دَنْهَا وَ ارْتَسَمَ (أعشى، ۱۹۶۸هـ، ص ۳۵)؛ خمری که صاحبش گرد آن گشت و آن را بیرون آورد و آن را مهر و موم کرد. و باد بر آن در خمره‌اش وزید و برای خمره‌اش دعا و جادو کرد که فاسد نشود، یعنی برای دن (خمره) دعا کرد که تهی، فاسد و تباه نشود.

ج) صله: وصل کردن، چون صلاه آدمی را به خالقش وصل می‌کند (طباره، ۱۹۶۸هـ، ص ۲۱).

د) صلو: ملازم شدن، چون صلاه به معنای ملازمت آنچه که خداوند واجب کرده‌است (ابن منظور، بی تا، ج ۱۴، ص ۴۶۶؛ زبیدی، بی تا، ج ۱۹، ص ۶۰۶؛ زجاج، ۱۴۰۸هـ، ج ۱، ص ۲۳۲؛ أزهري، ۲۰۰۱م، ج ۱۲، ص ۱۶۶).

به هر حال، صلاه که مصدر فعل صلی در یکی از معانی بالاست، نزد عرب شناخته شده بود، اما در قرآن این لفظ، به هیئتی شناخته شده تخصیص داده که رکن مهم و مشهور از ارکان اسلامی به‌شمار می‌رود، هر چند کاربرد فعل صلی به معنای دعا کردن (معنای اصل): «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يَصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (احزاب: ۵۶) و نیز (توبه: ۱۰۳) که چه بسا این امر، نشان گر، اشتقاق صلاه از معنای دعا کردن باشد و نیز به معنای درود فرستادن (احزاب: ۵۶)، آمرزش (بقره: ۱۵۷)، دین (هود: ۸۷)، کنیسه (حج: ۴۰) و قرائت کردن (اسراء: ۱۱۰)، به کار رفته‌است (تفلیسی، ۱۳۶۰ش، ص ۱۷۴-۱۷۳؛ أبو هلال عسکری، ۱۹۶۶م، ص ۲۹۰-۲۸۸)، اما این وجوه، اختلافی بوده و ظاهراً همه یا بیشتر آن‌ها، همان معنای دعا کردن را دارند

^۱ نیشاپوری، مسلم بن الحجاج صحیح مسلم، تحقیق: محمد فواد عبد الباقي، دار إحياء التراث العربي - بیروت ج ۲ ص

در صحت استعمال آن در میان اعراب به این معانی، خاطر نشان می شود که ذکر خداوند معمولاً شامل دعا و تسبیح و درخواست رحمت و برکت به واسطه آن است.

بنابراین، نامگذاری عبادت اسلامی به اسم (نماز) از باب نامگذاری خاص به اسم عام می آید، نه از باب نام گذاری کل به اسم جزء، که در بین زبان شناسان رایج است. ابن منظور^۱ در کاربرد

الصَّلَاة می نگارد: الصَّلَاة از جانب الله متعال رحمت است، و الصَّلَاة از جانب خداوند متعال برای پیامبرش صلی الله علیه وسلم به معنی رحمت و حسن ثناء آن است^۲

کلمه «الصلوة» بدون مشتقات، ۶۱ بار و با مشتقات، ۹۸ بار در قرآن به کار رفته است^۳ در کاربرد قرآنی باید گفت: واژه «صلی» در قرآن، دو ریشه دارد: یکی به معنای افروختن آتش یا چیزی شبیه آن: «صلی یصلی» مانند: (جَهَنَّمَ یَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمِهَادُ)^۴ (تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً)^۵ سَيَصْلَى نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ^۶ این معنا ارتباطی با «صلاة» ندارد. و آن دوزخ است که بدانجا در می آیند و بدان

^۱ ابن منظور، (۱۲۳۲ - ۱۳۱۱ م) محمد بن مکرم بن علی ابو الفضل جمال الدین بن منظور انصاری رویفعی افریقی، صاحب لسان عرب و امام لغت از نسل رویف بن ثابت انصاری در مصر متولد شده است (و برخی گفته اند در طرابلس غرب تولد یافته است) در دیوان انشاء در قاهره ایفای خدمت می کرد بعد به صفت قاضی در طرابلس انجام وظیفه نموده است و در آخر عمر به مصر برگشت نمود و در آنجا فوت نمود این دانشمند با قلم خود ۵۰۰ مجلد نوشته است و در آخر عمر از نعمت بینائی محروم گردیده مشهورترین کتب آن: مختار الأغانی در ۱۲ جلد (مختصر مفردات ابن البیطار) و (تتار الأزهار فی اللیل والنهار) و (سرور النفس بمدارک الحواس الخمس) و (لطائف الذخیره) اختصر به ذخیره ابن بسام و (مختصر تاریخ دمشق لابن عساکر) (مختصر تاریخ بغداد للسمعانی) و (اختصار کتاب الحیوان للجاحظ) (الأعلام للزکلی ۱۰۸/۷)

^۲ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۴۶۴. وَالصَّلَاةُ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى: الرَّحْمَةُ؛ وَصَلَاةُ اللَّهِ عَلَى رَسُولِهِ: رَحْمَتُهُ لَهُ وَحُسْنُ ثَنَائِهِ عَلَيْهِ.

^۳ محمد فؤاد عبدالباقی، المعجم المفهرس، واژه (صلی).

^۴ سوره ص، آیه ۵۶.

^۵ سوره الغاشیه، آیه ۴.

^۶ سوره مسد آیه ۳

می سوزند ، و چه بد جایگاه و قرارگاهی است. به آتش بس سوزان و گدازان دوزخ در خواهند آمد و خواهند سوخ، به آتش بزرگی در خواهد آمد و خواهد سوخت که زبانه کش و شعله ور خواهد بود.

دیگری خود واژه «صلوة» است؛ «صلی یصلی» که در قرآن به چند معنا به کار رفته است:

۱. دعا، تبریک و تمجید: (... وَصَلُّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ ...) ^۱ و (إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ...) ^۲ و برای آنان دعا و طلب آمرزش کن که قطعاً دعا و طلب آمرزش تو مایه آرامش (دل و جان) ایشان می شود، خداوند و فرشتگانش بر پیغمبر درود می فرستند ، ای مؤمنان ! شما هم بر او درود بفرستید

۲. عبادت خاص (نماز): (فَإِذَا قُضِيَتْ الصَّلَاةُ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا ^۳ هرگاه نماز را به پایان بردید ، خدای را ایستاده و نشسته و بر پهلوهایتان افتاده (و در همه حال و احوال) یاد کنید و هنگامی که (ترس و هراسی نماند و آرامش خود را باز یافتید ، نماز را (به تمام و کمال و در وقت مشخص) برپای دارید . بیگمان نماز بر مؤمنان فرض و دارای اوقات معلوم و معین است .

۳. عبادت: (وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصْدِيَةً...) ^۴ دعا و تضرع ایشان در کنار مسجدالحرام جز سوت کشیدن و کف زدن نمی باشد

۴. رحمت خداوند: (أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ...) ^۵ آنان (همان بردباران با ایمانی هستند که) الطاف و رحمت و احسان و مغفرت خدایشان شامل حال آنان می گردد.

^۱ سوره توبه، آیه ۱۰۳.

^۲ سوره احزاب، آیه ۵۶.

^۳ سوره نساء، آیه ۱۰۳.

^۴ سوره انفال، آیه ۳۵.

^۵ سوره بقره، آیه ۱۵۷.

۵. کنیسه‌های یهودیان: (لَهْدِمَت صَوْمِعٌ وَبِيعٌ وَصَلَوْتُ وَمَسْجِدٌ يُذَكِّرُ فِيهَا اسْمَ اللَّهِ كَثِيرًا...)¹ دیرهای (راهبان و تارکان دنیا) و کلیساهای (مسیحیان) و کنشتهای (یهودیان)، و مسجدهای (مسلمانان) که در آنها خدا بسیار یاد می‌شود، تخریب و ویران می‌گردد.

ب: مفهوم اصطلاحی (الصلاة) نماز

در تعریف نماز (الصلاة) جمهور علماء و احناف اختلاف نظر دارند: احناف در تعریف آن گفته‌اند: (هي اسمٌ لهذه الأفعال المعلومَة من القيام والرُّكُوع والسُّجُود)² نماز اسم برای افعال معلوم از قیام، رکوع و سجود است.

ولی جمهور علماء در تعریف آن نگاشته‌اند: (هي أقوالٌ وأفعالٌ مُفْتَحَةٌ بِالتَّكْبِيرِ مُخْتَمَةٌ بِالتَّسْلِيمِ مَعَ النَّيَّةِ بِشَرَايِطٍ مَخْصُوصَةٍ)³ نماز عبارت از اقوال و افعال که با تکبیر آغاز می‌یابد و با سلام اختتام یافته باوجود نیت و شرایط مخصوص.

دکتور وهبه زحیلی نیز تعریف جمهور را برگزیده در تعریف آن می‌نگارد: «هي أقوالٌ وأفعالٌ مخصوصة، مفتوحة بالتكبير، مختمة بالتسليم»⁴

نماز عبارت از اقوال و افعال که با تکبیر آغاز می‌یابد و با سلام اختتام می‌یابد. همین تعریف اخیر به علت در برگرفتن همه مفاهیم نماز راجح باشد.

مطلب سوم: مفهوم قنوت

الف: قنوت در لغت

¹ سوره حج، آیه ۴۰.

² صغناقی، حسین بن علی السغناقی الحنفی النهاية فی شرح الهدایة تحقیق: رسائل ماجستير - مرکز الدراسات

الإسلامية بكلية الشريعة والدراسات الإسلامية بجامعة أم القرى، الأعوام: ۱۴۳۵ - ۱۴۳۸ هـ ج ۲ ص ۶۳

³ السبكي محمود محمد خطاب الدين الخالص أو إرشاد الخلق إلى دين الحق، المحقق: أمين محمود خطاب، الناشر: المكتبة المحمودية السبكية، الطبعة: الرابعة، ۱۳۹۷ هـ - ۱۹۷۷ م ج ۲ ص ۳، عبد الرحمن بن محمد عوض الجزيري (ت ۱۳۶۰ هـ) الفقه على المذاهب الأربعة دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان الطبعة: الثانية، ۱۴۲۴ هـ - ۲۰۰۳ م ج ۱ ص ۱۶۰ قحطاني، الإحكام شرح أصول الأحكام ج ۱ ص ۱۶۲ هم چنان، مواهب الجليل ۴/ ۲؛ مغني المحتاج ۱/ ۱۲۰؛ نهاية المحتاج ۱/ ۳۵۹؛ الروض المربع ۱/

⁴ الرُّحَيْلِيُّ، وَهْبَةُ بْنُ مِصْطَفَى، الْفِقْهُ الْإِسْلَامِيُّ وَأَدْلَتُهُ، دار الفكر - سوریه - دمشق ج ۱ ص ۶۳۵

قنوت، از ماده قنت، مصدر قنت یقنت قنوتا واسم فاعل قانت، که در لغت به معنای به دست آوردن چیزی، خشوع، ذل، تعبد، دعا، نماز، عبادت، قیام، سکوت ذکر، دوام طاعت آمده و در کاربرد قرآنی یعنی طاعت و پرستش همراه با خضوع و فروتنی؛^۱ که در واقع به معنای به دست آوردن حالت خضوع در عبادت به صورت قیام، سجده و رکوع بعد از تحقق ایمان می‌باشد.^۲ این کلمه در قرآن کریم^۳، واژه قنوت با تمام مشتقاتش در قرآن کریم ۱۳ مرتبه در ۱۲ آیه ذکر شده که در سوره های (۱) زمر، ۹. (۲). آل عمران، ۴۳. (۳) همان، ۱۷. (۴). بقره، ۲۳۸. (۵).

^۱ راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ المفردات فی غریب القرآن ص ۶۸۴.

^۲ ابن فارس، مقاییس اللغة (۳۱ / ۵) والفراء، معانی القرآن (۷۴ / ۱)، والزجاج، معانی القرآن (۱ / ۱۷۶، ۳۱۶)، وابن قتیبة، مشکل القرآن (۴۵۲)، والراغب، المفردات (۶۸۴)

۱- «أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا (آیا چنین کسی با ارزش است) یا کسی که در ساعات شب به عبادت مشغول است

۲. «یا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ ای مریم! (به شکرانه این نعمت) برای پروردگار خود، خضوع کن

۳. «الصَّابِرِينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الْقَائِمِينَ أَنَّهُمْ كَمَا (در برابر مشکلات، استقامت می‌ورزند، راستگو هستند، (با خدا) خضوع، می‌نمایند

۴. «و قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ»! و از روی خضوع و اطاعت، برای خدا بپاخیزید.

۵. «وَمَنْ يَقْنُتْ مِنْكُمْ لِلَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ هَر كَسٍ از شما برای خدا و پیامبرش خضوع کند

۶. «وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ كُلُّ لَّهُ قَانِتُونَ»؛ و از آن اوست تمام کسانی که در آسمانها و زمین اند و همگی در برابر او خاضع و مطیع اند

۷. «وَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ لَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ كُلُّ لُهُ قَانِتُونَ»؛ و (یهود و نصاری) گفتند: «خداوند، فرزندی برای خود انتخاب کرده است»! - منزه است او - بلکه آنچه در آسمانها و زمین است، از آن اوست و همه در برابر او خاضع اند.

۸. «عَسَى رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكُنَّ مُسْلِمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَ أَبْكَارٍ»؛ امید است که اگر او شما را طلاق دهد، پروردگارش به جای شما همسرانی بهتر برای او قرار دهد، همسرانی مسلمان، مؤمن، متواضع، توبه کار، عابد، هجرت کننده، زنانی غیر باکره و باکره.

۱۰. «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَ لَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ»؛ ابراهیم (به تنهایی) امتی بود مطیع فرمان خدا خالی از هر گونه انحراف و از مشرکان نبود.

احزاب، ۳۱. (۶). روم، ۲۶. (۷). بقره، ۱۱۶ (۸). نساء، ۳۴ (۹). تحریم، ۵. (۱۰). نحل، ۱۲۰. (۱۱). احزاب، ۳۵. (۱۲). تحریم، ۱۲. است، که مفهوم فرمان برداری با خشوع و خضوع را ارائه می کند. هم چنان حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم است که می فرماید: **کل حرف في القرآن يذكر فيه القنوت فهو الطاعة**^۱ هر حرفی که در قرآن ذکر قنوت باشد آن به معنی طاعت است.

ب: قنوت در اصطلاح

قنوت در کاربرد اصطلاحی چنین تعریف شده است:

الدعاء حال القيام^۲ قنوت در اصطلاح به معنی دعا در حال قیام است: (والمشهور في اللغة والاستعمال أن القنوت: الدعاء في القيام، وحقيقة القانت أنه القائم بأمر الله)^۳ مشهور در استعمال قنوت به معنی دعا در حال قیام است، و حقیقت قانت آنست که به امر خداوند متعال قائم است

۱۱. «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَائِتِينَ وَالْقَائِتَاتِ بِهِ يَقِين، مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان با ایمان و زنان با ایمان، مردان مطیع فرمان خدا و زنان مطیع فرمان خدا،

۱۲. «وَمَرْيَمَ ابْنَتِ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا مِنَ الْقَائِتِي»؛ و همچنین به مریم دختر عمران که دامان خود را پاک نگه داشت، و ما را از روح خود در آن دمیدیم او کلمات پروردگار و کتابهایش را تصدیق کرد و از مطیعان فرمان خدا بود.

^۱ ابن حبان، محمد بن حبان بن أحمد، صحیح ابن حبان:، المحقق: محمد علي سونمز، خالص آي دمير، دار ابن حزم - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۳۳ هـ - ۲۰۱۲ م ج ۵ ص ۴۳۵ شعيب الأرنؤوط مي گوید: اسناده ضعيف لضعف دراج في روايته عن أبي الهيثم، وأخرجه أبو نعيم في "الحلية" ۳۲۵/۸، وأخرجه أحمد ۷۵/۳ عن حسن بن موسى، عن ابن لهيعة، عن دراج، به. وأورده الهيثمي في "مجمع الزوائد" ۳۲۰/۶، وقال: رواه أحمد وأبو يعلى والطبرانی في "الأوسط"، وفي إسناد أحمد وأبي يعلى ابن لهيعة، وهو ضعيف. صحیح ابن حبان بترتيب ابن بلبان، ج ۲ ص ۷

^۲ زجاج، إبراهيم بن السري بن سهل، معاني القرآن وإعرابه، المحقق: عبد الجليل عبده شلبي، عالم الكتب - بيروت، الطبعة: الأولى ۱۴۰۸ هـ - ۱۹۸۸ م ج ۱ ص ۳۲۰

^۳ الجوزي، جمال الدين عبد الرحمن بن علي، زاد المسير في علم التفسير، المحقق: عبد الرزاق المهدي، دار الكتاب العربي - بيروت، الأولى - ۱۴۲۲ هـ ج ۱ ص ۱۰۴

هم چنان ابن رفاعه شافعی^۱ یکی از فقهای سده هفتم می گوید: اصل قنوت در لغت، به معنی دعا به خیر و شر است، **لکن صار القنوت بالعرف مستعملاً في دعاء مخصوص**^۲ ولی در عرف قنوت در دعای مخصوص به کار می رود.

ابن تیمیه می نگارد^۳: قنوت، دعا در حال قیام است این، معنی در اصطلاح فقهاء شائع است وقتی که در باره قنوت نماز صحبت می کند، و این عرف خاص است، و باوجود آن فقهاء برخی اوقات ذکری از قنوت می کنند خواه در حالت قیام باشد و یا هم قعود یا در حالت اضطجاع^۴ برخی هم در تعریف آن گفته اند: **(الدعاء حال القيام في آخر صلاة الفردية في الليل، أو: الدعاء حال القيام في آخر صلاة الوتر)**^۵

^۱ ابن الرُّفَعَة (٦٤٥ - ٧١٠ هـ / ١٢٤٧ - ١٣١٠ م) أحمد بن محمد بن علي الأنصاري، أبو العباس، نجم الدين، المعروف بابن الرفعة. فقيه شافعي-مصري. بود، او محتسب قاهر و نائب بود. او را به مناظره با ابن تیمیه گماشتند و پس از آن از ابن تیمیه درباره او پرسیدند و ابن تیمیه گفت: پیرمردی فقهی شافعی را دیدم که از ریشش می چکید. «رأيت شيخا يتقاطر فقه الشافعية من لحيته».

^۲ ابن الرفعه، أحمد بن محمد بن علي الأنصاري، كفاية النبيه في شرح التنبيه، المحقق: مجدي محمد سرور باسلوم، دار الكتب العلمية، الأولى، ٢٠٠٩م ج ٣ ص ٢٣٩.

^۳ احمد بن عبدالحليم بن تيميه حراني معروف به ابن تيميه متولد (١٠ ربيع الاول ٦٦١- متوفى ٢٠ ذيقعدة ٧٢٨) عالم الهيات، حديث و فقه، فيلسوف و منجم (ستاره شناس) بود. او را با القابي چون شيخ السلام، مفسر، رجالي، مفتي و اديب ياد کرده اند، ابن تیمیه یکی از شخصیت‌های برجسته اسلام است که در اندیشه دینی و معنوی عصر خود و اعصار بعد از خود اثر بسیار مهمی داشته و از افراد معدود بحث‌انگیز و مورد مناقشه در سرتاسر قرون بعد از زمان خویش بوده است. ابن تیمیه در شهر حران که در آن زمان از مراکز تعلیمات مذهب حنبلی بود، متولد شد حیات علمی و اجتماعی و سیاسی او سرشار از مقاومت و مبارزات سرسختانه در برابر مخالفان است. (الرسالة الذكية في ثناء العلماء على ابن تيمية، مرعي بن يوسف المقدسي ص ١-٢٠)

^۴ ، ابن تيميه، أحمد بن عبد الحليم بن عبد السلام ، جامع الرسائل، المحقق: د. محمد رشاد سالم، دار العطاء - الرياض، الطبعة: الأولى ١٤٢٢هـ - ٢٠٠١م ج ١ ص ٦

^۵ آل فریان، الوليد بن عبد الرحمن بن محمد، القنوت في الوتر، دار ابن الأثير للنشر والتوزيع، المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، ١٤٣٠ هـ - ٢٠٠٩ م ص ١٩

دعا در حال قیام در آخر نماز نفلی فردی شبانه، یا دعا در حال قیام در آخر نماز وتر. یا هم دعا در نماز در محل مخصوص از قیام است.

از آنجاییکه پیرامون، نحوه اداء قنوت و وقت آن اختلاف است بناء می شود در تعریف آن گفت قنوت اسم دعای نماز در وقت مخصوص در قیام است

قنوت اسم دعای مخصوص در محل، و وقت مخصوص در نماز است.

مبحث دوم

مشروعیت و فلسفه وتر

مطلب اول: مشروعیت نماز وتر

نماز وتر بعد از فرائض پنجگانه پر فضیلت ترین نماز است، و به نزد جمهور علما در درجه دوم بعد از فرائض قرار دارد، از رسول الله صلی الله علیه وسلم احادیث بی شماری در باره مشروعیت آن وارد شده است که به چند حدیث اکتفاء می کنیم.

۱- از عائشه رضی الله عنها روایت شده است، گفت: (مِنْ كُلِّ اللَّيْلِ قَدْ أُوتِرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ، وَمِنْ أَوْسَطِهِ، وَمِنْ آخِرِهِ. وَاتَّهَى وَثَرُهُ إِلَى السَّحْرِ)^۱

رسول الله صلی الله علیه وسلم در همهء لحظات شب وتر را خواندند. در آغاز، نیمه و آخر شب و وتر شان به سحر پایان یافت.

علماء در تحت این حدیث می نگارند: يستفاد من الحديث مشروعية صلاة الليل في أوله، وفي أوسطه، وفي آخره، فكله مشروع، والأفضل في آخره لمن أمن النوم.^۲

از حدیث مشروعیت نماز شب در اول، وسط و آخر شب ثابت می شود، همه آن مشروع است و افضل آن آخرش است برای کسیکه امید بیداری شدن از خواب را داشته باشد،

^۱ نیشاپوری، مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، ج ۱ ص ۵۱۲

^۲ بعدانی، محمد بن علی بن حزام، فتح العلام فی دراسة أحادیث بلوغ المرام، دار العاصمة للنشر والتوزیع، صنعاء - الیمن،

الطبعة: الرابعة، ۱۴۴۰ هـ - ۲۰۱۹ م ج ۲ ص ۶۴۶

۲- از ابن عمر رضی الله عنهما روایت شده که: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: (اجعلوا آخِرَ صَلَاتِكُمْ بِاللَّيْلِ وَثَرًا)^۱ وتر را آخرین نماز شب خود بگردانید.

۳- از حضرت علی رضی الله عنه روایت شده که گفت (الْوِثْرُ لَيْسَ بِحَنْمٍ كَصَلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ، وَلَكِنْ سَنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ وَثِرٌ يُحِبُّ الْوِثْرَ، فَأَوْثِرُوا، يَا أَهْلَ الْقُرْآنِ»^۲ وتر مانند نماز فریضه حتمی نیست و لیکن رسول الله صلی الله علیه وسلم آنرا سنت نموده و فرمود: هر آئینه خداوند وتر (یکتا) است و وتر را دوست می دارد، پس ای اهل قرآن، وتر را بگزارید.

۴- عایشه رضی الله عنها می فرماید: كَانَ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يُصَلِّي وَأَنَا رَاقِدَةٌ، مُعْتَرِضَةٌ عَلَى فِرَاشِهِ، فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يُوْتِرَ أَتَقَطَّنِي فَأَوْثَرْتُ.^۳

عایشه رضی الله عنها می فرماید: رسول الله - صلی الله علیه وسلم - نماز می خواند در حالی که من جلوی آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - و روی رختخوابش خوابیده بودم. سپس هنگامی که میخواست نماز وتر بخواند، مرا نیز بیدار می کرد. من هم نماز وتر می خواندم. بدر الدین عینی رحمه الله تحت این حدیث در کتاب ، عمده القاری شرح صحیح البخاری ، می نویسد: «وَفِيهِ مَشْرُوعِيَّةُ الْوِثْرِ فِي حَقِّ النِّسَاءِ»^۴

در این حدیث دلیل بر مشروعیت وتر در حق زنان است.

^۱ نیشاپوری، مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، ج ۱ ص ۵۱۲

^۲ الإمام أحمد بن حنبل، مسند الإمام أحمد بن حنبل ج ۲ ص ۲۳۳ حکم حدیث: قال: شعيب الأرنؤوط صحیح.

^۳ بخاری، محمد بن إسماعيل، صحیح البخاری، ج ۱ ص ۱۰۹

^۴ العینی، بدر الدین محمود بن أحمد، عمده القاری شرح صحیح البخاری تعلیق: شركة من العلماء بمساعدة إدارة

الطبعة المنيرية، لصاحبها ومديرها محمد منير عبده أغا الدمشقي (دار إحياء التراث العربي، بيروت ج ۷ ص ۱۰)

بنا بر روایت وارده از رسول الله صلی الله علیه وسلم ، وتر در حق مردان و زنان مسلمان مشروع است، و حتی پیامبر صلی الله علیه وسلم طبق آیه (وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ)^۱ خانواده خود را به ادای نماز امر کن ، اهل خود را برای خواندن نماز وتر دستور میداد.

در این باب احادیث زیادی روایت شده است که جهت اختصار به همین احادیث اکتفاء می کنیم. چنان که در این حدیث روایت شده است (كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُسَبِّحُ عَلَي رَاحِلَتِهِ قَبْلَ أَيِّ وَجْهِ تَوَجَّهَ، وَيُوتِرُ عَلَيْهَا، غَيْرَ أَنَّهُ لَا يُصَلِّي عَلَيْهَا الْمَكْتُوبَةَ)^۲

رسول الله صلی الله علیه وسلم سوار بر حیوان سواری خود نماز (نافله) می خواندند. (و هیچ مشکلی نبود که آن اسب یا شتر اگر) به هر سمت و سویی رو می کرد و می چرخید. و نماز وتر را نیز بر آن می خواندند، ولی نماز فرض را بر آن حیوان نمی خواندند...

مطلب دوم: فلسفه حقیقت نماز وتر

عبادت، وسیله تکامل و سعادت بشر است، و دستور خداوند به نماز، نوعی لطف و رحمت و راهنمایی است که ما را به کمال می رساند؛ قرآن کریم به صراحت اعلام می نماید (إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ)^۳

نماز، مانعی در برابر انجام فحشا و منکر است و این یعنی حیات پاک و نورانی و سعادت می خورد. برای آینده انسان رقم می خورد.

طبیعت نماز از آنجا که انسان را به یاد نیرومندترین عامل بازدارنده یعنی اعتقاد به مبدء و معاد می اندازد دارای اثر بازدارندگی از فحشاء و منکر است. انسانی که به نماز می ایستد، تکبیر می گوید، خدا را از همه چیز برتر و بالاتر می شمرد، به یاد نعمتهای او می افتد، حمد و سپاس او می گوید، او

^۱ سوره طه: ۲۳۱

^۲ بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، المحقق: د. مصطفی دیب البغا، الناشر: دار ابن کثیر، دار الیمامة) - دمشق، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۴ هـ - ۱۹۹۳ م ج ۱ ص ۳۷۱

^۳ سوره عنکبوت آیه ۴۵

را به رحمانیت و رحیمیت می‌ستایید، به یاد روز جزای او می‌افتد، اعتراف به بندگی او می‌کند، از او یاری می‌جوید صراط مستقیم از او می‌طلبید، و از راه کسانی که غضب بر آنها شده و گمراهان به خدا پناه می‌برد

سید قطب شهید^۱ رحمه الله می‌نگارد: قطعاً نماز - وقتی که چنان که باید خوانده شود - انسان را از بزهکاریها و زشتیها بازمی‌دارد. زیرا نماز ارتباط با خدا است، و شخص نمازگزار شرم می‌کند و خجالت می‌کشد از این که با وجود اقامه نماز گناهان بزرگ و بزهکاریهای سترگ را انجام دهد، و گناهان بزرگ و بزهکاریهای سترگ را با نماز بیامیزد تا با بار گناهان و بزهکاریها به پیشگاه خدا رود و حاضر ملاقات و رویارویی با او شود. نماز پاکی و پاکیزگی و خلوص و اخلاص است، ناپاکی و پلشتی گناهان بزرگ و بزهکاریهای سترگ با آن هماهنگ و سازگار نمی‌باشد، و بار سنگین آنها با نماز جور در نمی‌آید و به مقصد نمی‌رسد.^۲

^۱ سید قطب در تاریخ (۱۳۲۴ - ۱۲۸۵) ه. ش. ادیب متفکر، مفسر اسلامی مصری، در روستای موشه (موشا) از توابع استان اسیوط مصر - که به روستای عبد الفتاح نیز معروف است - دیده به جهان گشود. او در سن شش سالگی وارد مدرسه شد، در سال دوم ابتدایی شروع به حفظ قرآن کرد و در سال چهارم ابتدایی در سن ده سالگی حافظ کل قرآن کریم شد. وی خدمات بی‌شمار و آثار گرانبها دارد از جمله: مهمه الشاعر فی الحیاه و شعر الجیل الحاضر، الشاطی المجهول، التصوير الفنی فی القرآن، العداله الاجتماعیه فی الاسلام، تفسیر " فی ظلال القرآن، الدراسات الاسلامیه، الجهاد فی سبیل الله و... (فائز، ابراهیم محمد، سید قطب و بیداری اسلامی، تهران: نشر احسان، ۱۳۸۴ ص ۵)

^۲ سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۵، ص: ۲۷۳۸

سعدی^۱ رحمه الله تحت تفسیر همین آیه ۴۵ سوره عنکبوت می نگارد: و واژه «صلاة» که در اینجا به آن اشاره شده است شامل نمازهای فرض و نافله می باشد.^۲

محمد بن ابراهیم بن عبد الله التویجری^۳ در کتاب خود موسوعه الفقه الإسلامی یک عنوان کامل به حکمت و فلسفه مشروعیت وتر اختصاص داده تحت آن می نویسد: الله عز وجل وتر یحب الوتر، فکما أن صلاة المغرب وتر ختم بها صلوات النهار، فکذلك صلاة الوتر جعلها الله خاتمة لصلوات الليل وسنة الفجر والوتر کلاهما مؤکد، فسنة الفجر تجری مجری بداية العمل، والوتر خاتمة، ولذلك كان النبي صلى الله عليه وسلم یصلي سنة الفجر والوتر بسورتي الإخلاص، وهما الجامعتان لتوحيد العلم والعمل، وتوحيد المعرفة والإرادة.^۴ خداوند وتر (یکتا) است و وتر را دوست می دارد، چنانچه نماز شام وتر است و ختم نماز روزانه به آن شده است، هم چنان نماز وتر را خداوند متعال خاتمه ای برای نماز شب قرار داده است، سنت صبح و وتر به هردوی آن تأکید شده است، سنت صبح محل شروع عمل است و وتر در

^۱ سعدی (۱۳۰۷-۱۳۷۶ ه ق) عبدالرحمن بن ناصر بن عبد الله عالم، مفسر و محدث سعودی است در قریه القصیم کشور عربستان سعودی متولد شده وی در حالیکه ۱۸ ساله بود پدرش فوت کرد در تعلیم و تعلم کوشید تا اینکه شهرت حاصل نمود و به مقام بزرگ علمی نائل شد وی کتب بسیار در جامعه از خود بجا گذاشته است که اکثراً مربوط قران و علوم قران است از آن جمله: تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان و این را اختصار نمود و به اسم تیسیر اللطیف الرحمن فی خلاصة تفسیر القران تدوین کرد (www.mawsoah.net)

^۲ ، سعدی، عبد الرحمن بن ناصر تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، المحقق: عبد الرحمن بن معلا اللویحی، مؤسسة الرسالة، الطبعة: الأولى ۱۴۲۰هـ - ۲۰۰۰ م ص ۴۰

^۳ محمد بن ابراهیم بن عبد الله التویجری در سال ۱۳۷۱ هجری قمری در شهر بریده به دنیا آمد، وی در شهر بریده تحصیل کرد و سپس در سال ۱۳۹۵ هجری قمری از دانشکده شریعت دانشگاه اسلامی امام محمد بن سعود ریاض فارغ التحصیل شد. وی معارف اسلامی را از علمای سلف زمان خود مانند ابن باز، ابن عثیمین و البلیحی رحمه الله دریافت کرد و همچنین به مطالعه کتب بسیاری از علمای سلف مانند ابن تیمیه، ز آثار علمی مشهور آن، موسوعه الفقه الإسلامی، موسوعه فقه القلوب ، ، أصول الدین الإسلامی ، کتاب التوحید (علماء آل سلیم وتلامذتهم و علماء القصیم: ج ۱ ص ۲۱) ^۴ التویجری، محمد بن ابراهیم بن عبد الله ، موسوعه الفقه الإسلامی، بیت الأفكار الدولي، الطبعة: الأولى، ۱۴۳۰ هـ -

خاتمه آن، به همین دلیل رسول الله صلی الله علیه وسلم، سنت صبح و وتر را به سوره اخلاص ختم می نمود، و آنها جمع کننده توحید علمی و عملی ند، و توحید معرفت و اراده.

از طرف دیگر، "عبادت شبانه" و نیایش سحرگاهان، و راز و نیاز با محبوب، در ساعاتی که اسباب فراغت خاطر از هر زمان فراهم تر است، و همچنین تاثیر آن در تهذیب نفس، و پرورش روح و جان انسانی، و نشان می دهد که روح آدمی در آن ساعات آمادگی خاصی برای نیایش و مناجات و ذکر و فکر دارد. از منظر قرآن و احادیث اسلامی، عبادت شبانگاهی، تأثیر فوق العاده ای در تهذیب نفس و سازندگی معنوی انسان دارد. قرآن کریم در این باره می فرماید: **إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلاً (٦) إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا (٧)**^۱

هر آینه شب هنگام از بستر برخاستن، موافقت زبان و دل را افزایش داده تر است و بیان سخن را استواردارنده تر. که کارهای تو در روز بسیار است.

نماز شب با جان و زبان و دل سازگارتر است، عبادت در شب بهتر از روز عبادت است، زیرا در شب چشم ها ساکن و صداها ساکت است و بنده در نماز می ایستد. سکون شب و در پیشگاه پروردگارش است و مدت زیادی می ایستد و با پروردگارش گفتگو می کند و او را تسبیح می گوید و در برابر پروردگارش سجده می کند و زانو می زند.

واژه «ناشئه» در فراز نخست این آیه به معنای حادثه است. بنا بر این، «ناشئه اللیل» به معنای حادثه شب، خواهد بود. بر پایه روایاتی که در تفسیر این آیه نقل شده، منظور از حادثه شب، بیدار شدن شبانگاهی، با انگیزه الهی، برای عبادت و نماز شب است.^۲

^۱ المزمّل / ٦ و ٧

^۲ أبو جعفر، محمد بن جریر الطبری جامع البیان عن تأویل آی القرآن، ج ٢٣ ص ٦٨٢

واژه «وطأ» در فراز دوم آیه یاد شده، دو معنا دارد: یکی موافقت و سازش، و دیگری، مشقت و دشواری.^۱ بنا بر این، مقصود از جمله «هی أشد وطأ» این است که بیدار شدن از خواب هنگام شب برای عبادت، موجب هماهنگی بیشتر قلب و زبان می شود، از این رو، نقش مؤثرتری در سازندگی معنوی انسان ایفا می نماید، و بر این اساس، عبارت «أقوم قیلاً» اشاره به شدت استحکام و استواری و درستی عبادت شبانگاهی به جهت برخورداری آن از حضور قلب است.^۲

هم چنان پیامبر صلی الله علیه وسلم تاکید بر نماز های شبانه در هنگام که هیچ سروصدای نیست، نموده می فرمایند: **وَصَلُّوا وَالنَّاسُ نِيَامٌ**^۳ و در شب ها که مردم خواب اند، نماز گزارید.

«أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الرَّبُّ مِنَ الْعَبْدِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ الْآخِرِ، فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ مِمَّنْ يَذْكُرُ اللَّهَ فِي تِلْكَ السَّاعَةِ، فَكُنْ»^۴.

«نزدیک ترین حالتی که خداوند به بنده اش دارد، در دل شب است. اگر می توانی، از کسانی باش که در این ساعت خدا را یاد می کنند»

^۱ البغوي، محيي السنة، أبو محمد الحسين بن مسعود، معالم التنزيل في تفسير القرآن، المحقق: حقه وخرج أحاديثه محمد عبد الله النمر - عثمان جمعة ضميرية - سليمان مسلم الحرش، دار طيبة للنشر والتوزيع، الرابعة، ١٤١٧ هـ - ١٩٩٧ م ج ٨ ص ٢٥٣

^۲ نیشاپوری، علي بن أحمد بن محمد بن علي الواحدي، الوسيط في تفسير القرآن المجيد، تحقيق وتعليق: الشيخ عادل أحمد عبد الموجود، الشيخ علي محمد معوض، الدكتور أحمد محمد صيرة، الدكتور أحمد عبد الغني الجمل، الدكتور عبد الرحمن عويس، قدمه وقرظه: الأستاذ الدكتور عبد الحي الفرماوي، دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، الأولى، ١٤١٥ هـ - ١٩٩٤ م ج ٤ ص ٣٧٤

^۳ الإمام أحمد بن حنبل مسند الإمام أحمد بن حنبل ج ٣٩ ص ٢٠١

^۴ ترمذی، محمد بن عيسى بن سورة، سنن الترمذی، تحقيق وتعليق:، أحمد محمد شاکر، ومحمد فؤاد عبد الباقي، وإبراهيم عطوة عوض المدرس في الأزهر الشريف، الناشر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر، الطبعة الثانية، ١٣٩٥ هـ - ١٩٧٥ م ج ٥ ص ٥٦٩

فصل دوم

فضایل و روش ادای نماز وتر

این فصل شامل مباحث و مطالب ذیل است:

➤ مبحث اول: فضایل نماز وتر

➤ مبحث دوم: نماز وتر در صدر اسلام

➤ مبحث سوم: وقت نماز وتر و روش ادای آن

مبحث اول فضایل نماز وتر

مطلب اول: ترغیب و تشویق بر ادای نماز وتر

با وجود اینکه رسول الله صلی الله علیه وسلم هیچ گاه از نماز وتر غافل نمی شدند، حال چه در سفر بودند و چه در حضر، حتی در هنگامی که بر شتر یا اسب سوار بودند، هم نماز وتر خود را می خواندند.

رسول الله صلی الله علیه وسلم علاوه بر اینکه خود بر این نماز پایبند بودند، به اهل و خانواده خویش هم امر می نمودند که نماز وتر را از دست ندهند. چنان که عایشه رضی الله عنها روایت می

کند: **كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي مِنَ اللَّيْلِ، فَإِذَا أُوْتِرَ، قَالَ: «قَوْمِي فَأُوْتِرِي يَا عَائِشَةُ»^۱**

رسول الله صلی الله علیه وسلم نماز شب را می خواندند، پس هنگامی که نماز وتر می خواندند، می فرمودند: ای عایشه برخیز و نماز وتر بخوان.

چه فضیلتی بیش تر از این که الله متعال وتر را دوست دارد و رسول الله صلی الله علیه وسلم بر همین مبنا به خواندن این نماز امر می کند. از علی رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی

الله علیه وسلم فرمودند: **«يا أهل القرآن! أوتروا؛ فإن الله وتر يحب الوتر»^۲**

ای اهل قرآن وتر کنید. چرا که الله وتر (فرد) است و وتر را دوست دارد.

هم چنان روایت شده است، که پیامبر صلی الله علیه وسلم دستور به محافظت از این نماز داده است، **عَنْ عَمْرِو بْنِ شُعَيْبٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: "إِنَّ اللَّهَ زَادَكُمْ صَلَاةً فَحَافِظُوا عَلَيْهَا، وَهِيَ الْوُتْرُ"^۳**

^۱ ، نیشاپوری، مسلم بن الحجاج صحیح مسلم، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي، مطبعة عيسى البابي الحلبي وشركاه، القاهرة ج ۱ ص ۵۱۱

^۲ الإمام أحمد بن حنبل، مسند الإمام أحمد بن حنبل ج ۲ ص ۲۳۳ حکم حدیث: قال: شیخ الشعیب شعیب الأرئووط صحیح

^۳ الانصاری، أبو یوسف یعقوب بن إبراهیم، الآثار، ص ۶۸، مسند الإمام أحمد بن حنبل، و قال شعیب الأرئووط: حدیث حسن لغيره، المروزي، محمد بن نصر بن الحجاج، مختصر [قيام الليل وقيام رمضان وكتاب الوتر]، اختصرها:

از عمرو بن شعیب از پدرش از پدر کلانش روایت شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: خداوند متعال نمازی بر شما افزوده است، بر آن محافظت کنید، و آن وتر است.

حتی پیامبر صلی الله علیه وسلم خانواده خود را نیز برای ادای وتر از خواب بیدار می کرد، عایشه رضی الله عنها است می فرماید^۱ رسول الله صلی الله علیه وسلم نماز می خواند در حالی که من جلوی آنحضرت صلی الله علیه وسلم و روی رخت خوابش خوابیده بودم. سپس هنگامی که میخواست نماز وتر بخواند، مرا نیز بیدار می کرد. من هم نماز وتر می خواندم.

هم چنان از عبد الله بن بریده، از پدرش روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «الْوِتْرُ حَقٌّ، وَمَنْ لَمْ يُوتِرْ فَلَيْسَ مِنِّي» وَفِي لَفْظٍ: «فَلَيْسَ مِنِّي»^۲

وتر حق است، کسی که وتر نخواند از من نیست و در لفظ دیگر از ما نیست.

۱- وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «أُوتِرُوا قَبْلَ أَنْ تُصْبِحُوا»^۳

از ابو سعید خدری رضی الله عنه روایت است که: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: پیش از آنکه صبح شود، وتر را بگزارید.

العلامة أحمد بن علي المقرئ، الناشر: حديث أكاديمي، فيصل اباد - باكستان، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۸ هـ - ۱۹۸۸ م
ص ۲۶۸

^۱ بخاری، محمد بن إسماعيل، صحيح البخاري، ج ۱ ص ۱۰۹

^۲ ابن نصر مروزی، مختصر قیام اللیل و قیام رمضان و کتاب الوتر، ۲۶۸ أبو جعفر أحمد بن محمد بن سلامة بن عبد الملك بن سلمة الأزدي الحجري المصري المعروف بالطحاوي (ت ۳۲۱هـ)، تحقیق: شعيب الأرنؤوط، مؤسسة الرسالة الطبعة: الأولى - ۱۴۱۵ هـ، ۱۴۹۴ م، ج ۳ ص ۳۷۳، الدولابی، محمد بن أحمد بن حماد بن سعید بن مسلم، الکنی والأسماء، المحقق: أبو قتیبة نظر محمد الفاریابی، الناشر: دار ابن حزم - بیروت / لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۱ هـ - ۲۰۰۰ م ج ۳ ص ۱۰۶۴، فتحی آل عید، آن را در شرح خود، ضعیف، و منکر خواند، است، فتح عید، یاسر بن محمد؛ فضل الرحیم الودود تخريج سنن أبي داود. دار ابن الجوزي، الدمام - السعودية، الطبعة: الأولى ج ۱۱ - ۱۴: ۱۴۳۷ هـ ج ۱۷ ص ۱۹۲)

^۳ نیشاپوری، مسلم بن حجاج، صحيح مسلم ج ۲ ص ۱۷۴

۲- وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «بَادِرُوا الصُّبْحَ بِالْوُتْرِ»^۱ از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: وتر را پیش از صبح ادا کنید.

مطلب دوم: فضایل و ثواب ادای نماز وتر

نماز وتر بعد از فرائض پنجگانه پر فضیلت ترین نماز است، و به نزد جمهور علما در درجه دوم بعد از فرائض قرار دارد، از رسول الله صلی الله علیه وسلم احادیث بی شماری در باره فضایل، و ثواب ادای نماز وتر وارده شده که از آنجمله عبارت اند از:

۳- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: أَوْصَانِي خَلِيلِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، بِثَلَاثٍ: صِيَامِ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ، وَرَكَعَتَيِ الصُّحَى، وَأَنْ أُوتِرَ قَبْلَ أَنْ أَنَامَ^۲ از ابو هریره رضی الله عنه روایت شده که گفت: خلیل مرا به سه چیز وصیت نمود، روزه سه روز از هر ماه و دو رکعت صبحی و اینکه پیش از خواب وتر بخوانم.

۴- وَعَنْ جَابِرِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ خَافَ أَنْ لَا يَقُومَ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ، فَلْيُوتِرْ أَوَّلَهُ، وَمَنْ طَمَعُ أَنْ يَقُومَ آخِرَهُ، فَلْيُوتِرْ آخِرَ اللَّيْلِ، فَإِنَّ صَلَاةَ آخِرِ اللَّيْلِ مَشْهُودَةٌ، وَذَلِكَ أَفْضَلُ»^۳ از جابر رضی الله عنه روایت شده که: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: آنکه بترسد از آنکه در آخر شب بر نمی خیزد باید در اول شب وتر را بگزارد و آنکه توقع نماید که در آخر شب بر می خیزد، باید در آخر شب وتر را بگزارد، زیرا نماز آخر شب توأم با حضور ملائکه است و آن بهتر است.

^۱ نیشاپوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم ج ۲ ص ۱۷۴

^۲ بخاری، محمد بن اسماعیل صحیح البخاری، م ج ۲ ص ۶۶۹

^۳ نیشاپوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم ج ۲ ص ۱۷۴

۵- وَعَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ، قَالَ: أَوْصَانِي حَبِيبِي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِثَلَاثٍ لَنْ أَدْعُهُنَّ مَا عِشْتُ: بِصِيَامِ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ، وَصَلَاةِ الضُّحَى، وَبِأَنْ لَا أَنَامَ حَتَّى أُوتِرَ^۱ از ابو الدرداء رضی الله عنه روایت شده که گفت: حبیبم مرا به سه چیز وصیت کرد که تا زنده باشم، آن را ترک نمی کنم: به روزه سه روز از هر ماه و نماز ضحی (چاشت) و به اینکه خواب نشوم تا اینکه وتر را بخوانم.

۶- (وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «صَلَاةُ اللَّيْلِ مَثْنَى مَثْنَى، فَإِذَا خِفَتِ الصُّبْحُ فَأَوْتِرْ بِوَاحِدَةٍ»^۲ از ابن عمر رضی الله عنه^۷ روایت است که: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: نماز شب دو دو رکعت است و چون از برآمدن صبح ترسیدی با یک رکعت وتر کن.

۷- (عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ -صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ زَادَكُمْ صَلَاةً إِلَيَّ صَلَاتِكُمْ، هِيَ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ حُمْرِ النَّعَمِ، أَلَا وَهِيَ الرُّكْعَتَانِ قَبْلَ صَلَاةِ الْفَجْرِ)^۳ ابو سعید خدری از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت میکند، که فرمود: بیشک خداوند جل جلاله نمازی بر شما نمازی افزوده است و آن بهتر است برای شما از شتر سرخ (گران قیمت) و آن دو رکعت قبل از نماز فجر است. فالمراد بها الوتر لقوله عليه الصلاة والسلام: «اجعلوا آخر صلواتكم بالليل وترًا» لا كما توهمه بعض أئمتنا من حملها على سنة الفجر،^۴

^۱ بخاری، محمد بن إسماعيل صحيح البخاري، م ج ۱ ص ۳۹۵

^۲ بخاری، محمد بن إسماعيل صحيح البخاري، م ج ۱ ص ۱۳۷ و ۱۷۹

^۳ الإمام أحمد بن حنبل مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۳۹ ص ۴۴۴ حکم حدیث: صحیح لغیره

^۴ هروی قاری، نور الدین أبو الحسن علي بن سلطان محمد، فتح باب العناية بشرح، المحقق: محمد نزار تمیم، هیثم نزار

تمیم، تقدیم: خلیل المیس مدیر «أزهر لبنان»، الناشر: دار الأرقم بن أبي الأرقم - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۸ هـ -

۱۹۹۷ م ج ۱ ص ۳۲۱

۸- (عَنْ خَارِجَةَ بْنِ حُدَافَةَ - قَالَ أَبُو الْوَلِيدِ الْعَدَوِيُّ قَالَ خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَقَالَ «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ أَمَدَّكُمْ بِصَلَاةٍ وَهِيَ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ حُمْرِ النَّعَمِ وَهِيَ الْوِثْرُ فَجَعَلَهَا لَكُمْ فِيمَا بَيْنَ الْعِشَاءِ إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ») از خارجه بن حذافه روایت است که ابو ولید عدوی گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم بر ما بیرون شد پس فرمود خداوند شمار را امداد کرده به نمازی و آن برای شما از شتران گران قیمت بهتر است و آن نماز وتر، قرار داده است آنرا در بین نماز خفتن و طلوع فجر.

۹- از عایشه رضی الله عنه روایت است (كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي وَأَنَا رَاقِدَةٌ، مُعْتَرِضَةً عَلَى فِرَاشِهِ، فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يُوتِرَ أَتَقَطَّنِي فَأُوتِرْتُ).^۱ پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز می خواند در حالیکه من روی بسترش خوابیده بودم، وقتی می خواست نماز وتر بخواند مرا بیدار می کرد و من هم نماز وتر را می خواندم

احادیث مذکور شمه از روایت رسول الله در بیان فضایل نماز وتر و اهمیت آن بود.

۱۰- هم چنان رسول الله صلی الله علیه وسلم ادای وتر را بهتر از شتران گران قیمت می دانست، و آنرا نعمت الهی برای امت خود می خواند، عَنْ خَارِجَةَ بْنِ حُدَافَةَ - قَالَ أَبُو الْوَلِيدِ الْعَدَوِيُّ - قَالَ خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَقَالَ « إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ أَمَدَّكُمْ بِصَلَاةٍ وَهِيَ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ حُمْرِ النَّعَمِ وَهِيَ الْوِثْرُ فَجَعَلَهَا لَكُمْ فِيمَا بَيْنَ الْعِشَاءِ إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ) از خارجه بن حذافه روایت است که ابو ولید عدوی گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم بر ما بیرون شد پس فرمود خداوند شمار را امداد کرده به نمازی و آن برای شما از شتران گران قیمت بهتر است و آن نماز وتر است، آنرا برای شما در بین نماز خفتن و طلوع فجر. قرار داده است

^۱ بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۱ ص ۱۰۹

مبحث دوم

نماز وتر در صدر اسلام

مطلب اول: نماز وتر در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم

همان طوریکه از احادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم هویدا، است پیامبر صلی الله علیه وسلم بر نماز وتر مواظبت بیشتر داشت، قسمیکه حضرت عایشه رضی الله عنها روایت می کند، «كُلُّ اللَّيْلِ أُوتِرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَاتَّهَى وَثَرُهُ إِلَى السَّحَرِ»^۱ پیامبر صلی الله علیه وسلم در تمام شب وتر را خوانده است، در اول، وسط، و در آخر شب و و تراو به سحر منتهی می شد.

امام قرطبی^۲ تحت آیه (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ...) بیان می دارد: نماز وتر بر رسول الله صلی الله علیه وسلم قبل از نماز های پنجگانه فرض بود، برای پیامبر صلی الله علیه وسلم بر خی چیزی ها حرام و برخی فرض گردید از جمله آنچه بر پیامبر صلی الله علیه وسلم فرض گردید، یکی آن وتر است، وَهُوَ يَدْخُلُ فِي قِسْمِ التَّهَجُّدِ،^۴ و آن داخل اقسام نماز تهجد است.

^۱ بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری ج ۲ ص ۲۵

^۲ ابو عبدالله، محمد بن احمد بن ابوبکر بن فَرَح انصاری خزرجی اندلسی قرطبی، یکی از امامان بزرگ تفسیر است که در قرن هفتم می زیست. تاریخ تولد او ذکر نشده، اما برخی گفته اند او در آغاز قرن هفتم هجری (میان سال های ۶۰۰ تا ۶۱۰ هجری) در قرطبه دیده به جهان گشود و مدتی در آن سرزمین زندگی کرد اما وفات او را سال ۶۷۱ ق می گویند. تالیفات امام قرطبی بسیار اند از جمله: «الجامع لأحكام القرآن» «التذكرة في احوال الموتى و امور الآخرة» «التذكار في افضل الاذكار» که به چاپ رسیده است. «الاسنی فی شرح اسماء الله الحُسنى و صفاته العلیا». «الاعلام بما فی دین النصراری من المفاسد والاهام واطهار محاسن دین الاسلام». قَمَع الحرص بالزهد والقناعة ورد ذل السؤال بالكسب والصناعة (مشهور حسن محمود سلمان، الامام القرطبی شیخ ائمه التفسیر، ج ۱، ص ۱۸۷ - ۲۳۷، دمشق ۱۴۱۳ / ۱۹۹۳).

^۳ سوره احزاب آیه ۵۰

^۴ القرطبی، محمد بن احمد بن ابوبکر، الجامع لأحكام القرآن ج ۱۴ ص ۲۱۱

امام شافعی رحمه الله علیه نماز وتر را بر رسول الله فرض میدانند، حلیمی^۱ و عز بن عبد السلام^۲ و غزالی از شوافعی و هم چنان مالکی ها ؛ نماز وتر را در حضر بر رسول الله صلی الله علیه وسلم فرض میدانند نه در سفر به باور این دانشمندان اسلام، نماز وتر در حضر بر رسول الله فرض بود نه در سفر زیرا بخاری و مسلم از ابن عمر روایت کرده اند. که رسول الله صلی الله علیه وسلم نماز وتر را بر حالت سواری ادا نمود در حالیکه ادای نماز های فرض بر سواری درست نیست.^۳

امام نووی فرموده اند: مذهب این است که نماز وتر بر رسول الله فرض بود اما ادای نماز او بر راحله مخصوص به ایشان است.^۴

مطلب دوم: نماز وتر صحابه و تابعین رضوان الله علیهم اجمعین

بعد از پیامبر صلی الله علیه وسلم صحابه، که شاگردان مکتب نبوت اند، بر ادای نماز وتر، ترغیب و تشویق می نمودند و خود نیز بر آن مواظبت می کردند، عَنْ عِكْرِمَةَ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: «أُوتِرَ مَا لَمْ تَطْلُعِ الشَّمْسُ»^۵، عکرمه از ابن عباس رضی الله عنه روایت می کند، که فرمود: تا آفتاب

^۱ - الحَلِيمِي (۳۳۸ - ۴۰۳ هـ = ۹۵۰ - ۱۰۱۲ م) الحسین بن الحسن بن محمد بن حلیم البخاری الجرجانی، أبو عبد الله: فقیه شافعی، و قاضی عصرش رئیس اهل حدیث در وراء النهر بود، از جمله کتب مشهور وی: (المنهاج فی أصول الدیانة) است، و در سال: ۴۰۳ هـ در بخاری وفات کرد. وفيات الأعیان ۲ / ۱۳۷، طبقات السبکی ۴ / ۳۳۳، البداية والنهاية ۱۱ / ۳۷۳

^۲ العز بن عبد السلام (۵۷۷ - ۶۶۰ هـ = ۱۱۸۱ - ۱۲۶۲ م) عبد العزيز بن عبد السلام بن أبي القاسم بن الحسن السلمی الدمشقی، عز الدین الملقب بسلطان العلماء، فقیه شافعی که به رتبه اجتهاد رسیده بود، در دمشق متولد شد، از کتب وی: التفسیر الکبیر، الإلمام فی أدلة الاحکام، قواعد الشریعة، الفوائد، قواعد الأحکام فی إصلاح الأنام، ترغیب أهل الإسلام فی سکن الشام، بداية السؤل فی تفضیل الرسول، و غیره الفرق بین الإیمان والإسلام (فوات الوفيات ۱: ۲۸۷ و طبقات السبکی ۵: ۸۰ - ۱۰۷)

^۳ الموسوعة الفقهية الكويتية ج ۲ ص ۲۵۶

^۴ النووی، محیی الدین بن شرف، المجموع شرح المهدب، باشر تصحیحه: لجنة من العلماء (إدارة الطباعة المنيرية، مطبعة التضامن الأخوي) - القاهرة ۱۳۴۴ - ۱۳۴۷ هـ ج ۴ ص ۲۰

^۵ الصنعاني، عبد الرزاق بن همام، المصنف، تحقیق مرکز البحوث وتقنية المعلومات، دار التأصيل الطبعة الثانية، ۱۴۳۷ هـ ج ۳ ص ۹ سنده ضعيف للانقطاع بين أشعث وعبد الله بن مسعود، سعد بن عبد الله بن عبد العزيز آل حميد در تحقیق بر: سنن سعید بن منصور ج ۵ ص ۱۱۹ می گوید: سنن سعید بن منصور

ب طلوع نکرده است، وتر را ادا نما.

ولی پیرامون چگونگی انجام آن اختلاف داشتند، سیزده رکعت، یازده رکعت، نه رکعت، هفت رکعت، پنج رکعت، سه رکعت و یک رکعت از پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت شده است. و هر یک برای نحوه انجام وتر به سخنان از پیامبر صلی الله علیه وسلم استدلال می کردند با مراجعه به مصنف عبدالرزاق و ابن شیبہ می توان اسامی صحابه و تابعین را که نماز وتر را یک رکعت یا بیشتر می پذیرفتند دریافت نمود.^۱

به عنوان نمونه از جمله صحابه رضی الله عنه کسانی که یک رکعت نماز وتر می خواندند، عثمان بن عفان، وسعد بن مالک، وزید بن ثابت، وابن عباس، و معاویة بن أبی سفیان، و أبو موسی الأشعری، وابن الزبیر، و عائشة معاذ القاری سعد بن أبی وقاص، رضی الله عنهم اجمعین، محمد بن بلبان می گوید: (وقد ثبت الإیتار برکعة عن عشرة من الصحابة، منهم الخلفاء الثلاثة وعائشة رضي الله عنهم)^۲ ادای یک رکعت وتر از ۱۰ نفر از اصحاب از جمله خلفه ثلاثه و عائشه رضی الله عنهم ثابت است از تابعین سعید بن المسیب، و عطاء بن أبی رباح، و تبع تابعین، و مالک بن أنس، و الأوزاعی، و الشافعی، و أحمد، و إسحاق، و أبو ثور.^۳

شوکانی به نقل از حافظ عراقی می نگارد: قال العراقي: وممن كان يوتر برکعة من الصحابة الخلفاء الأربعة وسعد بن أبي وقاص ومعاذ بن جبل وأبي بن كعب وأبو موسى الأشعري وأبو الدرداء وحذيفة وابن

^۱ - ابن أبي شيبة، أبو بكر عبد الله بن محمد، المصنف المحقق: سعد بن ناصر بن عبد العزيز أبو حبيب الشثري، تقديم: ناصر بن عبد العزيز أبو حبيب الشثري، دار كنوز إشبيليا للنشر والتوزيع، الرياض - السعودية الطبعة: الأولى، ۱۴۳۶ هـ - ج ۲ ص ۸۹-۱۰۲

^۲ ابن بلبان، محمد بن بلبان الحنبلي، الحواشي السابغات على أخصر المختصرات، تعليق: أحمد بن ناصر القعيمي الأحسائي الحنبلي؛ الناشر: أسفار - الكويت؛ الطبعة: الثالثة، ۱۴۴۰ هـ - ۲۰۱۹ م ص ۱۱۵

^۳ ابن منذر، أبو بكر محمد بن إبراهيم، الإشراف على مذاهب العلماء، المحقق: صغير أحمد الأنصاري أبو حماد، الناشر: مكتبة مكة الثقافية، رأس الخيمة - الإمارات العربية المتحدة، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۵ هـ - ۲۰۰۴ م، ج ۲ ص ۲۷۱

مسعود وابن عمر وابن عباس و معاوية و تميم الداري و أبو أيوب الأنصاري و أبو هريرة و فضالة بن عبيد و عبد الله بن الزبير و معاذ بن الحارث القاري و هو مختلف في صحبته^۱

از جمله اصحاب که یک رکعت وتر ادا نموده اند از صحابه: خلفای اربعه، و سعد بن ابی وقاص و معاذ بن جبل و ابی بن کعب و أبو موسی الأشعری و أبو الدرداء و حذیفه و ابن مسعود و ابن عمر و ابن عباس و معاوية و تميم الداري و أبو أيوب الأنصاري و أبو هريرة و فضالة بن عبيد و عبد الله بن الزبير و معاذ بن الحارث القاري که در صحبت آن اختلاف است. هم چنان از تابعین، ممن اوتر برکعت سالم بن عبد الله بن عمر و عبد الله بن عياش بن أبی ربيعة و الحسن البصري و محمد بن سيرين و عطاء بن أبی رباح و عقبه بن عبد الغافر و سعيد بن جبیر و نافع بن جبیر بن مطعم و جابر بن زيد و الزهري و ربيعة بن أبی عبد الرحمن و دیگران و از ائمه مالک و الشافعی و الأوزاعي و أحمد و إسحاق و أبو ثور و داود ظاهري^۲

تعداد از اصحاب که سه رکعت قائل اند: از جمله: عمر بن الخطاب، و علی بن أبی طالب، و ابی بن کعب، و أنس بن مالک، و ابن مسعود و ابن عباس و أبو أيوب الأنصاري، سعد بن أبی وقاص و ابی موسی الأشعري و زيد بن ثابت، و أبو أمامة، رضی الله عنهم و به جز اصحاب دانشمندان چون: عمر بن عبد العزيز، و اصحاب الرأي^۳ سفیان الثوري و إسحاق و دیگر اصحاب از یک رکعت تا سیزده رکعت را جواز داده اند و قائل اند.^۴

باید گفت: این اصحاب که اسامی شان تذکر داده شده است، هم یک رکعت و هم سه رکعت از برخی آن روایات شده است.

^۱ شوکانی، محمد بن علي بن محمد، نیل الأوطار، تحقیق: عصام الدين الصبايطي، الناشر: دار الحديث، مصر، الطبعة

الأولى، ۱۴۱۳هـ - ۱۹۹۳م، ج ۳ ص ۴۱

^۲ شوکانی، محمد بن علي بن محمد، نیل الأوطار، ج ۳ ص ۴۱

^۳ ابن منذر، أبو بكر محمد بن إبراهيم، الإشراف على مذاهب العلماء ج ۲ ص ۲۷۲

^۴ ابن منذر، أبو بكر محمد بن إبراهيم، الإشراف على مذاهب العلماء ج ۲ ص ۲۷۲

مبحث سوم

تعداد رکعات، وقت، و روش ادای آن

مطلب اول: تعداد رکعت نماز وتر

پیرامون تعداد رکعات نماز وتر، فقهای اسلام نظریات متعدد ارائه نموده اند، که بالغ به هفت نظریه می شود.

۱- نماز وتر یک رکعت

۲- نماز وتر سه رکعت

۳- پنج رکعت

۴- هفت رکعت

۵- نه رکعت

۶- یازده رکعت

۷- سیزده رکعت

هم چنان اختلاف در جواز ادای یک رکعت، و اضافه، فصل و وصل، بحث گسترده نموده که در تفصیل آن در این مطلب می پردازیم.

۱- ادای نماز وتر یک رکعت

به نظر جمهور علماء وتر به یک رکعت و افزون از آن جواز دارد، در این مورد آثار و روایات منقول از پیامبر صلی الله علیه وسلم و اصحاب وی به تواتر رسیده است همان طوریکه در مطلب قبلی صفحات ۴۵ و ۴۶ تعداد از اسامی اصحاب، تابعین و ائمه مجتهدین را نقل نمودیم.

کمترین حد نماز وتر یک رکعت است. از ابن عمر روایت است که پیامبر، صلی الله علیه وسلم - فرمود: (صَلَاةُ اللَّيْلِ مَثْنِي مَثْنِي، فَإِذَا خَشِيَ أَحَدُكُمْ الصُّبْحَ صَلَّى رُكْعَةً وَاحِدَةً، تُؤْتِرُ لَهُ مَا قَدْ صَلَّى) ^۱ «نماز شب دو رکعت دو رکعت است، پس هر گاه یکی از شما بیم آن را داشت که وقت نماز صبح فرا برسد یک رکعت نماز بخواند و با آن یک رکعت نماز های قبلی اش را که خوانده است وتر می سازد.. هم چنان که یک رکعت جایز است نماز وتر، سه یا پنج یا هفت یا نه رکعت خوانده شود:

^۱ بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری ج ۱ ص ۳۳۷

از عایشه رضی الله عنها روایت شده: (مَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَزِيدُ فِي رَمَضَانَ وَلَا فِي غَيْرِهِ عَلَى إِحْدَى عَشْرَةَ رَكْعَةً، يُصَلِّي أَرْبَعًا، فَلَا تَسَلُ عَنْ حُسْنِهِنَّ وَطُولِهِنَّ، ثُمَّ يُصَلِّي أَرْبَعًا، فَلَا تَسَلُ عَنْ حُسْنِهِنَّ وَطُولِهِنَّ، ثُمَّ يُصَلِّي ثَلَاثًا)^۱

پیامبر - صلی الله علیه وسلم - چه در رمضان و چه در غیر رمضان از یازده رکعت بیشتر نمی خواند چهار رکعت می خواند که از خوبی و طولانی بودن آن سؤال نکن، سپس چهار رکعت می خواند که از خوبی و طولانی بودن آن سؤال نکن. سپس سه رکعت می خواند.

از عایشه رضی الله عنها روایت شده (كَانَتْ صَلَاةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِاللَّيْلِ ثَلَاثَ عَشْرَةَ رَكْعَةً، يُؤْتِرُ مِنْ ذَلِكَ بِخَمْسٍ، لَا يَجْلِسُ فِي شَيْءٍ إِلَّا فِي آخِرِهَا)^۲ پیامبر - صلی الله علیه وسلم -، در شب سیزده رکعت نماز می خواند، پنج رکعت آخر را با یک سلام وتر می خواند. تنها در رکعت آخر آن (برای تشهد) می نشست

از عایشه رضی الله عنها روایت است «كُنَّا نَعُدُّ لَهُ سِوَاكَهُ وَطَهْرَهُ، فَيَعْتُهُ اللَّهُ مَا شَاءَ أَنْ يَبْعَثَهُ مِنَ اللَّيْلِ فَيَسْئَلُكَ وَيَتَوَضَّأُ وَيُصَلِّي تِسْعَ رَكَعَاتٍ، لَا يَجْلِسُ فِيهَا إِلَّا فِي الثَّامِنَةِ فَيَذْكُرُ اللَّهَ وَيَحْمَدُهُ وَيَدْعُوهُ. ثُمَّ يَنْهَضُ وَلَا يُسَلِّمُ، ثُمَّ يَقُومُ فَيُصَلِّي التَّاسِعَةَ، ثُمَّ يَقْعُدُ فَيَذْكُرُ اللَّهَ وَيَحْمَدُهُ وَيَدْعُوهُ، ثُمَّ يُسَلِّمُ تَسْلِيمًا يُسْمَعُنَا، ثُمَّ يُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ بَعْدَ مَا يُسَلِّمُ وَهُوَ قَاعِدٌ. فِتْلِكَ إِحْدَى عَشْرَةَ رَكْعَةً يَا بُنَيَّ، فَلَمَّا أَسَنَّ نَبِيَّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَخَذَهُ اللَّحْمُ أُوتِرَ بِسَبْعٍ، وَصَنَعَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ مِثْلَ صَنِيعِهِ الْأَوَّلِ فِتْلِكَ تِسْعَ يَا بُنَيَّ»^۳

ما، مسواک و آب وضوی پیامبر صلی الله علیه وسلم را آماده می کردیم، پس خداوند شب هنگام هر وقت که می خواست او را بیدار می کرد، مسواک می زد و وضو می گرفت و نه رکعت نماز می خواند، که در هیچکدام از آنها نمی نشست مگر در رکعت هشتم، به ذکر و ستایش خدا می پرداخت و دعا می کرد. سپس بدون آنکه سلام بدهد بلند می شد و رکعت نهم را می خواند. سپس

^۱ بخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری ج ۱ ص ۳۸۵

^۲ مسند الإمام أحمد بن حنبل ج ۴۳ ص ۹۹، قال: شعيب الأرنؤوط: إسناده صحيح على شرط الشيخين

^۳ نیشاپوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم ج ۲ ص ۱۶۸

می نشست و به ذکر و ستایش خدا می پرداخت و دعا می کرد، و طوری سلام می داد که ما را می شنوید. سپس به حالت نشسته دو رکعت نماز می خواند. فرزندم! این یازده رکعت، وقتی پیامبر - صلی الله علیه وسلم - مسن شد و بدنش سنگین گردید وتر را هفت رکعت خواند و دو رکعت را مانند حالت قبل نشسته می خواند. فرزندم! این نه رکعت شد».

روش ادای آن در نزد جمهور

می توان نماز وتر را دو رکعت دو رکعت خواند سپس در آخر یک رکعت را تنها خواند و سلام داد. و می توان همه را با دو تشهد و یک سلام خواند. بدینگونه که همه رکعات را پشت سرهم بدون تشهد بخوانی تا می رسی به رکعت پیش از رکعت آخر، که در آن تشهد می خوانی، سپس برای آخرین رکعت بر می خیزی و آخرین رکعت را که خواندی، تشهد دوم را می خوانی و سلام می دهی. همچنین جایز است که همه را با یک تشهد و یک سلام خواند، که فقط در آخرین رکعت تشهد را بخوانی و سلام بدهی^۱.

ولی احناف بیشتر از سه رکعت نماز وتر را جواز نمی دهند، امام حسن شیبانی^۲ می نویسد: **في الوتر ثلاث ركعات ثلاث المغرب لا تفصيل بينهن بسلام**^۳ وتر سه رکعت است مانند سه رکعت نماز مغرب که بین آنها با سلام جدائی وجود ندارد

^۱ الحجاوي المقدسي ، شرف الدين موسى الإقناع في فقه الإمام أحمد بن حنبل، تصحيح وتعليق: عبد اللطيف محمد

موسى السبكي، دار المعرفة بيروت - لبنان ج ۱ ص ۱۴۴

^۲ محمد بن الحسن الشيباني (۱۳۱ - ۱۸۹ هـ) ، محمد بن الحسن بن فرقد، از موالی بنی شیبان، أبو عبد الله: إمام فقه و أصول، کسیکه مذهب احناف را انتشار داد، وی آثار زیاد در علوم مختلف به خصوص فقه و اصول دارد، از جمله: (المبسوط) (الزيادات) (زيادات الزيادات) (الجامع الكبير) - (الجامع الصغير) - (الآثار) . (السیر الكبير) [السیر الصغير) (موطأ مالك (الأمالی) (المخارج في الحیل) (الحجة على أهل المدينة) و كتب دیگر: والوفیات ۱: ۴۵۳ والبدایة والنهاية ۱۰: ۲۰۲ والجواهر المضیة ۲: ۴۲

^۳ الشيباني، محمد بن الحسن. الحججة على أهل المدينة ص ۱۹۰

بعض اهل مدینه خواندن یک رکعت وتر را جواز میدانند و روایت را از عثمان بن عفان رضی الله عنه ذکر میکنند، که ایشان نماز خفتن را ادا کردن، سپس استاده شده و یک رکعت نماز ادا کردند و در آن قرآن تلاوت نمودند و هم چنان از سعد بن ابی وقاص روایت است که ایشان یک رکعت وتر انجام میدادند، امام مالک رحمه الله علیه و اتباعش میگویند خواندن یک رکعت نماز درست نیست، مگر بهتر است سه رکعت ادا نماید و در بین آنها با سلام فاصله ایجاد کند طوری که دو رکعت با یک سلام ادا کند و رکعت سوم را با سلام دیگر، امام حسن شیبانی رحمه الله اما نزد ما بهتر این است که سه رکعت به یک سلام ادا شود و بین آنها فاصله ایجاد نکند^۱ ولی احناف و هادویه^۲ ادای نماز وتر را به یک جواز نداده و به دلائل ذیل استدلال جسته اند.

دلیل اینکه نماز وتر سه رکعت است

۱- عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، كَانَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُقْرَأُ فِي الْأُولَى: سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى، وَفِي الثَّانِيَةِ: بِقُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ، وَفِي الثَّلَاثَةِ: بِقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ،^۳ از حضرت عائشه روایت شده گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم در رکعت اول وتر (سبح اسم ربک الاعلی) و در دوم (قل یا ایها الکافرون) و در سوم (قل هو الله احد) را میخواندند.

^۱ الشیبانی، محمد بن الحسن. الحجة على أهل المدينة ص ۱۹۰

^۲ الهادویه: کسیکه خود را منسوب به هادی می کند، مانند، ابی العباس وأحمد بن یحیی و دیگران. و هادی آن یحیی بن الحسین بن القاسم بن ابراهیم بن اسماعیل بن ابراهیم بن الحسن بن الحسن بن علی بن ابی طایب، الهاشمی، الحسنی، أبو محمد، الإمام الهادی، در سال ۲۵۴ تولد شده و کتب متعدد دارد از جمله احکام،

^۳، مسند ابی حنیفة روایة الحصکفی ص ۷۶ ابویوسف، الاثار، ص ۷۰ و الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان قال: شعيب الأرناؤوط، صحیح ج ۶ ص ۲۰۱ بدرالدین عینی در البنایه شرح الهدایه می نگارد: ورواه الحاكم في "مستدرکه"، وقال: صحیح علی شرط الشیخین ولم یخرجاه، ورواه ابن حبان في "صحیحه"، وظاهر الحدیث أن الثالثة متصلة غير منفصلة، والاتصال في ركعة الوتر المنفردة أو نحو ذلك ج ۲ ص ۴۸۳

۲- عن سعيد بن عبد الرحمن بن أبزی عن (أبيه عن) أبي بن كعب أن النبي صلى الله عليه وسلم

كان يوتر به: {سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى} و {قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ} و {قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ} ^۱

۳- عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُوتِرُ بِثَلَاثٍ: بِ {سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى}، وَ

{قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ}، وَ {قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ} ^۲ از ابن عباس روایت است: پیامبر صلی الله علیه

وسلم در نماز وتر در هر رکعت یکی از سوره‌های (سبح اسم ربک الاعلی) و (قل یا ایها

الکافرون) و (قل هو الله احد) را می‌خواند. آنچه را اکثر اهل علم از اصحاب رسول الله

صلی الله علیه وسلم و بعد از ایشان اختیار نموده اند قرائت سوره‌های (سبح اسم ربک الاعلی

{ و {قل یا ایها الکافرون} و {قل هو الله احد} بترتیب در رکعت اول دوم و سوم وتر

است.

بناء معلوم میشود که نماز وتر سه رکعت است

از محمد بن کعب روایت شده است، رسول الله صلی الله علیه وسلم از بتیرا نهی کرده است حسن

بصری اجماع اهل سلف را به سه رکعت بودن وتر روایت کرده است (وَحَكَى الْحَسَنُ الْبَصْرِيُّ

إِجْمَاعَ السَّلَفِ عَلَى أَنَّ الْوِتْرَ ثَلَاثٌ) ^۳ و آنچه ادای کمی و زیادی وتر روایت شده است آنها محمول

به قبل از استقرار وتر بوده است.

از عبد الله بن مسعود روایت است که ایشان «الْوِتْرُ ثَلَاثٌ كَثَلَاثِ الْمَغْرِبِ» ^۴ نماز وتر سه رکعت است

مانند سه رکعت نماز مغرب.

^۱ المصنف - ابن أبي شيبة ج ۲۰ ص ۳۲۲ قال محقق، سعد بن ناصر بن عبد العزيز أبو حبيب الشري صحیح.

^۲ مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۴ ص ۴۵۲ و قال: شعيب الأرنؤوط حديث صحيح

^۳ الزيلعي، فخر الدين عثمان بن علي، تبين الحقائق شرح كنز الدقائق. ج ۱ ص ۱۷۰

^۴ الشيباني، محمد بن الحسن، موطأ مالك ص ۹۶ الشيباني، محمد بن الحسن، الحجة على أهل المدينة ج ۱ ص ۱۹۰:

فتحي عيد، در شرح سنن ابی داود ج ۱۷ ص ۲۴۲ می گوید: (وفي رواية الشيباني: الوتر ثلاث كثلاث المغرب،

والشيباني: ضعيف)

عطاء از ابن عباس روایت میکند که ایشان فرمودند: (الوتر كصلاة المغرب) وتر مانند نماز شام است.

عن عبد الرحمن (ابن) يزيد قال: قال عبد الله: الوتر ثلاث ركعات كصلاة المغرب^۱

ابراهیم از ابن مسعود روایت میکند فرمودند: مَا أَجْزَأَتْ رُكْعَةً وَاحِدَةً قَطُّ^۲ خواندن یک رکعت به هیچ وجه درست نیست

وتر سه رکعت است، و این مذهب فقها سبعة است ابن شیبہ در مصنف خویش از حسن بصری اجماع اهل علم را به سه رکعت بودن وتر نقل نموده است که بین آنها فاصله به سلام نیست، و این مذهب حضرت ابوبکر، حضرت عمر، حضرات عبادله و ابو هریره رضی الله عنهم است؛ روایت شده است روزی حضرت عمر رضی الله عنه حضرت سعید رضی الله عنه را دید که وتر را یک رکعت انجام میدهد، گفت: مَا هَذِهِ الْبُتَيْرَاءُ لَتَشْفَعَنَّهَا أَوْ لَأُؤَدِّبَنَّكَ^۳ این بتیرا چیست آن را جفت کن یا تادیبت خواهم نمود. هم چنان سعد بن ابی وقاص وتر را یک رکعت خواند عبدالله ابن مسعود برایش گفت: ما هذه البتيراء ما أجزأت ركعة قط چیست این بتیرا؟ به هیچ وجه یک رکعت جواز ندارد.^۴

^۱ المصنف - ابن أبي شيبة ج ۴ ص ۴۹۳، سعد بن ناصر بن عبد العزيز أبو حبيب الشثري، قال محقق، صحيح

^۲ الشيباني، محمد بن الحسن، موطأ مالك ص ۹۶، عبد القادر بن عبد الله الأسطواني، در کتاب، أصل الزراري شرح صحيح البخاري ص ۲۴۰ می گوید: رواه أصحاب السنن على شرط الشيخين

^۳ عینی، بدر الدین أبو محمد محمود بن أحمد، عمدة القاري شرح صحيح البخاري، تصحيح و تعليق: شركة من العلماء بمساعدة إدارة الطباعة المنيرية، لصاحبها ومديرها محمد منير عبده أغا الدمشقي (دار إحياء التراث العربي، ج ۷ ص ۴ عبد القادر بن عبد الله الأسطواني، در کتاب، أصل الزراري شرح صحيح البخاري ص ۲۴۰ می گوید: رواه أصحاب السنن على شرط الشيخين

^۴ عینی، بدر الدین أبو محمد محمود بن أحمد، عمدة القاري شرح صحيح البخاري، ج ۷ ص ۴

امام ابو حنیفه رحمه الله عليه از امام جعفر صادق روایت میکند: رسول الله صلی الله علیه واله وسلم در بین نماز خفتن و صبح سیزده رکعت نماز می خواند هشت رکعت نفل و سه رکعت وتر و دو رکعت بعد از وتر و یا دو رکعت فجر^۱

از ابی بکر بن رستم^۲ روایت است که ایشان از حسن، محمد، قتاده، بکر بن عبد الله المزنی، معاویه بن قره و ایاس بن معاویه شنیدند گفته اند «أَلُوْتُرُ ثَلَاثٌ» وتر سه رکعت است هم چنان از طاوس، عطا، ایوب، روایت است که ایشان نماز وتر را سه رکعت بدون فاصله در بین آنها انجام میدادند محمد بن نصر میگویند: وتر یک، سه، پنج، هفت و نه رکعت همه درست است زیرا همه روایت در این باب با اسناد ثقه و صحیح روایت شده اند^۳

مطلب دوم: وقت ادای نماز وتر

بحث پیرامون وقت نماز وتر، منحصر به دو بخش است، اول بخش متفق فیه، و دوم آن مختلف فیه است که قرار ذیل به آن می پردازیم..

الف: وقت متفق فیه

به اتفاق فقهاء وقت نماز وتر بعد از نماز خفتن تا قبل از طلوع صبح است.

۱- خواندن نماز وتر بعد از نماز عشاء تا طلوع فجر جایز است ولی خواندن آن در یک سوم آخر شب اجر بیشتری دارد، از عایشه روایت است: (مِنْ كُلِّ اللَّيْلِ قَدْ أُوتِرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ، وَمِنْ أَوْسَطِهِ، وَمِنْ آخِرِهِ، وَانْتَهَى وَثَرُهُ إِلَى السَّحْرِ)^۴ پیامبر صلی الله علیه وسلم در تمام شب وتر را خوانده است، در اول، وسط، و در آخر شب و و تراو به سحر منتهی می شد.

^۱ الشیبانی، محمد بن الحسن، الحجة على أهل المدينة ج ۱ ص ۱۹۰

^۲ إبراهيم بن رستم، أبو بكر المروزي، أهل فقه و عبادت بود، اول از اصحاب حدیث بود، بعد نزد محمّن بن حسن شیبانی رفت و کتب آنها را می نوشت،

^۳ مختصر قیام اللیل و قیام رمضان و کتاب الوتر ص ۲۹۴

^۴ بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۱ ص ۳۳۸

۲- امام محمد از امام ابوحنیفه از امام جعفر صادق رحمهم الله روایت می کند که فرمود: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «يُصَلِّي مَا بَيْنَ صَلَاةِ الْعِشَاءِ إِلَى صَلَاةِ الصُّبْحِ ثَلَاثَ عَشْرَةَ رَكْعَةً، ثَمَانِيَّ رَكْعَاتٍ تَطَوُّعًا، وَثَلَاثَ رَكْعَاتِ الْوُتْرِ، وَرَكْعَتِي الْفَجْرِ»؛ رسول الله صلى الله عليه واله وسلم در بین نماز خفتن و صبح سیزده رکعت نماز می خواند هشت رکعت نفل و سه رکعت وتر و دو رکعت بعد از وتر و یا دو رکعت فجر^۲

۳- عَنْ أَبِي قَتَادَةَ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِأَبِي بَكْرٍ: «مَتَى تُوتِرُ؟» قَالَ: أُوتِرُ قَبْلَ أَنْ أَنَامَ، فَقَالَ لِعُمَرَ: «مَتَى تُوتِرُ؟» قَالَ: أَنَامُ، ثُمَّ أُوتِرُ قَالَ: فَقَالَ لِأَبِي بَكْرٍ: «أَخَذْتَ بِالْحَزْمِ، أَوْ بِالْوَيْقَةِ»، وَقَالَ لِعُمَرَ: «أَخَذْتَ بِالْقُوَّةِ»^۳ از ابوقتاده رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلى الله عليه وسلم به ابوبکر فرمود: «مَتَى تُوتِرُ؟» چه وقت وتر می خوانی؟ گفت: می خوابم (بعد بلند می شوم) و وتر می خوانم، به عمر رضی الله عنه گفت: چه وقت وتر می خوانی گفت: می خوابم بعد وتر می خوانم؛ پیامبر صلى الله عليه وسلم به ابوبکر فرمود: (أَخَذْتَ بِالْحَزْمِ، أَوْ بِالْوَيْقَةِ)، وَقَالَ لِعُمَرَ: «أَخَذْتَ بِالْقُوَّةِ» محکم کاری و احتیاط کردی» و به عمر فرمود: «کارت همراه با قدرت و نیرو بود.

۴- از عایشه رضی الله عنها روایت است: (كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي وَأَنَا رَاقِدَةٌ مُعْتَرِضَةً عَلَى فِرَاشِهِ، فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يُوتِرَ أَتَيْتَنِي فَأَوْتَرْتُ)^۴ پیامبر صلى الله عليه وسلم نماز می خواند در حالیکه من روی بسترش خوابیده بودم، وقتی می خواست نماز وتر بخواند مرا بیدار می کرد و من هم نماز وتر را می خواندم.

^{۱۱} موطأ مالك برواية محمد بن الحسن الشيباني ص ۹۵

^۲ الشيباني، محمد بن الحسن، الحجة على أهل المدينة ج ۱ ص ۱۹۵

^۳ النيسابوري، أبو بكر محمد بن إسحاق بن خزيمة، صحيح ابن خزيمة، تحقيق: محمد مصطفى الأعظمي، تعليق: محمد ناصر الدين الألباني الناشر: المكتب الإسلامي - بيروت ج ۲ ص ۱۴۵ قال الألباني: إسناده صحيح

^۴ صحيح البخاري ج ۱ ص ۱۰۹

۵- عن خَارِجَةَ بْنِ حُذَافَةَ الْعَدَوِيِّ قَالَ: خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَاتَ يَوْمٍ إِلَى صَلَاةِ الصُّبْحِ فَقَالَ: "لَقَدْ أَمَدَّكُمْ اللَّهُ بِصَلَاةٍ هِيَ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ حُمْرِ النَّعَمِ". قُلْنَا: مَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: "الْوُتْرُ فِيمَا بَيْنَ الْعِشَاءِ إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ"^۱ از خارجه بن حذافه عدوی که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم روزی به نماز صبح آمد فرمود: بیشک خداوند جل جلاله شما را بر نمازی امداد نموده است، و آن بهتر است برای شما از شتران سرخ (گران قیمت) گفتیم، آن کدام است ای رسول خدا، فرمود، وتر بین نماز خفتن، الی طلوع فجر است.

و بسیاری از دانشمندان اجماع را نیز بر آن نقل نمود اند که چند نمونه اکتفاء می کنیم.

۱- ابن منذر می نگارد: أجمع أهل العلم على أن ما بين صلاة العشاء إلى طلوع الفجر وقت للوتر^۲ به

اجماع اهل علم، مابین نماز خفتن تا طلوع فجر وقت نماز وتر است.

۲- ابن رشد می نویسد: فإن العلماء اتفقوا على أن وقته من بعد صلاة العشاء إلى طلوع الفجر،^۳ علماء

اتفاق نظر دارند، بر اینکه وقت آن بعد از نماز خفتن تا طلوع فجر است.

۳- امام شوکانی می نگارد: احادیث باب دلالت می کند که همه شب وقت برای ادای نماز

وتر است، و هیچ کس مخالف این سخن نیست، وَقَدْ حَكَى صَاحِبُ الْمُفْهِمِ الْإِجْمَاعَ عَلَى أَنَّهُ

لَا يَدْخُلُ وَقْتُ الْوُتْرِ إِلَّا بَعْدَ صَلَاةِ الْعِشَاءِ، صاحب مفهم اجماع را بر اینکه وقت وتر داخل نمی

شود مگر بعد از نماز خفتن حکایت نموده است.^۴

بناء جمهور گفته اند:

^۱ الإمام أحمد بن حنبل مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۳۹ ص ۴۴۴ حکم حدیث: قال: شعيب الأرتؤوط، صحيح لغيره

^۲ ابن منذر، أبو بكر محمد بن إبراهيم، الأوسط في السنن والاجماع والاختلاف، تحقيق: أبو حماد صغير أحمد بن

محمد حنيف، الناشر: دار طيبة - الرياض - السعودية، الطبعة: الأولى - ۱۴۰۵ هـ - ۱۹۸۵ م، ج ۵ ص ۱۹۵

^۳ ابن رشد الحفيد محمد بن أحمد بن محمد، بداية المجتهد ونهاية المقتصد، الناشر: دار الحديث - القاهرة، ۱۴۲۵ هـ -

۲۰۰۴ م، ج ۱ ص ۲۱۱

^۴ شوکانی، محمد بن علي بن محمد، نيل الأوطار ج ۳ ص ۵۲

۱- برای کسی که بیم دارد آخر شب بیدار نشود مستحب است که وترش را اول شب ادا نماید، همچنانکه برای کسی که گمان می کند آخر شب بیدار می شود، تأخیر آن سنت است.

۲- ادای وتر قبل از نماز خفتن جواز ندارد، و اگر کسی ادا نماید اعاده آن لازم است، خواه به قصد باشد یا فراموشی^۱ بنا بر روایات حدیث که قبلا در این باب گذشت.

ب: وقت مختلف فیه

۱- امام ابوحنیفه، سفیان ثوری رحمه الله می گویند اگر کسی به فراموشی نماز وتر را قبل از خفتن، ادا نمود، اعاده آن لازم نیست، و این بخاطر وجوب وتر نزد امام ابوحنیفه است، زیرا وقت نماز وتر نزد امام صاحب وقت نماز خفتن است، با این تفاوت که ترتیب بین آنها است، بناء قبل از خفتن خواندن آن جواز ندارد، با وجود آنکه وقت آن هم است، ولی بخاطر عدم وجود شرط ادای آن جواز ندارد، مگر در صورت که به فراموشی ادا نماید.^۲

امام کاسانی می نگارد: **لما كان واجبا عند أبي حنيفة كان أصلا بنفسه في حق الوقت لا تبعا للعشاء فكما غاب الشفق دخل وقته كما دخل وقت العشاء إلا أن وقته بعد فعل العشاء إلا أن تقديم أحدهما على الآخر واجب حالة التذكر فعند النسيان يسقط^۳**

ترجمه: وقتی نماز وتر نزد امام ابوحنیفه رحمه واجب است، وجوب آن اصل بنفسه در حق وقت است، نه تبع نماز خفتن، وقتی شفق غائب شود، وقت وتر داخل می شود، همان

^۱ ابن همام، محمد بن عبد الواحد، فتح القدير على الهداية شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده بمصر (وصورتها دار الفكر، لبنان) الطبعة: الأولى، ۱۳۸۹ هـ = ۱۹۷۰ م (۱/ ۴۷۸)، ابن عرفه، محمد بن أحمد بن عرفه الدسوقي، حاشية الدسوقي على الشرح الكبير الناشر: دار الفكر، (۱/ ۵۰۹)، النووي، محيي الدين بن شرف المجموع شرح، تصحيح: لجنة من العلماء، (إدارة الطباعة المنيرية، مطبعة التضامن الأخوي) - القاهرة، ۱۳۴۴ - ۱۳۴۷ هـ (۳/ ۴۹۱)

^۲ الكاساني، أبو بكر بن مسعود، بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع مطبعة شركة المطبوعات العلمية بمصر الطبعة: الأولى ۱۳۲۷ - ۱۳۲۸ هـ ج ۱ ص ۲۷۲

^۳ الكاساني، أبو بكر بن مسعود، بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع ج ۱ ص ۲۷۲

گونه که وقت خفتن داخل می شود، با این تفاوت وقت وتر بعد از ادای نماز خفتن است، و تقدیم یکی بر دیگر در وقت تذکر واجب است، و در وقت نسیان ترتیب تقدیم و تأخیر ساقط می شود.

ثمره این اختلاف بین جمهور و امام ابوحنیفه در دو مورد هویدا می گردد

- ۱- کسیکه نماز خفتن را بدون وضوء خواند، و نمی دانست، بعد وضو نمود و نماز وتر را ادا نمود، بعداً یادش آمد که نماز خفتن را بدون وضوء ادا نموده است به اتفاق جمهور علماء نماز خفتن را اعاده کند چون بدون وضوء خواند، اما نماز وتر را از نظر امام ابوحنیفه اعاده نکنند، ولی به نظر جمهور اعاده نماید. چون قبل از وقت است.^۱
- ۲- هم چنان اگر کسی فکر کرد که نماز خفتن را خوانده نماز وتر را ادا نمود بعد به یادش آمد که نماز خفتن را نخوانده نزد جمهور هر دو را اعاده کند و نزد امام صاحب تنها نماز خفتن را ادا نماید.

اما شوافع پیرامون وقت وتر سه نظریه ارائه کرده اند: (ففيه ثلاثة أوجه: الصحيح المشهور

الذي قطع به المصنف والجمهور أنه يدخل بفراغه من فريضة العشاء)^۲

پیرامون وقت آن سه نظریه است، صحیح مشهور که مصنف به آن اذعان دارد و نظر جمهور هم است، وقت وتر بعد از فراغ از نماز خفتن داخل می شود.

۱- نظریه اول: موافق جمهور علماء رحمهم الله. (وقت وتر بعد از فراغ از نماز خفتن داخل می شود).

^۱ ابن الهمام، ابن همام، محمد بن عبد الواحد، فتح القدير على الهداية شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده بمصر (وصورتها دار الفكر، لبنان) الطبعة: الأولى، ۱۳۸۹ هـ = ۱۹۷۰ م دیر (۱/ ۴۷۸)، ابن عرفه، محمد بن أحمد بن عرفة الدسوقي، حاشية الدسوقي على الشرح الكبير (۱/ ۵۰۹)، النووي، محيي الدين بن شرف، المجموع شرح المذهب، (۳/ ۴۹۱)

^۲ النووي، محيي الدين بن شرف، المجموع شرح المذهب، ج ۴ ص ۱۳

۲- نظریه دوم: موافق نظریه امام ابوحنیفه رحمه الله ، این نظریه از امام حرمین و دیگران نقل کرده اند.

۳- نظریه سوم: اگر یک رکعت وتر می خواند، وقت آن بعد از نماز خفتن است و اگر بیشتر از یک رکعت وتر می کرد لازم است که اول خفتن ادا نماید بعد نماز وتر را^۱

آخر وقت نماز وتر

مطلب از آخرین وقت نماز وتر ، زمانی است که ادای وتر در آن ادا و بعد از آن قضاء می شود، بدون شک نماز وتر موقت به وقت است که در ذیل نظریات علماء را بیان می کنیم.

۱- به نظر جمهور علماء خاتمه نماز وتر بعد از طلوع فجر است، و بعد از طلوع فجر قضاء محسوب می شود، همه روایات که در اول باب ارائه شد دلائل این بحث اند، جهت تطویل از تکرار آن خود داری کردیم.

۲- مالکی ها و شوافع، گفته اند، وتر دو وقت دارد، اختیاری، و ضروری، اختیاری آن تا طلوع فجر است و ضروری آن، تا نماز صبح.^۲ دلائل وقت اختیاری آن همان دلائل جمهور است که در اول باب گذشت ولی دلائل وقت ضروری آن قرار ذیل است.^۳

۱- از سعید بن جبیر رضی الله عنه روایت است که عبد الله بن عباس از خواب بیدار شد و به خادم خود گفت: نگاه کن به مردم چه می کنند، (این در وقتی بود که بینایی خود را از دست داده بود) خادم آن رفت و برگشت، و گفت مردم نماز صبح را

^۱ النووي، محيي الدين بن شرف، المجموع شرح المذهب، ج ۴ ص ۱۳

^۲ ابن عرفه، محمد بن أحمد بن عرفة الدسوقي، حاشية الدسوقي على الشرح الكبير (۱/ ۵۰۹)، النووي، محيي الدين بن شرف، المجموع شرح المذهب، (۳/ ۴۹۱)

^۳ النووي، المجموع (۳/ ۴۳۸) ابن الهمام، فتح القدير (۱/ ۴۲۹) الدسوقي، الحاشية (۱/ ۴۵۹) والمرداوي، الإنصاف (۳/ ۶۸۰) والقرافي، الذخيرة (۲/ ۲۹۰)

خواندند، (فَقَامَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبَّاسٍ ، فَأَوْتَرَ ثُمَّ صَلَّى الصُّبْحَ)^۱ عبد الله بن عباس بر خواست و نماز وتر را ادا نمود، بعد نماز صبح را خواند.

۲- از هشام بن عروه از پدرش از عبدالله ابن مسعود روایت که فرمود: (مَا أُبَالَى لَوْ أُقِيمَتِ الصَّلَاةُ، وَأَنَا أَوْتِرٌ)^۲ اشکالی ندارد، اگر نماز صبح اقامه شود و من نماز وتر را ادا نمایم.

۳- هم چنان، از یحیی بن سعید از عباده بن صامت روایت می کند، که عباده بن صامت امامت قومی را می کرد، روزی برای ادای نماز صبح بیرون شد، موذن قامت نماز صبح را گفت: فَأَسْكَنْتُهُ عِبَادَةَ حَتَّى أَوْتَرَ، ثُمَّ صَلَّى لَهُمُ الصُّبْحَ^۳ " عباده بن صامت آنرا ساکت نمود، تا اینکه نماز وتر را اداء نمود ، بعد برای آنها نماز صبح را جماعت کرد.

۴- از عبد الرحمن بن قاسم روایت است که او شنید ابا قاسم بن محمد می گوید: «إِنِّي لَأَوْتِرٌ بَعْدَ الْفَجْرِ»^۴ من بعد از فجر وتر را اداء می نمایم.

این اثار ظاهراً جواز وتر را بعد از طلوع فجر می دهند، ولی جمهور در پاسخ گفته اند، اثر مروی از ابن عباس ضعیف است و قابل حجت نیست، زیرا در سند آن عبدالکریم، بن ابی مخارق است، ابن عبدالبر در باره آن می گوید، که به اتفاق اهل حدیث آن ضعیف است^۵ در حالیکه احادیث

^۱ مالک، بن انس، موطأ الإمام مالك، رواية: أبي مصعب الزهري المدني تحقيق: د بشار عواد معروف - محمود محمد خليل، مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۲ هـ - ۱۹۹۱ م ج ۱ ص ۱۲۲

^۲ مالك بن أنس، الموطأ، رواية: يحيى، تصحيح و تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء التراث العربي، بيروت - لبنان، عام النشر: ۱۴۰۶ هـ - ۱۹۸۵ م ج ۱ ص ۱۲۴

^۳ مالك، بن انس، موطأ الإمام مالك، رواية: أبي مصعب الزهري المدني ج ۱ ص ۱۲۲

^۴ مالك بن أنس، الموطأ، رواية: يحيى ج ۱ ص ۱۲۶

^۵ الذهبي ، محمد بن أحمد بن عثمان ، ميزان الاعتدال في نقد الرجال، تحقيق: علي محمد البجاوي، دار المعرفة للطباعة والنشر، بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۳۸۲ هـ - ۱۹۶۳ م ، ج ۲ ص ۶۴۶

صحیح مرفوع از پیامبر صلی الله علیه وسلم نقل شده است، که نمی شود احادیث ضعیف را معارض آن قرار داد.

بعد از اینکه وقت نماز وتر مشخص شد، که نماز وتر ساعت ها وقت دارد، سوال این است که وقت افضل و مستحب در این ساعت ها کدام قسمت آن است. دانشمندان نیز پیروان وقت مستحب اختلاف نظر دارند، برخی ساعت اول شب را افضل دانسته و برخی دیگر آخر شب را.

۱- نظر اول: وقت مستحب ادای آن در اول شب است

این نظریه، ابوبکر صدیق، عثمان بن عفان، ابوالدرداء، ابوهریره، رافع بن خدیج، و عبد الله بن عمرو بن العاص، به غیر صحابه ابوحامد الغزالی، امام الحرمین، و برخی شوافع، رحمهم الله که هر یک برای ادعای خود دلائل نیز اقامه کرده اند.^۱ وعن أبي هريرة رضي الله عنه، قال: أوصاني خليلي صلى الله عليه وسلم، بثلاث: صيام ثلاثة أيام من كل شهر، وركعتي الضحى، وأن أوتر قبل أن أنام)^۲ از ابو هریره رضی الله عنه روایت شده که گفت: خلیل مرا به سه چیز وصیت نمود، روزه سه روز از هر ماه و دو رکعت ضحی و اینکه پیش از خواب وتر بخوانم. هم چنان از ابو درداء روایت است که رسول الله صلی گفت (يا عُوَيْمِرُ حَافِظِ عَلِيٍّ أَنْ لَا تَبِيْتُ إِلَّا عَلَيَّ وَتَرِ وَرَكَعَتِي الضُّحَى مُقِيمًا أَوْ مُسَافِرًا وَصِيَامَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ تَسْتَكْمِلُ الزَّمَانَ كُلَّهُ أَوْ قَالًا تَسْتَكْمِلُ الدَّهْرَ كُلَّهُ)^۳ ای عویمر، حفظ کن، قبل از ادای وتر و دو رکعت نماز ضحی چه مسافر باشی یا مقیم، و روزه سه روز در هر ماه، همه زمان یا دهر را اکمال می کنی.

^۱ النووي، محيي الدين بن شرف، المجموع شرح المهذب، ج ۴ ص ۱۳

^۲ بخاری، محمد بن إسماعيل صحيح البخاري، م ج ۲ ص ۶۶۹

^۳ نوادر الأصول في أحاديث الرسول صلى الله عليه وسلم ج ۳ ص ۱۹۳

این احادیث صحیح و ثابت کننده نماز وتر قبل از خواب اند، و در آنها نهی شده قبل از وتر خوابیدن را، اصل در نهی تحریم است، ولی از آنجاییکه احادیث صحیح دیگر نیز ثابت کننده بعد از خواب اند بناء حکم بر استحباب آن می کنیم

۲- نظریه دوم: وقت مستحب ادای وتر در ساعات آخر شب است.

این نظریه عمر بن الخطاب، علی بن ابی طالب، عبد الله بن مسعود، و همین مذهب اکثر فقهاء رحمهم الله نیز است.^۱

۱- عایشه رضی الله عنها می فرماید: **كَانَ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يُصَلِّي وَأَنَا رَاقِدَةٌ، مُعْتَرِضَةً عَلَى فِرَاشِهِ، فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يُؤْتِرَ أَقْبَضَنِي فَأَوْتَرْتُ.**^۲ عایشه رضی الله عنها می فرماید: رسول الله - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - و روی رختخوابش خوابیده بودم. سپس هنگامی که میخواست نماز وتر بخواند، مرا نیز بیدار می کرد. من هم نماز وتر می خواندم.

۲- از عائشه رضی الله عنها روایت شده است، گفت: **(مِنْ كُلِّ اللَّيْلِ قَدْ أُوتِرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ، وَمِنْ أَوْسَطِهِ، وَمِنْ آخِرِهِ. وَاتَّهَى وَثَرُهُ إِلَى السَّحَرِ)**^۳ رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در همهء لحظات شب وتر را خواندند. در آغاز، نیمه و آخر شب و وتر شان به سحر پایان یافت.

۱ الکاسانی، أبو بکر بن مسعود، بدائع الصنائع، ج ۱ ص ۲۷۰، ابن قدامه، عبد الله بن أحمد بن محمد المغنّی؛ محقق: الدكتور عبد الله بن عبد المحسن التركي، الدكتور عبد الفتاح محمد الحلو دار عالم الكتب للطباعة والنشر والتوزيع، الرياض - المملكة العربية السعودية الطبعة: الثالثة، (۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۷ م) ج ۱ ص ۱۶۱، زرقانی، محمد بن عبد الباقي بن يوسف، شرح الزرقانی علی موطأ الإمام مالك، تحقیق: طه عبد الرؤوف سعد، الناشر: مكتبة الثقافة الدينية - القاهرة، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۴ هـ - ۲۰۰۳ م ج ۱ ص ۲۳۰

^۲ بخاری، محمد بن إسماعیل، صحیح البخاری، ج ۱ ص ۱۰۹

^۳ نیشاپوری، مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، ج ۱ ص ۵۱۲

۳- از ابن عمر رضی الله عنهما روایت شده که: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: (اجعلوا آخرَ صلاتکم باللیل وثرًا)^۱ وتر را آخرین نماز شب خود بگردانید.

۴- وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «بَادِرُوا الصُّبْحَ بِالْوِثْرِ»^۲ از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: وتر را پیش از صبح ادا کنید.

این احادیث ثابت افضلیت نماز وتر در اخیر شب است، و هم چنان باید گفت: طبق فرموده رسول الله صلی الله علیه وسلم اگر امید به بیداری از خواب بود، مستحب است تأخیر صورت گیرد، اگر امید به بیداری نبود مستحب در همان اول شب است. طوری که امام مسلم روایت می کند، وَعَنْ جَابِرِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ خَافَ أَنْ لَا يَقُومَ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ، فَلْيُوتِرْ أَوَّلَهُ، وَمَنْ طَمِعَ أَنْ يَقُومَ آخِرَهُ، فَلْيُوتِرْ آخِرَ اللَّيْلِ، فَإِنَّ صَلَاةَ آخِرِ اللَّيْلِ مَشْهُودَةٌ، وَذَلِكَ أَفْضَلُ»^۳ از جابر رضی الله عنه روایت شده که: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: آنکه بترسد از آنکه در آخر شب بر نمی خیزد باید در اول شب وتر را بگذارد و آنکه توقع نماید که در آخر شب بر می خیزد، باید در آخرش وتر را بگذارد، زیرا نماز آخر شب توأم با حضور ملائکه است و آن بهتر است.

امام نووی می نگارد: **والصواب التفصيل الذي سبق وأنه يستحب لمن له تهجد تأخير الوتر ويستحب أيضا لمن لم يكن له تهجد ووثق باستيقاظه أواخر الليل إما بنفسه وإما بإيقاظ غيره أن يؤخر الوتر ليفعل،**

و سخن درست و صواب، تفصیلی است که بحث آن گذشت، و سخن این است، برای کس تهجد می خواند تأخیر وتر مستحب است، هم چنان برای کسی که تهجد عادت ندارد ولی اطمینان به بیداری دارد، مستحب تأخیر تا آخر شب است، خواه این اطمینان بر خود داشته باشد و یا بر کسی دیگر آن آنرا بیدار کند. وتر را تأخیر کند.

^۱ نیشاپوری، مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، ج ۱ ص ۵۱۲

^۲ نیشاپوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم ج ۲ ص ۱۷۴

^۳ نیشاپوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم ج ۲ ص ۱۷۴

فصل سوم

احکام نماز وتر و روش قنوت در آن

مبحث اول: احکام نماز وتر

مبحث دوم: احکام قنوت

مبحث اول احکام نماز وتر

مطلب اول: حکم نماز وتر

الف: حکم نماز وتر بر پیامبر صلی الله علیه وسلم

همان طوریکه از احادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم هویدا، است پیامبر صلی الله علیه وسلم بر نماز وتر مواظبت بیشتر داشت، قسمیکه حضرت عایشه رضی الله عنها روایت می کند، «كُلَّ

الَّيْلِ أُوتِرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَانْتَهَى وَتَرَهُ إِلَى السَّحَرِ»^۱

امام قرطبی می نگارد نماز وتر قبلی از نماز های پنج گانه بر رسول الله صلی الله علیه وسلم فرض بود، تحت آیه (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحَلَّلْنَا لَكَ...) ^۲ بیان می دارد، بر پیامبر صلی الله علیه وسلم بر برخی چیزی ها حرام و برخی فرض گردید از جمله آنچه بر پیامبر صلی الله علیه وسلم فرض گردید، یکی آن وتر است، وَهُوَ يَدْخُلُ فِي قِسْمِ التَّهَجُّدِ،^۳ و آن داخل اقسام نماز تهجد است.

امام شافعی رحمه الله علیه نماز وتر را بر رسول الله فرض میدانند، حلیمی و عز بن عبد السلام و غزالی از شوافعی و هم چنان مالکی ها؛ نماز وتر را در حضر بر رسول الله صلی الله علیه وسلم فرض میدانند نه در سفر به باور این دانشمندان اسلام نماز وتر در حضر بر رسول الله فرض بود نه در سفر زیرا بخاری و مسلم از ابن عمر روایت کرده اند. که رسول الله صلی الله علیه وسلم نماز وتر را بر سواری ادا نمود در حالیکه ادای نماز های فرض بر سواری درست نیست.^۴ امام نووی

^۱ بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری ج ۲ ص ۲۵

^۲ سوره احزاب آیه ۵۰

^۳ الجامع لأحكام القرآن ج ۱۴ ص ۲۱۱

^۴ الموسوعة الفقهية الكويتية ج ۲ ص ۲۵۶

فرموده اند: مذهب این است که نماز وتر بر رسول الله فرض بود اما ادای نماز او بر راحله مخصوص به ایشان است.^۱

نماز وتر بر امت محمد صلی الله علیه وسلم

علماء پیرامون حکم نماز وتر دو نظریه ارائه کرده اند

۱- نماز وتر واجب است این نظریه احناف است

۲- نماز وتر سنت است، این نظریه جمهور علماء است

دلایل جمهور بر سنت بودن نماز وتر

دلیل اول: روایت طلحه بن عبید الله رضی الله عنه: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ أَهْلِ نَجْدٍ، ثَأْتِرُ الرَّأْسِ نَسْمَعُ دَوِيَّ صَوْتِهِ، وَلَا نَفْقَهُ مَا يَقُولُ، حَتَّى دَنَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَإِذَا هُوَ يَسْأَلُ عَنِ الْإِسْلَامِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «خَمْسُ صَلَوَاتٍ فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ» قَالَ: هَلْ عَلَيَّ غَيْرُهُنَّ؟ قَالَ: «لَا، إِلَّا أَنْ تَطَوَّعَ» فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «وَصِيَامُ شَهْرِ رَمَضَانَ» قَالَ: هَلْ عَلَيَّ غَيْرُهُ؟ قَالَ: «لَا، إِلَّا أَنْ تَطَوَّعَ» قَالَ: وَذَكَرَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، الزَّكَاةَ فَقَالَ: هَلْ عَلَيَّ غَيْرُهَا؟ قَالَ: «لَا، إِلَّا أَنْ تَطَوَّعَ» فَأَدْبَرَ الرَّجُلُ وَهُوَ يَقُولُ: وَاللَّهِ لَا أَزِيدُ عَلَى هَذَا وَلَا أَنْقُصُ مِنْهُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَفْلَحَ إِنْ صَدَقَ»^۲ مردی نزد پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - آمد که «اهل نجد» و دارای موی پریشان و نامنظم بود و طنین صدای او را می شنیدیم، ولی نمی فهمیدیم که چه می گوید، تا این که به پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - نزدیک شد و در این هنگام از اسلام سؤال کرد، پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «پنج نماز در شبانه روز»، گفت: آیا غیر از آن نمازها نماز دیگری بر من واجب است؟ فرمودند: «نه، مگر این که بخواهی نماز نفل بخوانی» و پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «و روزه ی ماه رمضان»، گفت: آیا روزه ای غیر از این هم بر من واجب است؟ فرمودند: «نه، مگر این که بخواهی روزه ی نفل بگیری» و پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - زکات را هم بیان

^۱ النووي، محيي الدين بن شرف، المجموع شرح المذهب، ۴ / ۲۰

^۲ بخاری، محمد بن اسماعیل، صحيح البخاري ج ۱ ص ۲۵

کرد، مرد گفت: آیا غیر از این هم بر من زکاتی واجب است؟ فرمودند: «نه، مگر این که خودت بخواهی احسان کنی» و مرد بازگشت در حالی که می گفت: به خدا سوگند در این ها زیاد و کم نمی کنم (همین فرایض را انجام می دهم، نه کم و نه زیاد!) و پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «رستگار و نجات یافته است، اگر راست بگوید».

استدلالاً از حدیث فوق

- ۱- پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است که واجب نماز های پنجگانه است
- ۲- در جمله (هل علی غیرها قال: لا) این صریح در عدم وجوب وتر است
- ۳- جمله (إلا أن تطوع) دلالت دارد که اضافه از فراض پنجگانه نفل است.
- ۴- در جمله (لا أزيد علی هذا ولا أنقص منه، فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «أفلح إن صدق» ، این صریح در عدم مؤاخذه و ترک آن.^۱

احناف در پاسخ گفته اند: در حدیث شریف، پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت "خمس صلوات کتبهن الله علی عباد" و وتر از جمله مکتوبات نیست، ثانیاً در جمله "هل علی غیرها" استفهام که بر آنچه گذشت حمل می شود و این نفی وجوب بغیر نماز مکتوبه را نمی کند، چنانچه که نذر و نماز جنازه را نفی نمی کند، و شاید هم این خبر قبل از وجوب وتر باشد، بعد از آن واجب شده باشد.^۲

دلیل دوم: حدیث ابن عباس رضی الله عنه

إن النبي صلى الله عليه وسلم: بَعَثَ مُعَاذًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ إِلَى الْيَمَنِ، فَقَالَ: (ادْعُهُمْ إِلَيَّ: شَهَادَةَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّي رَسُولُ اللَّهِ، فَإِنْ هُمْ أَطَاعُوهُ لِذَلِكَ، فَأَعْلِمُهُمْ أَنَّ اللَّهَ قَدِ افْتَرَضَ عَلَيْهِمْ خَمْسَ صَلَوَاتٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ، فَإِنْ هُمْ أَطَاعُوهُ لِذَلِكَ، فَأَعْلِمُهُمْ أَنَّ اللَّهَ افْتَرَضَ عَلَيْهِمْ صَدَقَةً فِي أَمْوَالِهِمْ، تَتَّخِذُ مِنْ أَعْيَانِهِمْ

^۱ - ابن رشد الحفید محمد بن أحمد بن محمد، بغیة المقتصد شرح بداية المجتهد ج ۵ ص ۵۴۷

^۲ القدوری، أبو الحسین أحمد بن محمد، التجريد، دراسة وتحقیق: مركز الدراسات الفقهية والاقتصادية، أ. د. محمد أحمد سراج - أ. د. علي جمعة محمد، الناشر: دار السلام - القاهرة، الطبعة: الثانية، ۱۴۲۷ هـ - ۲۰۰۶ م ج ۲ ص ۴۸۵

وَتُرَدُّ عَلَىٰ فُقَرَائِهِمْ) ^۱ «آن‌ها را به شهادت دادن بر این که - هیچ معبودی به غیر از الله شایسته پرستش حقیقی نیست و من رسول خدا هستم - دعوت کن، اگر از آن اطاعت کردند، به آن‌ها یاد بده که خداوند پنج نماز را در هر شبانه روز بر آن‌ها فرض کرده، اگر از آن اطاعت کردند، به آن‌ها یاد بده که خداوند زکات را در مال‌هایشان فرض گردانده که از ثروتمندان شان گرفته و به فقیرانشان پس داده می‌شود».

این حدیث نیز صراحت کامل بر عدم وجوب نماز وتر دارد، زیرا اگر وتر واجب می‌بود، برای حصر فایده مرتب نمی‌شد، وقتی واجبات را در پنج حصر نمود، دلالت بر عدم وجب ما سوی آن می‌کند. امام نووی در مجموع می‌نگارد: وهذا من أحسن الأدلة لأن بعث معاذ رضی الله عنه إلى الیمن کان قبل وفاة النبی صلی الله علیه وسلم بقلیل جدا این یکی از بهترین شواهد است زیرا فرستادن معاذ رضی الله عنه به یمن بسیار اندک قبل از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است.^۲

در پاسخ احناف گفته‌اند: این حدیث صراحت به وجوب نمازهای پنجگانه دارد، و آنها تخصیص به ذکر جهت تأکید نموده است، که مبنای وجوب آنها بر دوام و تکرار است، ولی بجز آنها به سبب عارضه است مانند نماز جنازه نذر،^۳

دلیل سوم: حدیث عبد الله بن مُحَيْرِيزٍ

از ابن محیریز روایت است که: مردی از بنی کنانه، بنام «مخدجی»، در شام از مردی بنام ابومحمد شنید که می‌گفت: «أَنَّ الْوِتْرَ وَاجِبٌ، فَرَأَى الْمُخَدَّجِيَّ إِلَىٰ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ، فَذَكَرَ ذَلِكَ لَهُ، فَقَالَ: عِبَادَةُ: كَذَّبَ أَبُو مُحَمَّدٍ، سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «خَمْسُ صَلَوَاتٍ كَتَبَهُنَّ اللَّهُ عَلَى الْعِبَادِ، مَنْ أَتَى

^۱ بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری ج ۲ ص ۱۰۴

^۲ النووی، محیی الدین بن شرف، المجموع شرح المذهب، ج ۴ ص ۲۰

^۳ المسبوك على منحة السلوك في شرح تحفة الملوك ج ۲ ص ۲۷۱

بِهِنَّ لَمْ يُصَيِّعْ مِنْ حَقِّهِنَّ شَيْئًا اسْتِحْفَافًا بِحَقِّهِنَّ، كَانَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدٌ أَنْ يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ، وَمَنْ لَمْ يَأْتِ بِهِنَّ، جَاءَ
وَلَيْسَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدٌ إِنْ شَاءَ عَذْبُهُ، وَإِنْ شَاءَ، أَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ»^۱

نماز «وتر» واجب است، مخدجی گفت: که به نزد «عباده بن الصامت» رفتم و آن را به وی خبر دادم، «عباده» گفت: ابومحمد دروغ گفته است، زیرا من از پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - شنیده ام که می فرمود: «خداوند (در شبانه روز) پنج بار نماز خواندن را، بر بندگان خود واجب و فرض کرده است، هر کس آنها را بجای آورد و از روی ناچیز شمردن آنها و عدم توجه بدانها، چیزی از آنها را تباه نسازد، او با خداوند پیمان بسته است که او را به بهشت ببرد. و هر کس آنها را بجای نیاورد، او با خداوند پیمانی نبسته است. ممکن است او را بر ترک آنها عذاب دهد و اگر بخواند آن بخشوده داخل جنت نماید.

و این حدیث با منطوق آن دلالت بر وجود نمازهای خمس می کند، و اینکه به جز آنها دیگر واجب نیست، اگر بغیر آنها واجب می بود، برای حصر فایده نبود.

دلیل چهارم: حدیث حضرت علی رضی الله عنه

وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: لَيْسَ الْوُتْرُ بِحَتْمٍ كَهَيْئَةِ الْمَكْتُوبَةِ وَلَكِنْ سُنَّةٌ سَنَّةٌ سَنَّهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.^۲ از علی رضی الله عنه روایت است که گفت: نماز وتر همانند نمازهای فرض نیست؛ لیکن یک سنتی است که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم آن را سنت قرار داده است. دلیل پنجم: از عباده بن صامت رضی الله عنه است

که در باره وتر پرسیده شد؟ گفت: أَمْرٌ حَسَنٌ جَمِيلٌ عَمِلَ بِهِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَالْمُسْلِمُونَ مِنْ بَعْدِهِ، وَلَيْسَ بِوَاجِبٍ.^۳

^۱ دارمی، عبد الله بن عبد الرحمن مسند الدارمی المعروف بـ (سنن الدارمی) تحقیق: حسین سلیم أسد الدارانی، دار

المغنی للنشر والتوزیع، المملكة العربية السعودية الطبعة: الأولى، ۱۴۱۲ هـ - ۲۰۰۰ م ج ۲ ص ۹۸۵

^۲ مسند الإمام أحمد بن حنبل ج ۲ ص ۱۵۵ و قال: شعيب الأرنؤوط: إسناده قوي: رجاله ثقات رجال الشيخين غير عاصم

بن ضمرة

^۳ النيسابوري، أبو بكر محمد بن إسحاق بن خزيمة ج ۲ ص ۱۳۷ و قال محقق: محمد مصطفى الأعظمي: إسناده حسن

کار نیکور وز زیبایی است که رسول الله صلی الله علیه وسلم و مسلمان بعد از آن انجام داده اند ،
و واجب نیست.

دلیل ششم: حدیث ابن عمر رضی الله عنه می گوید:

«كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي فِي السَّفَرِ عَلَى رَاحِلَتِهِ حَيْثُ تَوَجَّهَتْ بِهِ، يَوْمِي
إِيمَاءً، صَلَاةَ اللَّيْلِ إِلَّا الْقَرَأِضَ، وَيُوتِرُ عَلَى رَاحِلَتِهِ»^۱

پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - به هنگام سفر نماز شب را در حالی که بر شترش سوار بود می
خواند و ارکان آن را به صورت اشاره به جا می‌ورد و فرقی نداشت که شترش رو به قبله باشد یا
خیر و تنها نمازهای واجب را به حالت سواری نمی خواند، و نماز وترش را هم بر روی شترش
می خواند.

و این دلیل نیز بر عدم وجوب وتر است، اگر واجب می بود، فعل آن جواز نمی داشت حیوان.
این همان چیزی است که می تواند دلیل بر این گفته از آنچه نقل شده باشد، و احادیث دیگری
هم هست که خالی از ایراد نیست یا در سند یا دلالت آنها، به ویژه پس از نقل احادیث صحیحیه
نیازی به ذکر آنها نیست. چون برای توضیح مقصود کافی است.

استدلال عقلی بر موضوع

- ۱- زیادت وتر بر نمازهای خمس مکتوبه، نسخ آنها است، زیرا نمازهای پنجگانه قبل از
زیادت وظیفه شبانه روزی بود و بعد از زیادت برخی وظیفه شد ، پس وصف کلیت از
بین رفت نسخ کتاب و احادیث مشهور توسط حدیث احاد جواز ندارد.
- ۲- علامات سنت بودن در وتر ظاهر است ، زیرا نماز وتر بعد از عشا بامتاعت از خفتن ادا
می گردد ، نمازهای فرض تابع فرض دیگر نمی باشد، نه وقت مشخص دارد و نه اذان،

^۱ صحیح البخاری ج ۲ ص ۲۵

نه هم قامت، و نه هم جماعت در حالیکه فراض خمسسه هم، آذان، قامت، و هم جماعت دارند، هم چنان، خواندن وتر بر راحله جواز دارد.^۱

سید حوی در کتاب **الأساس في السنة وفقهها می نگارد:** واجب در اصطلاح عامه و اکثر علما همان فرض است و ابوحنیفه رحمه الله وقتی که الزام آن را به روایت احاد دید برای او تعبیر واجب را به کار برد آن غیر فریضه است. و از اینجا به دلیل این اصطلاح در بین اکثر مردم مشکلی پیش آمد که در ذهن مردم جا افتاد که واجب همان فرض است و برای آنها چیزی جز نمازهای پنج گانه نیست. برخی از آنان گمان کردند که ابوحنیفه ششمین نماز واجب را به نمازهای پنج گانه می افزاید و در نتیجه سردرگمی به وجود آمد. در حالیکه چنین نیست، افزایش نماز وجود ندارد.^۲

نظریه دوم: وتر واجب است

امام ابوحنیفه و برخی اصحاب آن، سعید بن مسیب، ابو عبیده، عبد الله ابن مسعود، ضحاک، مجاهد، از مالکی ها اصبغ، سحنون، از حنبله ابوبکر بر این نظریه قائل اند. و گفته اند اگر آن را ترک نمود تا بعد طلوع فجر گناهکار است، و قضای آن بر شخص لازم است و به روایات ذیل استدلال کرده اند.^۳

^۱ ابن قدامه، عبد الله بن أحمد بن محمد المغنی؛ ج ۱ ص ۱۶۱

^۲ الأساس في السنة وفقهها - العبادات في الإسلام ج ۳ ص ۱۲۱۳

^۳ الکاسانی، أبو بکر بن مسعود، بدائع الصنائع، ج ۱ ص ۲۷۰، ابن قدامه، عبد الله بن أحمد بن محمد المغنی؛ ج ۱ ص ۱۶۱، زرقانی، محمد بن عبد الباقي بن يوسف، شرح الزرقانی بر الموطأ، ج ۱ ص ۲۳۰

۱- روایت عَمْرُو بْنُ الْعَاصِ که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: **إِنَّ اللَّهَ زَادَكُمْ صَلَاةً، وَهِيَ الْوِثْرُ، فَصَلُّوْهَا فِيمَا بَيْنَ صَلَاةِ الْعِشَاءِ إِلَى صَلَاةِ الْفَجْرِ**^۱ خداوند بر شما نمازی افزوده است، و آن وتر است، آن بین نماز عشاء الی نماز صبح ادا نماید.

زیادت، در واجبات واقع می شود، نه در نوافل، زیرا نوافل حد و حصر ندارند.^۲

۲- حدیث **عَطَاءِ بْنِ يَسَارٍ** که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: **«مَنْ نَامَ عَنْ وَثْرِهِ، أَوْ نَسِيَهُ، فَلْيُصَلِّ إِذَا ذَكَرَهُ»**^۳ «هر کس خوابش برد و نماز وتر را نخوانده بود یا اینکه آن را فراموش کرده بود، هر وقت یادش آمد آن را بخواند»

این حدیث از دو جهت بر وجوب وتر دلالت دارد،

۱- امر به انجام آن است، و

۲- اثبات آن در ذمه با فوت شدن، و ایجاب قضاء آن، و این اصطلاح را رسول الله صلی الله علیه وسلم در نمازهای فرض بکار برده است، **«مَنْ نَامَ عَنْ وَثْرِهِ، أَوْ نَسِيَهُ، فَلْيُصَلِّ إِذَا ذَكَرَهُ»**^۴ هر کسی از نماز وتر خواب رفت یا آن را فراموش کرد هر وقت آن را به یاد آورد آن را بخواند. بناء مشخص است که این واجب است.^۵ هم چنان این حدیث از دو وجه دلالت بر وجوب نماز وتر می کند، امر به انجام آن، دوم اثبات آن در ذمه، با فوت شدن و لازم

^۱ مسند الإمام أحمد بن حنبل ج ۳۹ ص ۲۷۱ شعيب الأرنؤوط - إسناده صحيح، رجاله ثقات رجال الصحيح غير علي بن إسحاق - وهو المروزي - فقد روى له الترمذي، وهو ثقة

^۲ جصاص، أبو بكر الرازي الجصاص، شرح مختصر الطحاوي تحقيق: رسائل دكتوراه في الفقه، كلية الشريعة، جامعة أم القرى مكة المكرمة (لجنة من العلماء)، الناشر: دار البشائر الإسلامية - ودار السراج الطبعة: الأولى، ۱۴۳۱ هـ - ۲۰۱۰ م ج ۱ ص ۷۱۶

^۳ سجستانی، أبو داود سليمان، سنن أبي داود، المحقق: محمد محيي الدين عبد الحميد، المكتبة العصرية، صيدا- بيروت سنن أبي داود، ج ۲ ص ۵۷۰ قال شعيب الأرنؤوط إسناده صحيح

^۴ سجستانی، أبو داود سليمان، سنن أبي داود، ج ۲ ص ۶۵ [حكم الألباني]: صحيح

^۵ جصاص، أبو بكر الرازي الجصاص، شرح مختصر الطحاوي ج ۱ ص ۷۱۶

نمودن قضاء آن^۱، مانند این فرموده رسو الله صلی الله علیه وسلم پیرامون فرایض مکتوبه است، [مَنْ نَامَ عَنْ صَلَاةٍ أَوْ نَسِيَهَا فَلْيَصَلِّهَا إِذَا ذَكَرَهَا]^۲ «هر کسی از نمازی خواب رفت یا آن را فراموش کرد هر وقت آن را به یاد آورد آن را بخواند»

۳- حضرت علی رضی الله عنه روایت می کند، (إِنَّ اللَّهَ وَتَرِيحُ الْوُثْرِ، فَأُوْتِرُوا، يَا أَهْلَ

الْقُرْآن)^۳. هر آئینه خداوند وتر (یکتا) است و وتر را دوست می دارد، پس ای اهل قرآن، وتر را بگزارید.

جمله فَأُوْتِرُوا، صیغه امر است، و امر برای وجوب به کار می رود،^۴

جمهور در پاسخ گفته اند: حدیث دیگر حضرت علی کرم الله وجهه در معارض آن قرار دارد، که می فرماید: وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: لَيْسَ الْوُثْرُ بِحَثْمٍ كَهَيْئَةِ الْمَكْتُوبَةِ وَلَكِنْ سُنَّةٌ سَنَّهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.^۵ از علی رضی الله عنه روایت است که گفت: نماز وتر همانند نمازهای فرض نیست؛ لیکن یک سنتی است که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم آن را سنت قرار داده است.

^۱ جصاص، أبو بكر الرازي الجصاص شرح مختصر الطحاوي، ج ۱ ص ۷۱۸

^۲ موصلی، الإمام الحافظ أحمد بن علي، مسند أبي يعلى الموصلي، ومعه: رحمت الملاء الأعلى بتخريج مسند أبي يعلى، تخريج وتعليق: سعيد بن محمد السناري، الناشر: دار الحديث - القاهرة، الطبعة: الأولى، ۱۴۳۴ هـ - ۲۰۱۳ م، مسند أبي يعلى ج ۵ ص ۴۰۹ [حکم حسین سلیم أسد]: إسناد صحیح

^۳ الإمام أحمد بن حنبل، مسند الإمام أحمد بن حنبل ج ۲ ص ۲۳۳ حکم حدیث: صحیح

^۴ عینی، بدرالدين، عمدة القاري شرح صحيح البخاري ج ۷ ص ۱۳

^۵ مسند الإمام أحمد بن حنبل ج ۲ ص ۱۵۵ و قال: شعيب الأرئوط: إسناد قوي: رجاله ثقات رجال الشيخين غير عاصم

بن ضمرة

٤- عَنْ أَبِي أَيُّوبَ النَّصَارِيِّ قَالَ: (الْوَتْرُ حَقٌّ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ، فَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يُوتِرَ بِخَمْسٍ رَكَعَاتٍ فَلْيَفْعَلْ، وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يُوتِرَ بِثَلَاثٍ فَلْيَفْعَلْ، وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يُوتِرَ بِوَاحِدَةٍ فَلْيَفْعَلْ، وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ إِلَّا أَنْ يُومِيَ إِيمَاءً فَلْيَفْعَلْ)

از ابو ایوب انصاری رضی الله عنه روایت است که فرمود: وتر بر هر مسلمان واجب است، پس کسکه دوست دارد، پنج رکعت نماز و تر ادا نماید انجام دهد، و کسیکه دوست دارد سه رکعت ادا نماید باید ادا نماید، و کسیکه بخوهد یک رکعت ادا نماید، پس باید که بخواند، و کسیکه نتواند جز به اشاره باید به اشاره بخواند.

دلالت حدیث بر وجوب

١- لفظ: (حق) در الفاظ که افاده وجوب را می کند، تأکید بیشتر از این لفظ وجود ندارد،

٢- هم چنان گفت: (وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ إِلَّا أَنْ يُومِيَ إِيمَاءً فَلْيَفْعَلْ)، امر به فعل است که افاده

وجوب می کند، و هم چنان در نوافل تأکید به اشاره خواندن نشده.^٢

جمهور در پاسخ به استدال این حدیث نگاشته اند:

- در وصل و وقف آن اختلاف است، صحت وقف بر ابی ایوب است، طوریکه شوکانی می نگارد، وَأَمَّا حَدِيثُ أَبِي أَيُّوبَ فَأَخْرَجَهُ أَيْضًا ابْنُ حِبَّانَ وَالِدَارَقُطْنِيُّ وَالْحَاكِمُ وَلَهُ الْقَاطِ. وَصَحَّحَ أَبُو حَاتِمٍ وَالذُّهَلِيُّ وَالِدَارَقُطْنِيُّ فِي الْعِلَلِ وَالْبَيْهَقِيُّ وَغَيْرُ وَاحِدٍ وَفَقَهُ. قَالَ الْحَافِظُ: وَهُوَ الصَّوَابُ^٣ بناء این حدیث نمی تواند معارض احادیث صحیح واقع شود.

- اگر صحت آن درست باشد، ولی دلالت آن بر وجوب وتر درست نیست، در برخی

روایات آن عدم وجوب ثابت می کند چنانچه سبل السلام به نقل ابن منذر بیان نموده

^١ سجستانی، أبو داود سلیمان، سنن ابی داود، ج ٢ ص ٦٢ (حکم الألبانی): صحیح

^٢ جصاص، أبو بكر الرازي الجصاص شرح مختصر الطحاوي، ج ١ ص ٧١٨

^٣ شوکانی، محمد بن علي بن محمد، نيل الأوطار ج ٣ ص ٣٨

است «الْوَتْرُ حَقٌّ وَكَيْسٌ بِوَأَجِبٍ»^۱ و ابن تیمیه می گوید: این دلالت صریح بر نفی وجوب است.^۲

• کسانی که به حدیث استدلال می کنند به همه حدیث عمل نمی کنند در احادیث آمده، یک رکعت و سه رکعت و پنج رکعت وارد شده است، پس قائل بر وجوب سه رکعت را واجب می دانند بر همه حدیث عمل نمی کنند.

• هم چنان لفظ حق به معنی وجوب نیست، زیرا هر حکم ثابت به حق است، پس داخل آن واجب و سنت است، و حمل آن بر وجوب دلیل می خواهد.

حدیث پنجم روایت حضرت ابو هریره، و بریده، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "مَنْ لَمْ يُوتِرْ، فَلَيْسَ مِنَّا"^۳ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: کسیکه وتر را نخواند از ما نیست. جصاص می نگارد: و مثل هذا القول لا يطلق إلا في ترك الواجبات^۴، مثل این سخن جز در واجبات استعمال نمی شود.

هم چنان لفظ لیس منا، دلالت بر وجود دارد، جمهور گفته است این حدیث ضعیف گفته و قابل استدلال نمی دانند.

حضرت علی رضی الله عنه می گوید: "ليس الوتر بحتم كصلاة المغرب، ولكن أوتروا يا أهل القرآن" نماز وتر مانند نماز مغرب حتمی نیست مگر وتر کنید ای اهل قرآن.

^۱ صنعانی، سبل السلام شرح بلوغ المرام ج ۳ ص ۳۴۲

^۲ تقي الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم، ابن تیمیه فی المنتقى (۵۲۸/۱)، ابن حجر، العسقلاني أحمد بن علي بن محمد بن أحمد، التلخيص الحبير في تخريج أحاديث الرافعي الكبير الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى ۱۴۱۹هـ. ۱۹۸۹م (۱۳/۲)

^۳ مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۱۵ ص ۴۴۷ قال: شعيب الأرنؤوط، حسن لغيره

^۴ جصاص، أبو بكر الرازي الجصاص شرح مختصر الطحاوي، ج ۱ ص ۷۱۸

این دلالت می کند که حضرت علی کرم الله وجهه بر وجوب آن قایل است، و وجوب آن مانند وجوب نماز های فرض نیست. وقتی کلمه نماز مغرب را ذکر میکند جهت تفکیک همین است که وجوب آن مانند نماز مغرب نیست.^۱

عبد الله ابن مسعود رضی الله عنه نیز می گوید: "الوتر واجب علی کل مسلم، والتکبیر قبل القنوت" وتر بر هر مسلمان واجب است، و تکبیر قبل از قنوت است. همین دیدگاه، از علقمه، مجاهد، محمد انصار مخدجی، نیز است.^۲

۵- عن خارِجَةَ بنِ حُذَافَةَ العَدَوِيِّ قَالَ: خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَاتَ يَوْمٍ إِلَى صَلَاةِ الصُّبْحِ فَقَالَ: "لَقَدْ أَمَدَّكُمْ اللَّهُ بِصَلَاةٍ هِيَ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ حُمْرِ النَّعَمِ". قُلْنَا: مَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: "الْوُتْرُ فِيمَا بَيْنَ الْعِشَاءِ إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ"^۳ از خارجه بن حذافه عدوی که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم روزی به نماز صبح آمد فرمود: بیشک خداوند جل جلاله شما را بر نمازی امداد نموده است، و آن بهتر است برای شما از شتر سرخ (گران قیمت) گفتیم، آن کدام است ای رسول خدا، فرمود، وتر بین نماز خفتن، الی طلوع فجر است.

۶- عَنْ عَمْرِو بْنِ شُعَيْبٍ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ جَدِّهِ ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ زَادَكُمْ صَلَاةً فَحَافِظُوا عَلَيْهَا وَهِيَ الْوُتْرُ»^۴ از عمر بن شعیب از پدرش از پدر کلانش روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:، خداوند عز وجل نمازی بر شما افزوده ، بر آن محافظت کنید و آن نماز وتر است

^۱ جصاص، أبو بكر الرازي الجصاص شرح مختصر الطحاوي، ج ۱ ص ۷۱۸

^۲ جصاص، أبو بكر الرازي الجصاص شرح مختصر الطحاوي، ج ۱ ص ۷۱۸

^۳ الإمام أحمد بن حنبل مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۳۹ ص ۴۴۴ حکم حدیث: صحیح لغیره

^۴ طیالسی، أبو داود الطیالسی سلیمان بن داود بن الجارود: مسند أبي داود الطيالسي، المحقق: الدكتور محمد بن عبد

المحسن التركي، الناشر: دار هجر - مصر، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۹ هـ - ۱۹۹۹ م ج ۴ ص ۲۱ (حکم الألباني)

(صحیح) ۱۷۷۲ صحیح وضعیف الجامع الصغیر وزيادته ي صحیح الجامع

این حدیث از دو وجه دلالت می کند

- زَادُكُمْ ، زیادت در واجبات استعمال می شود نه در نوافل، زیرا نوافل محدود و محصور نیست، تا بر آن زیادت و افزون گفته شود، واجبات مشخص و معین اند. زاد کم و زاد علیکم ، هر دو یکی مفهوم را افاده می کنند^۱
- فَحَافِظُوا عَلَيْهَا ، امر است که افاده وجوب را می کند.^۲

امام جصاص، می گوید: از امام ابوحنیفه نقل است که پرسیده شد، نمازهای فرض چنداست، گفت پنج ، سائل گفت، در باره وتر چه می گویی، گفت واجب است، سائل گفت این اشتباه است در محاسبه، سائل نمی دانست که فرق بین واجب و فرض کنند، گمان می کرد که واجب یعنی فرض است، در حالیکه نمازهای مکتوبه (فرض) جدا از واجب است، مانند نماز، عیدین، آنها واجب اند و هیچ کس نگفته است فرض اند، مانند غسل مرده، صدقه فطر ، سجدهای سهو ... استعمال لفظ واجب اقتضای الحاق وتر را به فرایض نمی کند، و روش اثبات واجبات متفاوت است ، برخی با قرآن ثابت شده اند، و برخی با سنت متواتر ثابت شده و برخی هم با اخبار احاد ثابت شده اند، که در آن جواز اجتهاد است،^۳

مطلب دوم: فرق بین فرض ، واجب ، سنت

جهت تبیین بین کلمات فرض ، واجب و سنت نیاز است که هر کدام جداگانه تشریح شود. در فقه تکلیف را خواست شارع برای انجام دادن یا انجام ندادن امری دانسته اند که برآوردن آن خواست، مستلزم سختی و مشقتی است. این خواست شارع به صورت حکم بیان می شود و خطابی است که متعلق آن افعال مکلفین است.^۴

^۱ مانند فرموده الله متعال: زدناهم عذابا، فوق العذاب، و قال ، فذوقوا فلن نزيدكم الا عذابا.

^۲ جصاص، أبو بكر الرازي الجصاص شرح مختصر الطحاوي، ج ۱ ص ۷۱۸

^۳ جصاص، أبو بكر الرازي الجصاص شرح مختصر الطحاوي، ج ۱ ص ۷۱۸

^۴ محمد تقی حکیم، الاصول العامة للفقهاء المقارن، ص ۵۴. ۲. فخرالدين الرازي المحصول، مؤسسة الرسالة، ج ۱، ص ۹۷.

علمای شافعیه،^۱ مالکیه^۲ و اکثر حنابله^۳، حکم تکلیفی را بر پنج نوع «وجوب»، «استحباب»، «حرمت»، «کراهت» و «اباحه»، تقسیم نموده اند؛ اما در این میان حنفی مذهب ان احکام تکلیفی را به هفت یا هشت^۴ نوع تقسیم نموده اند. آنان در کنار وجوب، قسم دیگری بنام «فرض» ذکر کرده اند و در کنار حرمت، «کراهت تحریمی» را نیز بر شمرده اند و بین آن و کراهت اصطلاحی «کراهت تنزیهی» فرق گذاشته اند و نیز «سنت مؤکده» و «سنت غیر مؤکده» را در بحث استحباب مطرح کرده اند. بر این اساس از دیدگاه جمهور فقیهان اهل سنت و همچنین شیعه، بین «فرض» و «وجوب» تفاوتی نیست و این دو در اصطلاح دارای یک بار معنایی بوده؛ اما از دیدگاه حنفی مذهب ان بار معنایی این دو کلمه متفاوت است. در این که تفاوت میان این دو واژگان از دیدگاه احناف چیست اقوالی گفته شده که عبارتند از:

فعلی که طلب الزامی آن با دلیل قطعی ثابت شود «فرض» نامیده می شود و فعلی که طلب الزامی آن به دلیل ظنی معتبر ثابت گردد «واجب» محسوب می شود.^۵

مطابق این تعریف «فرض» مترادف با ضروری دین و «واجب» مترادف با غیر ضروری دین است.

^۱ عبد الکریم بن علی بن محمد النملة، المَهْدَبُ فِي عِلْمِ أُصُولِ الْفِقْهِ الْمُقَارَنِ، مكتبة الرشد - الرياض، ج ۱، ص ۱۴۲

^۲ حمدی عبدالمنعم شبلی، دلیل السالك للمصطلحات و الأسماء في فقه الإمام مالك، مكتبة ابن سينا للنشر والتوزيع و التصدير، ص ۱۲.

^۳ ابن رشد، محمد بن أحمد بن محمد، الضروري في أصول الفقه أو مختصر المستصفي، دار الغرب الإسلامي، بيروت - لبنان، ج ۱، ص ۴۴

^۴ محمد تقی الحکیم، الاصول العامة للفقهاء المقارن، ص ۴۱

^۵ فخر الدین الرازی، المحصول، ج ۱، ص ۹۷

آن چه با قرآن ثابت شده باشد فرض است و آن چه با حدیث و اجماع و عقل ثابت شده «واجب» نام دارد. ^۱ بعضی نیز گفته اند: طلب الزامی اگر مؤکد باشد و اهمیّت فراوانی داشته باشد نام آن فرض است و گرنه به آن واجب می گویند. ^۲

فرض در واجباتی است که وجوب آن با حکم شارع است ولی «واجب» اعمّ از آن است و به واجباتی نظیر شکر منعم که وجوبش از طریق عقل به اثبات رسیده نیز اطلاق می شود. ^۳

واجب یا فرض در اصطلاح شرعی جمهور، آن عملی است که شارع انجام آن را به صورت الزامی طلب کرده است به نحوی که تارک آن، مورد سرزنش قرار می گیرد و این سرزنش هم همراه با عقاب و مجازات است و فاعل آن مورد ستایش و تمجید قرار می گیرد و این ستایش و مدح همراه با ثواب است ^۴

حتمی یا الزامی بودن انجام فعل، یا از صیغهی طلب معلوم می شود، مانند صیغهی امر مجرد که بر وجوب دلالت دارد و یا این که از مجازات در نظر گرفته شده برای ترک فعل معلوم و مستفاد می گردد؛ پس اقامه‌ی نماز، نیکی به والدین، وفای به عهد و پیمان و امثال این‌ها، همه از افعال واجبی هستند که شارع مکلف را ملزم به انجام آن‌ها کرده و برای ترک آن‌ها عقاب و مجازات قرار داده است.

جمهور علما واجب را همان فرض می دانند و این دو از نظر آنان باهم برابر هستند و از حیث حکم و معنا باهم اختلافی ندارند و هر دو بر چیزی اطلاق می شوند که انجام آن الزامی است و ترک آن

^۱ علی جمعة محمد عبد الوهاب، المدخل إلى دراسة المذاهب الفقهية، دار السلام - القاهرة، ج ۱، ص ۹۲.:

^۲ علی مشکینی، اصطلاحات الاصول، نشر الهادی، ص ۱۲۱. ۱۰

^۳ طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۹۶.

^۴ ابن حزم، أبو محمد علي بن أحمد بن سعيد، الإحكام في أصول الأحكام، تعليق: الشيخ أحمد محمد شاكر، قدم له: الأستاذ الدكتور إحسان عباس، دار الآفاق الجديدة، بيروت ۳ / ۳۲۱ / ابن عاشور، محمد الطاهر حاشية التوضيح والتصحيح لمشكلات كتاب التنقيح على شرح تنقيح الفصول في الأصول، مطبعة النهضة - تونس، الطبعة: الأولى، ۱۳۴۱

عقاب و مجازات به دنبال دارد^۱ اما احناف از جهت دلیلی که لزوم انجام فعل با آن ثابت شده است، میان آن دو فرق می‌گذارند و براساس سخن آنان، اگر دلیل، ظنی باشد، مانند خبر آحادی که وجوب قربانی کردن را ثابت می‌کند، انجام فعل، واجب است، اما اگر دلیل، قطعی باشد، مانند نصوص قرآن در مورد لزوم به جای آوردن نماز بر مکلف، انجام فعل، فرض است. بنابر آنچه گفتیم، احناف به دلیل لزوم انجام فعل نگاه می‌کنند و بنابراین نگاه خود، قایل به فرض و واجب شده‌اند، اما جمهور به لازم بودن انجام فعل بر مکلف نظر می‌کنند و توجهی به قطعی یا ظنی بودن دلیل آن ندارند و بنابراین نگاه خود، فرقی میان واجب و فرض نگذاشته و آن دو را دو اسم برای یک مسأله قرار داده‌اند.

این فرق، در دیدگاه احناف تأثیر زیادی داشته است، چون درجه‌ی لزوم در واجب، کمتر از درجه‌ی لزوم در فرض است و به همین علت، سزا و عقاب ترک «واجب» کمتر از عقاب و سزای ترک «فرض» است، همانگونه که منکر فرض کافر می‌شود، ولی انکار کننده‌ی واجب کافر نمی‌شود.

به نظر می‌رسد که این اختلاف لفظی و غیر حقیقی است، زیرا احناف با جمهور اتفاق نظر دارند که انجام هر دو عمل فرض و واجب به صورت الزامی و حتمی طلب شده و تارک آن‌ها قابل سرزنش و مجازات است و نیز جمهور با احناف توافق نظر دارند که اموری که انجام آن به صورت حتمی و الزامی طلب شده است، گاهی دلیل آن قطعی و زمانی دیگر ظنی است^۲ و کسی که منکر دلیل قطعی شود، کافر می‌گردد. اما با این وجود، جمهور فرض و واجب را مساوی می‌دانند، زیرا انجام هر یک از آن دو بر مکلف لازم است و مکلف به خاطر ترک هر یک از آن دو قابل سرزنش

^۱ آل تیمیه، (مجد الدین أبو البرکات عبد السلام بن تیمیه (ت ۶۵۲ هـ)، وأضاف إليها الأب،: شهاب الدین عبد الحلیم بن تیمیه (ت ۶۸۲ هـ)، ثم أكملها الابن الحفید: شیخ الإسلام نقی الدین أبو العباس أحمد بن تیمیه (۷۲۸ هـ)) المسودة في أصول الفقه جمع: أحمد بن محمد بن أحمد بن عبد الغني الحراني الدمشقي (ت ۷۴۵ هـ) تحقيق: محمد محيي الدين عبد الحميد، مطبعة المدني (وصورته دار الكتاب العربي)، ص ۵۰ /

^۲ ابن رشد، محمد بن أحمد بن محمد، الضروري في أصول الفقه أو مختصر المستصفي، دار الغرب الإسلامي، بيروت -

و مجازات است و برای یکی بودن آن دو هم، همین مقدار تشابه کفایت می کند و دیگر، نگاه به دلیل و قدرت الزام و میزان مجازات و کافر شدن منکر یکی از آن دو، اموری خارج از ماهیت و ذات فعلی هستند که انجام آن بر مکلف لازم شده و واجب نامیده شده است و به علاوه همه اتفاق نظر دارند که این، مقتضای خطاب شارع است، خطابی که مقتضی طلب انجام فعل به صورت حتمی و الزامی است. پس در این صورت، اختلاف لفظی و راجع به دلیل تفصیلی است و صرفاً ملاک و معیاری فقهی است و نه خلافتی بین اصولیان به حساب می آید و نه اختلافی حقیقی میان فقها.

خلاصه؛ پیرامون بحث فرق واجب و فرض بین فقهاء دو دیدگاه وجود دارد، جمهور فرقی اصطلاحی بین واجب و فرض نمی گذارند ولی احناف بین آن تفاوت قائل اند^۱

^۱ محمد تقی حکیم، الاصول العامة للفقهاء المقارن، ص ۵۴. ۲. علی بن محمد الآمدي، الإحكام في أصول الأحكام، ج ۱، ص ۱۴۰. زرکشی می نگارد: «فلا فرق بين الفرض والواجب عند أصحابنا إذ الواجب في الشرع على ما ذكرناه عبارة عن خطاب الشارع بما ينتهض تركه سببا للذم شرعا في حالة ما وهذا المعنى بعينه متحقق في الفرض الشرعي»؛ بدر الدين محمد بن بهادر بن عبد الله الزركشي (متوفى: ۷۹۴هـ)، البحر المحيط في أصول الفقه، الناشر دار الكتب العلمية، سنة النشر ۱۴۲۱هـ - ۲۰۰۰م، مكان النشر لبنان / بيروت، ج ۱، ص ۱۴۴. هم چنان می نگارد: «وَلَا فَرْقَ عِنْدَنَا بَيْنَ الْفَرْضِ وَالْوَاجِبِ شَرْعًا وَإِنْ كَانَا مُخْتَلِفَيْنِ فِي اللَّغَةِ»، بدر الدين محمد بن بهادر بن عبد الله الزركشي، البحر المحيط في أصول الفقه، الناشر دار الكتب العلمية، سنة النشر ۱۴۲۱هـ - ۲۰۰۰م، مكان النشر لبنان / بيروت، ج ۱، ص ۱۴۴. ابن قدامه نیز می نگارد: «وَوَرَاءَ ذَلِكَ مَذْهَبَانِ أَحَدُهُمَا عَنِ الْحَنْفِيَّةِ أَنَّ الْفَرْضَ مَا ثَبَتَ بِدَلِيلٍ قَطْعِيٍّ كَالْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ الْمُتَوَاتِرَةِ... وَالْوَاجِبُ مَا ثَبَتَ بِدَلِيلٍ ظَنِّيٍّ لِأَنَّهُ سَاقِطٌ عَلَيْنَا وَلَا نُسَمِّيهِ بِالْفَرْضِ»؛ ابن قدامة المقدسي، عبد الله بن أحمد، روضة الناظر وجنة المناظر في أصول الفقه على مذهب الإمام أحمد بن حنبل، مؤسسة الريان للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة: الثانية، ۱۴۲۳هـ ج ۱، ص ۱۰۳. ابن رشد می نگارد: «والفرض هو الواجب على إحدى الروايتين؛ لاستواء حدهما، وهو قول الشافعي»؛ محمد بن أحمد بن محمد بن أحمد بن رشد القرطبي الشهير بابن رشد الحفيد (المتوفى: ۵۹۵هـ)، الضروري في أصول الفقه أو مختصر المستصفي، دار الغرب الإسلامي، بيروت - لبنان، ج ۱، ص ۴۴. محمد بن نمله می نگارد: «وأصحاب أبي حنيفة يخصصون الأول باسم الفرض والثاني باسم الواجب، ولا مشاحة في الأسماء إذا فهمت المعاني». ۴. عبد الكريم بن علي بن محمد النملة، الْمُهَدَّبُ فِي عِلْمِ أُصُولِ الْفِقْهِ الْمُقَارِنِ، مكتبة الرشد - الرياض، ج ۱، ص ۱۴۲. هم

هم چنان در تعريف اصطلاحى سنت يا حديث علماء نظريات متعدد ارائه کرده اند برخى تعريف را بسط داده اوصاف خلقى و خلقى را نيز در تعريف افزون کرده اند و برخى تنها به اقوال، و افعال و تقرير اکتفاء کرده اند که در ذيل آن را تذکر مى دهيم.

چنان گفته اند، «أما عند الحنفية، فإن أقسام الحكم التكليفي عندهم سبعة، وهي: «الفرض»، و «الإيجاب»، و «الكراهة التحريمية»، و «الحرام» و «الكراهة التنزيهية»، و «الندب»، و «الإباحة»». ٥. محمد تقى الحكيم، الاصول العامة للفقهاء المقارن، ص ٤١: «أما الاحناف فقد قسموها إلى ثمانية أقسام هي: الفرض، الواجب، الحرمة، السنة المؤكدة، السنة غير المؤكدة، كراهة التحريم، الكراهة التنزيهية، الاباحة». ٦. فخر الدين الرازي (متوفى: ٦٠٦)، المحصول، مؤسسة الرسالة، ج ١، ص ٩٧: «وأما الاسم فاعلم أنه لا فرق عندنا بين الواجب والفرض والحنفية خصصوا اسم الفرض بما عرف وجوبه بدليل قاطع والواجب بما عرف وجوبه بدليل مظنون». حمدى عبدالمنعم شبلى، دليل السالك للمصطلحات و الأسماء في فقه الإمام مالك، مكتبة ابن سينا للنشر والتوزيع و التصدير، ص ١٢. رفيق العجم، مصطلحات اصول الفقه عند المسلمين، مكتبة لبنان ناشرون، ج ٢، ص ١٠٧٤؛ على جمعة محمد عبد الوهاب، المدخل إلى دراسة المذاهب الفقهية، دار السلام - القاهرة، ج ١، ص ٩٢: «والحنفية يفرقون بين أمر ثابت بالقرآن إذا كانت الدلالة قطعية، وأمر ثابت بالسنة الظنية، والثابت بالقرآن من الأوامر فرض، والثابت بالسنة الظنية من الأوامر واجب، وكذلك المنهي عنه في القرآن حرام، إذا لم يكن ثمة ظن في الدلالة، والثابت بالسنة الظنية مكروه كراهة تحريمية مهما تكن الدلالة، وذلك لتأخر رتبة السنة الظنية عن القرآن الكريم من حيث الثبوت من جهة، والاستدلال بها على الأحكام من جهة أخرى». ، على مشكينى، اصطلاحات الاصول، نشر الهادى، ص ١٢١.

سنت در اصطلاح عبارت است از آنچه به پیامبر اکرم نسبت داده شود^۱ از قول، فعل، تقریر^۲ وصف؛^۳ و صفاتِ خَلْقِي و خُلُقِي^۴ حرکات و سکونات آن حضرت در خواب و بیداری^۵.
به سیره، فضائل و ویژگی‌های پیامبر اکرم در پیش از بعثت نیز حدیث اطلاق شده است^۶.
عده‌ای حدیث را شامل قول، فعل و تقریر صحابه و تابعین دانسته اند^۷ نورالدین عتر، حتی صفات خَلْقِي و خُلُقِي صحابه و تابعان را نیز در تعریف حدیث گنجانده است.^۸ و می گوید: «فالتعريف المختار للحديث هو: "ما أضيف إلى النبي صلى الله عليه وسلم من قول أو فعل أو تقرير أو وصف خَلْقِيٍّ أو خُلُقِيٍّ أو أضيف إلى الصحابي أو التابعي»^۹

^۱ ابن حجر العسقلاني، أحمد بن علي بن محمد، نزهة النظر في توضيح نخبة الفكر في مصطلح أهل الأثر، تحقيق و تعليق، نور الدين عتر، مطبعة الصباح، دمشق - سوريا، الطبعة الثالثة، ۱۴۲۱ هـ ص ۱۱۴

^۲ ابن تيميه، أحمد بن عبد الحلیم، علم الحديث، بيروت ۱۴۰۹ هـ ش. ج ۱، ص ۵، محمد بن عبدالرحمان سخاوی، فتح المغیث بشرح الفیه الحديث للعراقی، تهران: چاپ علی حسین علی، قاهره ۱۴۱۵ هـ ج ۱، ص ۲۱،

^۳ العثيمين، محمد بن صالح بن محمد، مصطلح الحديث، مكتبة العلم، القاهرة، الطبعة الأولى، ۱۴۱۵ هـ ص ۵

^۴ عتر، نور الدين، منهج النقد في علوم الحديث، دار الفكر، دمشق - سورية، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۱ هـ ص ۲۶، العثيمين، محمد بن صالح بن محمد، مصطلح الحديث، ص ۳۰ و محمد بن عبدالرحمان سخاوی، فتح المغیث بشرح الفیه الحديث للعراقی، ج ۱، ص ۲۱،

^۵ محمد بن عبدالرحمان سخاوی، فتح المغیث بشرح الفیه الحديث للعراقی، ج ۱، ص ۲۱،

^۶ ابن تيميه، أحمد بن عبد الحلیم بن عبد السلام، علم الحديث، دار الكتب العلمية ۱۴۰۹ ج ۱، ص ۷-۸.

^۷ عبدالرحمان بن ابی بکر سیوطی، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، ج ۱، ص ۲۳، انصاری، زکریا بن محمد فتح الباقي بشرح الفیه العراقی، المحقق: عبد اللطيف هميم - ماهر الفحل، دار الكتب العلمية، الطبعة: الطبعة الأولى، ۱۴۲۲ هـ / ۲۰۰۲ م ج ۱، ص ۴۱،

^۸ عتر، نور الدين، منهج النقد في علوم الحديث، ص ۲۶

^۹ عتر، نور الدين، منهج النقد في علوم الحديث، ص ۲۶، العثيمين، محمد بن صالح بن محمد، مصطلح الحديث، ص ۳۰

تعریف منتخب حدیث این است: «آنچه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت شده از حیث گفتار، فعل، تقریر، وصف خلقی و خلقی، یا بر صحابه یا تابعین نسبت شده باشد.

مطلب سوم: حکم اداء نماز وتر

ادای وتر در رمضان با جماعت افضل است، زیرا حضرت عمر رضی الله عنه چنین کردند، در نهایت آمده است که علما ما بهتر میدانند که ادای وتر در خانه شود زیرا همه صحابه چنین نکردند و در ضمن حضرت ابی بن کعب امامت در نماز وتر نمی کرد، وَأَنَّ الْجَمَاعَةَ تُنَدَّبُ فِي الْوُتْرِ عَقِبَ التَّرَاوِيحِ جَمَاعَةً، جماعت وتر بعد از تراویح مستحب است.

الف حکم ادای نماز وتر در سفر و حضر

امام شافعی رحمه الله علیه نماز وتر را بر رسول الله فرض میدانند، الحلیمی و عز بن عبد السلام و غزالی از شوافعی و هم چنان مالکی ها؛ نماز وتر را در حضر بر رسول الله صلی الله علیه وسلم فرض میدانند نه در سفر به باور این دانشمندان اسلام نماز وتر در حضر بر رسول الله فرض بود نه در سفر زیرا بخاری و مسلم از ابن عمر روایت کرده اند. که رسول الله صلی الله علیه وسلم نماز وتر را بر سواری ادا نمود در حالیکه ادای نماز های فرض بر سواری درست نیست. عینی دیدگاه علمای احناف را در عمده القاری چنین ذکر نموده است. احناف بر وجوب وتر بر رسول الله قائل اند اما ادای نماز پیامبر صلی الله علیه وسلم در سفر بر راحله قبل از فرضیت وتر بود.

ب: حکم ادای نماز وتر در راحله

همان طوریکه در حکم وتر اختلاف است در ادای آن سواره نیز اختلاف است به عباره دیگر منشاء اختلاف ادای وتر بر سواری بر گرفته شده از اصل حکم است، جمهور علما وتر را سنت میدانند و خواندن آن را نیز بر سواری جواز میدارند و به حدیث شریف ذیل که صحیح بخاری آنرا نقل کرده است استدلال مینمایند.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُوتِرُ عَلَى الْبَعِيرِ^۲

^۱ - مصطفی بن حامد بن حسن بن سمیط، مختصر تحفة المحتاج بشرح المنهاج، مركز النور للدراسات والأبحاث، الطبعة

الأولى، ۱۴۲۹ هـ - ۲۰۰۸ م ج ۱ ص ۲۵۰

^۲ البخاري، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله. صحيح البخاري. ج ۶ ص ۲۵

ترجمه: عبدالله بن عمر رضی الله عنهما می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم سوار بر شتر، نماز وتر را می خواند.

اما احناف وتر را وجوب میدانند و ادای آن را مانند نماز های فرض بر راحله درست نمیدانند ، و حدیث فوق را محمول بر قبل از وجوب میدانند از طرف دیگر نماز وتر بر رسول الله به اتفاق واجب است اما چگونه آنرا بر راحله جواز میدهند؟ بناء معلوم میشود که وجوب نماز وتر بعداً صورت گرفته است. اما محمد بن حسن میگوید: در باره نماز وتر احادیث بیشتر روایت شده که ما به اوثق آن عمل میکنیم ، بنا بر این نظر ما این است ، ادای وتر بر زمین انجام شود نه بر راحله ، زیرا فقهای اسلام سخت گیری زیادی در نماز وتر کرده اند به اندازه که در بجز در نماز های پنجگانه در چیزی دیگری سختی نکرده اند^۱

خالد بن عبد الله از مغیره از ابراهیم نخعی روایت کرده اند: این عمر نماز های نفل را بر راحله خویش به اشاره ادا می نمود و هم چنان سجده را نیز ادا میکردند و برای نماز های فرض و وتر از راحله خویش پائین میشدند. فضیل از غزوان از نافع از ابن عمر روایت کرده اند: گفت ابن عمر هر طرفیکه که رخ راحله اش بود آنطرف نمازها نفلی را ادا می نمود اما زمانیکه میخواست نماز وتر ادا نماید از راحله اش پائین می شد^۲

هم چنان در فتوی الهندیه می نگارد: **وَلَا يَجُوزُ أَنْ يُؤْتَرَ قَاعِدًا مَعَ الْقُدْرَةِ عَلَى الْقِيَامِ وَعَلَى رَاحِلَتِهِ مِنْ غَيْرِ عُدْرٍ**^۳ ادای نماز وتر نشسته با وجود قدرت بر قیام درست نیست و هم چنان بر راحله بدون عذر جواز ندارد.

^۱ الشيباني، محمد بن الحسن. الحجة على أهل المدينة. ص ۱۸۲

^۲ الشيباني، محمد بن الحسن. الحجة على أهل المدينة. ص ۱۸۲

^۳ الشيخ نظام و جماعة من علماء الهند، الفتاوى الهندية ج ۱ ص ۱۱۱

ج: حکم تعیین قرائت در نماز وتر

سنت است برای کسانی که سه رکعت وتر میخوانند اول سوره فاتحه را خوانده بعداً در رکعت اول (سبح اسم ربك الأعلى) و در دوم (قل يا أيها الكافرون) و در سوم (قل هو الله أحد) را بخوانند بنا بر حدیث ابی بن کعب که گفت رسول الله نماز وتر را با این سوره ها میخواند (سبح اسم ربك الأعلى و قل يا أيها الكافرون و قل هو الله أحد)، و نزد امام مالک و امام شافعی رحمهما الله مستحب است که بعد از سوره اخلاص معوذتین را بخواند، بنا بر روایت حضرت عائشه که میفرماید: پیامبر صلی الله علیه وسلم در رکعت اول سبح اسم ربك الأعلى، در دوم قل يا أيها الكافرون، در سوم قل هو الله أحد و المعوذتین را تلاوت می نمودند^۱

از امام ابوحنیفه بسند روایت شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم در رکعت اول سَبَّحَ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى و در دوم قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ و در سوم قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را تلاوت میکردند.^۲

مطلب چهارم: قضای نماز وتر

زمانی که در آن عبادت انجام می شود دو قسم است،

۱- آنکه انجام فعل در آن ادا باشد، و آن زمان محدد و معین از طرف شارع است.

۲- زمانی که در آن انجام فعل قضاء است، و آن در صورت است که فعل در وقت مشخص

آن انجام نشود. وتر را قبلاً بیان کردیم که وقت آن مشخص از طرف شارع است و انجام

آن در وقت مشخص اداء است

به اتفاق فقهاء قضاء وتر لازم است^۳ نظر به دلائل ذیل:

^۱ العلوان، سلیمان بن ناصر بن عبد الله، أحكام قیام اللیل. ص ۲۳۲

^۲ زین الدین بن ابراهیم بن محمد، المعروف بابن نجیم المصري، البحر الرائق شرح کنز الدقائق ج ۲ ص ۴۳۲

^۳ النووی، المجموع (۳/ ۴۳۸) ابن الهمام، فتح القدير (۱/ ۴۲۹) الدسوقي، الحاشية (۱/ ۴۵۹) والمرداوي، الإنصاف (۳/ ۶۸۰) والقرافي، الذخيرة (۲/ ۲۹۰)

۱. اگر نماز وتر سهواً یا عمداً ترک شود قضاء آن لازم زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: مَنْ نَامَ عَنْ وَثْرِهِ أَوْ نَسِيَهُ فَلْيُصَلِّهِ إِذَا أَصْبَحَ أَوْ ذَكَرَهُ^۱ «هر کس خوابش برد و نماز وتر را نخوانده بود یا اینکه آن را فراموش کرد، وقتی که بیدار شد یا یادش آمد آن را بخواند»
۲. بیهقی و حاکم بشرط شیخین و با روایت صحیح از ابوهریره روایت کرده‌اند که: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: إِذَا أَصْبَحَ أَحَدُكُمْ وَلَمْ يُؤْتِرْ فَلْيُؤْتِرْ^۲ «هرگاه یکی از شما تا هنگام صبح نماز وترش را نخوانده بود، آن را قضاء کند.
۳. نزد احناف نماز وتر واجب است، بناءً با ترک آن سهواً یا قصداً قضا آن لازم میشود، چنانچه در فتاوی هندی آمده است وَيَجِبُ الْقَضَاءُ بِتَرْكِهِ نَاسِيًا أَوْ عَامِدًا وَإِنْ طَالَتِ الْمُدَّةُ،^۳ اگر نماز وتر ترک شود سهواً یا قصداً قضاء آن واجب است و اگرچه مدت طولانی سپری شده باشد زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: مَنْ نَامَ عَنْ وَثْرِهِ أَوْ نَسِيَهُ فَلْيُصَلِّهِ إِذَا أَصْبَحَ أَوْ ذَكَرَهُ^۴ «هر کس خوابش برد و نماز وتر را نخوانده بود یا اینکه آن را فراموش کرده بود، هر وقت یادش آمد آن را بخواند».
۴. ایوب سختیانی میگوید از سعید بن جبیر رضی الله عنه در باره شخصی که نماز وتر او فوت شده پرسیدم؟ ایشان گفتند: (یوتر ليله اخرى) شبی دیگر وترش را ادا نماید.^۵

^۱ ذهبی، محمد بن أحمد بن عثمان، المذهب في اختصار السنن الكبير، تحقيق: دار المشكاة للبحث العلمي، بإشراف أبي تميم ياسر بن إبراهيم، الناشر: دار الوطن للنشر، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۲ هـ - ۲۰۰۱ م، السنن الكبير ج ۵ ص ۲۸۲ و صححه الحاكم على شرط الشيخين، ووافقه الذهبي، والألباني

^۲ المستدرک على الصحيحين ج ۱ ص ۴۴۶ هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ عَلَى شَرْطِ الشَّيْخَيْنِ، وَلَمْ يُخَرِّجَاهُ " و وافقه الذهبي

^۳ لجنة من العلماء، الفتاوى الهندية ج ۱ ص ۱۱۱

^۴ ذهبی، محمد بن أحمد بن عثمان السنن الكبير ج ۵ ص ۲۸۲ و صححه الحاكم على شرط الشيخين، ووافقه الذهبي، والألباني

^۵ الشيباني، محمد بن الحسن، الحجة على أهل المدينة ص ۱۹۵

۵. ابن مریم میگوید: نزد علی ابن ابی طالب بودم مردی آمد و از او در باره شخصی که به ادای وتر بیدار نشده و یافراموش کرده بود تا اینکه آفتاب بر آمد پرسید؟ ایشان فرمودند هر کسی خوابش برد و به ادای وتر بیدار نشد و یا فراموش کرده بود هر وقتی که یادش آمد وتر کند.

۶. لیس بن ابی سلیم گفت: از عطا ، طاوس ، مجاهد، حسن بصری و سعید بن جبیر شنیدم که میگفتند در باره مردی که وتر را فراموش کرده یا خوابش برده ، وترش را ادا نماید لوکه آفتاب طلوع کرده باشد^۱

۷. اگر کسی نماز عشأ را به فراموشی در حالت بی وضویی ادا کرد سپس برای خواندن سنتها و نماز وتر وضو گرفت، در این صورت طبق قول امام اعظم:، فقط فرض را با سنتها برگرداند، اعاده ی وتر لازم نیست. بر خلاف نظر صاحبین که می گویند: اعاده ی وتر هم لازم است و احتیاط در قول صاحبین است^۲.

ولی سوال ایجاست که در صورت عدم قدرت انجام آن در وقت محدد آن قضاء لازم است یاخیر. علماء پیرامون قضاء وتر هفت نظریه ارائه کرده اند چنانچه در نیل الاوطار آمده است

۱- قضاء آن لازم است تا زمانیکه نماز صبح را ادا نکرده است، و این نظریه، ابن عباس و عطاء بن ابی رباح و مسروق والحسن البصری و ابراهیم النخعی و مکحول و قتاده و مالک والشافعی و أحمد. و إسحاق و ابی ایوب و ابی خيثمة، رحمهم الله عليهم است.

۲- قضاء آن را می توان تا قبل از طلوع آفتاب انجام داد، و این نظریه، نخعی رحمه الله. است

^۱ الشیبانی، محمد بن الحسن، الحجة على أهل المدينة ص ۱۹۵

^۲ الشیبانی، أبو عبد الله محمد بن الحسن، الأصل ، تحقيق: أبو الوفا الأفغاني، رئيس لجنة إحياء المعارف النعمانية بحيدر

آباد الدكن ، مطبعة مجلس دائرة المعارف (العثمانية)، الطبعة: الأولى، ۱۹۶۶ - ۱۹۷۳ م ج ۱ ص ۱۴۸

- ۳- تا ز زوال قضاء آن را می توان انجام داد، و این نظریه، از شعبی و عطاء و الحسن و طاوس و مجاهد و حماد بن ابی سلیمان است. هم چنان از ابن عمر نیز روایت شده است.^۱
- ۴- قضاء آن ، بعد صبح جواز ندارد، قضاء آن را روز بعد طلوع صبح تا نماز دیگر بجا آورد. و هم چنان نمی توان بعد از نماز دیگر قضاء را بجا آورد، و می تواند بعد از دیگر تا خفتن قضاء آورد، و بعد از خفتن قضاء آن جایز نیست، تا جمع بین وترین در یک شب نشود. این نظریه اوزاعی رحمه الله است.
- ۵- آن را شب دوم ، قضاء آورد، زیرا این نماز شب است نمی توان آنرا روز خواند این نظریه، عن سعید بن جبیر رضی الله عنه است.
- ۶- أنه إذا صلى الغداة أوتر حيث ذكره نهاراً، فإذا جاءت الليلة الأخرى ولم يكن أوتر لم يوتر لأنه إن أوتر في ليلة مرتين صار وتره شفعا، حكى ذلك عن الأوزاعي أيضا. اگر وتر روز یادش می آمد آنرا می خواند و اگر شب می آید، وتر نمی کرد، زیرا اگر وتر اداء می کرد، در یک شب دو وتر می شود که، شفع می شد.^۲
- ۷- فرق قائل شده اند بین اینکه وتر به سبب نسیان فراموش شده است یا ، به سبب خواب، یا هم قصدی، اگر به اثر نسیان و یا خواب بود، بعد از بیداری هر وقت بود می تواند آن را قضاء آورد، شب باشد یا روز، این نظریه ابن حزم است و به عموم روایت استدلال کرده است. «من نام عن صلاته أو نسيها فليصلها إذا ذكرها»^۳ و گفته است این عموم شامل

^۱ النووي، المجموع (۳/ ۴۳۸) ابن الهمام، فتح القدير (۱/ ۴۲۹) الدسوقي، الحاشية (۱/ ۴۵۹) والمرداوي، الإنصاف (۳/ ۶۸۰) والقرافي، الذخيرة (۲/ ۲۹۰)

^۲ النووي، المجموع (۳/ ۴۳۸) ابن الهمام، فتح القدير (۱/ ۴۲۹) الدسوقي، الحاشية (۱/ ۴۵۹) والمرداوي، الإنصاف (۳/ ۶۸۰) والقرافي، الذخيرة (۲/ ۲۹۰)

^۳ موصلی، الإمام الحافظ أحمد بن علی، مسند أبي يعلى الموصلي، ومعه: رحمت الملاء الأعلى بتخريج مسند أبي يعلى، تخريج وتعليق: سعید بن محمد السناري، الناشر: دار الحديث - القاهرة، الطبعة: الأولى، ۱۴۳۴ هـ - ۲۰۱۳ م ، مسند أبي يعلى ج ۵ ص ۴۰۹ [حکم حسین سلیم أسد]: إسناد صحیح

هر نماز می شود، ولی اگر ترک آن قصدی بود، تا اینکه فجر داخل شد، هیچگاهی دیگر نمی توان قضاء آنرا بجا آورد.^۱

احناف، قضاء آنرا واجب می دانند، در هدایه بعد از ذکر حدیث ثبوت وتر می نگارد: أمر وهو للوجوب ولهذا وجب القضاء بالإجماع، صیغه امر است، و امر برای وجوب است، به همین خاطر قضاء آن اجماعی است.^۲

جمهور قضاء آنرا مستحب می دانند، نه واجب به خاطر امام شافعی می گوید: وَإِنْ قَاتَهُ الْوَتْرُ حَتَّى يُصَلِّيَ الصُّبْحَ لَمْ يَقْضِ، اگر وتر فوت شد تا اینکه صبح را اداء نمود قضاء نیاروده است، ماوری می نگارد، مطلب امام شافعی رد بر ابوحنیفه است، که قضاء آنرا لازم می داند، یعنی بطریق واجب قضاء آنرا لازم نیست، ولی به طریق ندب و استحباب لازم است.^۳ برخی مالکی ها قضاء آنرا لازم نمی دانند.

^۱ شوکانی، محمد بن علی بن محمد، نیل الأوطار شرح منتقى الأخبار ج ۳ ص ۶۰

^۲ المرغینانی، علی بن ابی بکر بن عبد الجلیل، الهدایة فی شرح بدایة المبتدی، المحقق: طلال یوسف، الناشر: دار احیاء التراث العربی - بیروت - ج ۱ ص ۶۶

^۳ ماوردی، علی بن محمد بن محمد بن حبیب، الحاوی الکبیر فی فقه مذهب الإمام الشافعی، المحقق: الشیخ علی محمد معوض - الشیخ عادل أحمد عبد الموجود، الناشر: دار الکتب العلمیة، بیروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۹ هـ - ۱۹۹۹ م، ج ۲ ص ۲۸۷

مبحث دوم احکام قنوت

مطلب اول: مفهوم قنوت و اقسام آن

۱- قنوت در لغت

قبلاً گفتیم، از مصدر قنت یقنت به معنای به دست آوردن چیزی، خشوع، ذل، تعبد، دعا، نماز، عبادت، قیام، سکوت ذکر، دوام طاعت آمده قنوت در اصطلاح، نیز دعا در حالت قیام به کلمات مخصوص است

قنوت در وتر دو نوع است،

الف: قنوت در وتر، در ماه رمضان

پیرامون قنوت در ماه مبارک رمضان علماء اختلاف نظر دارند ولی نظر به دلائل ذیل آنرا می توان مستحب گفت:

۱- حدیث حسن بن علی رضی الله عنه، است که فرمود **عَلَّمَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَلِمَاتٍ أَقُولُهُنَّ فِي قُنُوتِ الْوُتْرِ**، پیامبر صلی الله علیه وسلم برای کلمات را تعلیم داد که در وتر من تعلیم داد

وجه استدلال: پیامبر صلی الله علیه وسلم بدون تعیین وثت برای حضرت حسن قنوت را آموزش داد، و تعلیم آن حد اقل دلالت بر استحباب می کند.^۱

۲- حدیث حضرت علی: **أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «كَانَ يَقُولُ فِي وَتْرِهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَبِمَعْفَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ، لَا أَحْصِي نِعَمَكَ، وَلَا ثَنَاءَ عَلَيْكَ، أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ»**^۲ خداوندا من از خشمت به خشنودی ات پناه می برم، و از مجازاتت به گذشتت، و از تو به تو پناه می آورم، نمی توانم ستایش تو را در شمار آورم، تو چنانی که خود ستایش خود را گفته ای).

^۱ مسند الإمام أحمد بن حنبل ج ص ص ۲۴۵ : شعيب الأرنؤوط می گوید: إسناد صحیح، رجاله کلهم ثقات

^۲ مسند الإمام أحمد بن حنبل ج ۲ ص ۴۲۶ : شعيب الأرنؤوط: إسناد قوي

۳- ابن عمر می گوید: پیامبر صلی الله علیه وسم در وتر قنوت می خواند، و آن عام در هر وتر است، و فعل آن دلالت بر استحباب می کند^۱

۴- از عمر بن خطاب، وعلی بی ابی طالب، و ابن مسعود و ابی بن کعب و البراء بن عازب روایت شده است که قنوت می خواندند،^۲

از این صحابه ثابت شده است که در نماز وتر قنوت بخوانند و فرقی هم معلوم نیست پس اجماع بوده و در اول ماه رمضان و آخر ماه رمضان عام است و عملشان بر مطلوبیت آن دلالت دارد.

ب: قنوت در وتر در غیر رمضان

علما در مورد حکم قنوت در نماز وتر غیر از ماه رمضان اختلاف کردند.

جواز قنوت در نماز وتر غیر از ماه رمضان.

همه موارد که در فوق درج گردید نشان دهنده قنوت پیامبر صلی الله علیه وسلم در غیر رمضان نیز است. که جهت جلوگیری از تطویل از ذکر دوباره آن خود داری می کنیم ولی برخی روایات نشان دهنده اختصاص وتر به اول رمضان و برخی هم مطلق ماه رمضان است، از نافع از ابن عمر رضی الله عنه روایت است که روایت است (أنه كان لا يقنت إلا في

النصف يعني من رمضان)^۳

ابن عمر جز در نصف رمضان قنوت نمی خواند.

^۱ ابن أبي عمر، الشرح الكبير (۴ / ۱۲۵)

^۲ (۱) أخرجه عبد الرزاق في المصنف (۳ / ۱۱۱)، وابن أبي شيبة في المصنف (۲ / ۳۱۴)، النيسابوري، أبو بكر محمد بن إسحاق بن خزيمة (۲ / ۱۵۶). (۲) أخرجه ابن أبي شيبة في المصنف (۲ / ۳۰۲)، والبيهقي في السنن (۳ / ۳۹). (۳) أخرجه ابن أبي شيبة في المصنف (۲ / ۳۰۲، ۳۰۷) وعبد الرزاق في المصنف (۳ / ۱۲۰، ۴ / ۲۶۰) والبخاري في رفع اليدين (۱۷۳)، والطبراني في الكبير (۹ / ۲۷۲، ۳۲۷) وصححه ابن حجر في الدراية (۱۹۳). (۴) أخرجه عبد الرزاق في المصنف (۳ / ۱۲۰، ۴ / ۲۶۰). (۵) أخرجه ابن أبي شيبة في المصنف (۲ / ۳۱۵)،

^۳ بن أبي شيبة المصنف ج ۴ ص ۴۲۳ محقق: أبو حبيب الشثري حديث را صحيح گفته است.

ابن شیبیه روایت دیگر نیز از حضرت علی و حسن بن علی، ابن سیرین، یحیی، قتاده و... نقل می کند که آنها صرف در رمضان دیگر قنوت نمی خواندند^۱

نقد و بررسی برخی این روایت ضعیف و برخی دیگر منقطع اند، ولی نظریه جمهوری علماء قنوت در همه سال است.

ج: حکم وتر به جماعت در غیر رمضان

نماز وتر فقط در رمضان پس از تراویح با جماعت خوانده می شود. در بقیه ی اوقات خواندن آن با جماعت مکروه است.^۲

^۱ بن أبي شيبة المصنف ج ٤ ص ٤٢٣ محقق: أبو حبيب الشثري حديث را صحيح گفته است.

^۲ علامه قاضي ثناءالله پاني پتي (ما لا يبد منه). ص ٤٩

مطلب دوم: چگونگی ادای قنوت

الف: وقت نماز وتر و محل قنوت

در مورد جایگاه نماز وتر در شب، علما اتفاق نظر دارند که بین نماز عشاء و طلوع فجر، وقت آن است و اصحاب متفق القول بوده اند که آخرین وقت آن، نماز صبح است. این نظر مالکیه و شافعی و احمد در روایتی است.^۱

علما اتفاق نظر دارند که قنوت فقط در آخرین رکعت وتر واقع می شود ولی در جایگاه در رکعت دوم چهار نظریه ارائه کرده اند.

نظریه اول: قنوت بعد از رکوع مستحب است، این یک نظریه نزد امام شافعی و روایتی از امام احمد است^۲ مزنی می گوید: نمی دانم شافعی جایگاه قنوت را در نماز وتر ذکر کرده باشد و مانند آن است که بعد از رکوع گفته است، چنانکه در نماز صبح در قنوت گفته است.^۳ و این یک قول از ابوبکر و عمر،^۴ عثمان علی، ابن مسعود، انس بن مالک، ابی بن کعب سعید بن جبیر و ایوب سختیانی حسن ابن شهاب است^۵

نظریه دوم: قنوت قبل از رکوع مستحب است و این قول امام مالک و یک روایت از احمد است^۶ و هم چنان روایت از از عمر، علی، ابن مسعود، ابن عباس، ابی موسی اشعری، براء بن

۱ ابن المنذر، الإجماع (۵۰) وابن عبد البر، الاستذکار (۵ / ۲۱۹، ۲۲۰)، والقرافي، الذخيرة (۲ / ۳۹۵)، والشافعي، الأم (۱ / ۱۴۳)، المرادوي علاء الدين أبو الحسن علي بن سليمان، الإنصاف في معرفة الراجح من الخلاف، تحقيق: محمد حامد الفقي، مطبعة السنة المحمدية، الطبعة: الأولى، ۱۳۷۴ هـ - ۱۹۵۵ م. (۴ / ۱۰۸)

۲ النووي، محيي الدين بن شرف، المجموع شرح المذهب، (۳ / ۴۴۷، ۴۷۱، ۴۸۰)

۳ محمد بن نصر، كتاب الوتر (۱۳۸)

۴ سجستاني، أبو داود سليمان، سنن أبي داود، أبو داود، المسائل (۵۹)

۵ عبد الرزاق، المصنف (۳ / ۱۱۰، ۱۲۰، ۴ / ۲۵۹، ۲۶۰)، وابن أبي شيبة، المصنف (۲ / ۳۰۲، ۳۰۵، ۳۱۶، ۳۱۸)

۶ القرافي، الذخيرة (۲ / ۲۳۱)

عازب، ابن عمر، انس بن مالک و عمر بن عبدالعزیز، حسن، ابن سیرین، ابراهیم نخعی، و اسحاق است^۱

نظریه سوم: قنوت بعد از رکوع مشروع نیست و این مذهب در نزد شوافع است^۲

نظریه چهارم: قنوت جز قبل از رکوع مشروع نیست، و این نظریه احناف است و یک نظریه نزد شوافع^۳

ب: حکم تکبیر در قنوت

به اتفاق فقهاء وقتی که قنوت قبل از رکوع باشد مشروع است، و در استخفاف آن اختلاف دارند، امام مالک احمد و شافعی گفته اند، که تکبیر مستحب نیست،^۴ این دانشمندان استدلال کرد هاند، که پیامبر صلی الله علیه وسلم افتتاح قنوت را با تکبیر نکرده است، اگر مستحب می بود پیامبر صلی الله علیه وسلم انجام می داد، دوم، آن تکبیر زائد در نماز است، نه به اصل ثابت است و نه به قیاس^۵ ولی احناف و مالکی ها گفته اند، تکبیر در افتتاح قنوت مستحب است و این نظریه سفیان ن ثوری نیز است.^۶

^۱ عبد الرزاق، المصنف (۳ / ۱۱۰، ۱۲۰)، وابن أبي شيبة، المصنف (۲ / ۳۰۲، ۳۰۵، ۳۱۳)

^۲ النووي، محيي الدين بن شرف، المجموع شرح المذهب، (۳ / ۴۳۷، ۴۷۱)، النووي، محيي الدين بن شرف، الأذکار (۱۱۶)

^۳ ابن الهمام، ابن همام، محمد بن عبد الواحد، فتح القدير على الهداية (۱ / ۴۲۸)، النووي، محيي الدين بن شرف، المجموع شرح المذهب، (۳ / ۴۷۱)

^۴ مالك، المدونة (۱ / ۱۰۲)، النووي، محيي الدين بن شرف، المجموع شرح المذهب، (۳ / ۴۷۱) المرادوي علاء الدين أبو الحسن علي بن سليمان، (۴ / ۱۲۶)

^۵ محمد بن نصر، كتاب الوتر (۱۳۸)

^۶ المرغيناني، الهداية (۱ / ۴۳۴)، والقرافي، الذخيرة (۲ / ۲۳۱) محمد بن نصر، الوتر (۱۳۸)

دلیل این دانشمندان می گویند که شاکردان پیامبر صلی الله علیه وسلم ، عمر، علی، ابن مسعود و البراء: قنوت را قبل از رکوع با «تکبیر» شروع می کردند.^۱ سفیان می گوید: این علماء در وتر سفارش می کردند که «تکبیر» بگویند و دستان را بلند کنید و سپس قنوت بخوانید.

ج: مقدار قنوت در قر

علما در قنوت اتفاق نظر دارند که دعای معین و مشخص نیست^۲

بنده هر چه بیشتر دعا کند، طولانی کند، تکرار کند، و جمله هایش را تغییر دهد، بندگی او بیشتر و فقر و خواری و نیازش آشکارتر می شود و به پروردگارش نزدیکتر می شود. پاداش او بیشتر است به همین دلیل در می یابیم که بسیاری از ادعیه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دارای عبارات مبسوطی است ، کسانی که امامت امت را به عهده دارند دستور به تخفیف در دعا و در نماز می داد و لی کسانی که برای خود دعا می کردند، هر قدری که می خواستند ، اختیار داشتند، بهتر در قنوت دعای تطوی است،

ولی علماء در مقدار دعای مستحب قنوت، اختلاف نظر دارند، مقدار مستحب را دعای عمر و حسن بن علی می اند، و این روایت از امام احمد نیز است^۳ و آنرا مقدار به اندازه سوره إذا السماء انفطرت إذا السماء انشقت والسماء ذات البروج دانسته اند،^۴

^۱ عبد الرزاق في المصنف (۳/ ۱۱۵)، وابن أبي شيبة في المصنف (۲/ ۳۰۷، ۳۱۵، ۳۱۶)

^۲ القرطبي، المفهم (۲/ ۳۰۲)

^۳ ابن الهمام، ابن همام، محمد بن عبد الواحد، فتح القدير على الهداية (۱/ ۴۳۰)، المرادوي علاء الدين أبو الحسن علي بن سليمان ، (۴/ ۱۲۷)

^۴ ابن المنذر، الأوسط (۵/ ۲۱۵)

مستحب است دعای حسن را در صورت امام بودن و دعای حسن و عمر را اگر تنها باشد، و یا محصورین باشد و به طولانی شدن راضی باشند. و این نظریه امام شافعی است.^۱ امام مالک^۲ و یک روایت از امام احمد دعای عمر رضی الله عنه نقل شده است، و برخی به اندازه ۱۰۰ آیه گفته اند^۳،

مطلب سوم: جهر و اخفای قنوت

الف: حکم جهر قنوت

علما در حکم بلند خواندن قنوت بر اساس سه نظر اختلاف کردند:

اول: تلفظ قنوت با صدای بلند مستحب نیست، این عقیده مذهب حنفی و مالکی^۴ و نظری است

بر اساس مذهب شافعی^۵ و نظر سعید بن المسیب و اوزاعی است.^۶

زیرا الله متعال می فرماید: {اذْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ}^۷

پروردگار خود را فروتنانه و پنهانی به کمک بخواهید او تجاوزکاران را دوست نمی دارد

در این آیه الله متعال دستور به کتمان دعا کرده است، و بدون قید عام، در همه دعاء است.^۸ و هم

چنان، عَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ: لَمَّا عَزَا رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - خَيَّرَ أَشْرَفَ

النَّاسِ عَلَى وَاِدٍ، فَرَفَعُوا أَصْوَاتَهُمْ بِالتَّكْبِيرِ: اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

^۱ النووي، محيي الدين بن شرف، المجموع شرح المذهب، (۳ / ۴۳۸)

^۲ العدوي، الشرح الكبير (۱ / ۳۹۸)، أبو داود، المسائل (۹۶)

^۳ ومحمد بن نصر في كتاب الوتر (۱۴۰)

^۴ المرغيناني، الهداية (۱ / ۴۳۸)، والعدوي، الشرح الكبير (۱ / ۳۹۸)

^۵ النووي، محيي الدين بن شرف، المجموع شرح المذهب، (۳ / ۴۴۲)

^۶ محمد بن نصر، قيام الليل (۱۵۰)، والوتر (۱۳۸، ۱۴۱)

^۷ [الأعراف: ۵۵]

^۸ البابرتي، العناية (۱ / ۴۳۸)، والعدوي، الشرح الكبير (۱ / ۳۹۸)

وسلم - : «اِذْبَعُوا عَلَيَّ أَنْفُسِكُمْ، إِنَّكُمْ لَا تَدْعُونَ أَصَمَّ وَلَا غَائِبًا، إِنَّكُمْ تَدْعُونَ سَمِيعًا قَرِيبًا وَهُوَ مَعَكُمْ» وَأَنَا خَلْفَ دَائِبَةِ رَسُولِ اللَّهِ - صلى الله عليه وسلم - ، فَسَمِعَنِي وَأَنَا أَقُولُ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، فَقَالَ لِي: «يَا عَبْدَ اللَّهِ بْنَ قَيْسٍ»، قُلْتُ: لَبَيْتِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: «أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى كَلِمَةٍ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ؟» قُلْتُ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَذَاكَ أَبِي وَأُمِّي. قَالَ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»^١.

ترجمه: ابوموسی اشعری - رضی الله عنه - می گوید: هنگامی که رسول الله - صلى الله عليه وسلم - به جنگ خیبر رفت، مردم به رودخانه ای رسیدند و با صدای بلند، شروع به تکبیر گفتن کردند: الله اکبر، الله اکبر، لا إله إلا الله. رسول خدا - صلى الله عليه وسلم - فرمود: «برخود، رحم کنید. شما کر و غائبی را صدا نمی زنید بلکه کسی را صدا می زنید که شنوا، نزدیک و با شما است».

حدیث سعد بن ابی وقاص النبی صلی الله علیه وسلم قال: «خیر الذکر الخفی»^٢ بهترین ذکر، ذکر پنهانی است.

دوم: جهر قنوت برای امام مستحب است

و این نظریه برخی احناف^٣ و نظریه در مذهب شافعی^٤ و روایتی از احمد است^٥.

^١، بخاری، ج ٤ ص ١٥٤١

^٢ أحمد في المسند (١/ ١٧٢، ١٨٠)، والطبراني في الدعاء (٨٨٣)، وابن أبي شيبة في المصنف (١٠/ ٣٧٥، ١٣/ ٢٤٠)، وابن حبان في الصحيح (٨٠٩)، وأبو يعلى في المسند (٧٣١) قال: شعيب الأرنؤوط، إسناده ضعيف، محمد بن عبد الرحمن بن أبي ليبة ضعيف

^٣ ابن الهمام، ابن همام، محمد بن عبد الواحد، فتح القدير على الهداية (١/ ٤٣٨) رواية عن أبي يوسف

^٤ النووي، محيي الدين بن شرف، المجموع شرح المهذب، (٣/ ٤٤٢)، النووي، محيي الدين بن شرف، الأذكار (١٢٠)

^٥ ابن قيم الجوزية، محمد بن أبي بكر بن أيوب، بدائع الفوائد، المحقق: علي بن محمد العمران، راجعه: سليمان بن عبد الله العمير (ج ١ - ٥)، محمد أجمل الإصلاحي (ج ١ - ٢)، جديع بن محمد الجديع (ج ١ - ٥) الناشر: دار عطاءات

العلم (الرياض) - دار ابن حزم (بيروت) الطبعة: الخامسة، ١٤٤٠ هـ - ٢٠١٩ م (الأولى لدار ابن حزم) (٤/ ١٥٠٣)

زیرا، اصل اساسی در دعا، خفیه و عدم آشکار است، پس سخن گفتن با صدای بلند جز با امام مستحب نیست تا پشت سر او آمین بگویند.^۱ و هم چنان آن قیاس به تشهد آخر نماز کرده ند، گفته اند دلیل بر استحباب جهر منفرد وجود ندارد.^۲

سوم: جهر برای امام و منفرد مستحب است.

و این قول امام مالک^۳ روایتی از امام احمد،^۴ و قول اسحاق است^۵ زیرا، عمر و ابی بن کعب در نماز وتر قنوت را با صدای بلند می خواندند. مخالفی در این مورد نیست، بناء این را می توان اجماع گفت^۶ دلیل دوم قیاس بر قنوت نازل نموده اند. و هم چنان قیاس بر آمین بعد از فاتحه نموده اند.^۷

ب: حکم گریه در قنوت

علماء پیرامون گریه در قنوت سه نظریه ارائه نموده اند .

۱ - نماز را فاسد نمی کند در صورت که از ترس الله متعال باشد ، و این مذهب احناف ، مالکی و حنابله است.^۸ در صورت که متشکل از دو حرف یا بیشتر باشد نماز فاسد می شود و این

^۱ ابن قیم الجوزیه، محمد بن ابی بکر بن ایوب، ابن القیم، بدائع الفوائد (۴ / ۱۵۰۳)

^۲ النووی، محیی الدین بن شرف، المجموع شرح المذهب، (۳ / ۴۴۲)

^۳ سجستانی، أبو داود سلیمان ، ، المسائل (۹۶)

^۴ المرادوی علاء الدین أبو الحسن علی بن سلیمان ، (۴ / ۱۳۱)

^۵ المرادوی علاء الدین أبو الحسن علی بن سلیمان ، (۴ / ۱۳۱)

^۶ أخرجه مالك في الموطأ (۲۵۵)، والبيهقي في السنن (۲ / ۴۹۷)

^۷ فقد قال النبي صلى الله عليه وسلم: «إذا قال الإمام: ولا الضالين، فقولوا آمين يجبكم الله». أخرجه مسلم في الصحيح

(۴۰۴)، وأحمد في المسند (۴ / ۴۰۱)، عن أبي موسى الأشعري رضي الله عنه

^۸ ابن الهمام، ابن همام، محمد بن عبد الواحد، فتح القدير على الهداية (۱ / ۳۹۷) والعدوي، الشرح الكبير (۱ / ۴۵۴)،

والقرافي، الذخيرة (۲ / ۱۴۰)، المرادوي علاء الدین أبو الحسن علی بن سلیمان ، (۴ / ۴۵)

نظریه در مذهب شافعیه است^۱ نماز را فاسد می کند اینکه (تأوه) باشد، و این نظریه برخی احناف است.^۲

۱ - نماز را فاسد نمی کند در صورت که از ترس الله متعال باشد ، و این مذهب احناف ، مالکی و حنابله است،^۳

زیرا الله متعال می فرماید: **قُلْ آمِنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَسْكُونُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا** بگو: به قرآن ایمان بیاورید یا ایمان نیاورید ، و کسانی که قبل از نزول قرآن ، دانش و آگهی بدیشان داده شده است ، هنگامی که قرآن بر آنان خوانده می شود ، سجده کنان بر رو می افتند. و می گویند : پروردگاران پاک و منزّه است مسلماً وعده پروردگاران انجام شدنی است. و (بار دیگر) بر چهره ها فرو می افتند و می گریند و می افزایشند .

اولاً: الله متعال گریه در نماز را تحسین نموده است، است و تمجید خداوند دلیل بر مشروعیت آن است.

دوم: گریه از ترس الله متعال بر خشوع می افزایشد.

هم چنان حدیث عبد الله الشَّخِيرِ، گفت: **رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي فِي صَدْرِهِ أَزِيْرًا كَأَزِيْرِ الْمَرْجَلِ مِنَ الْبُكَاءِ**.^۴ از مطرف بن عبدالله بن شخیر از پدرش روایت است که گفت:

^۱ النووي، محيي الدين بن شرف، المجموع شرح المذهب، (۹ / ۴، ۲۰)

^۲ ابن الهمام، ابن همام، محمد بن عبد الواحد، فتح القدير على الهداية (۳۹۷ / ۱)

^۳ ابن الهمام، ابن همام، محمد بن عبد الواحد، فتح القدير على الهداية (۳۹۷ / ۱) والعدوي، الشرح الكبير (۱ / ۴۵۴)، والقرافي، الذخيرة (۲ / ۱۴۰)، المرادوي علاء الدين أبو الحسن علي بن سليمان ، (۴ / ۴۵)

^۴ أبو داود في السنن (۹۰۴)، والنسائي في المجتبى (۳ / ۱۲)، وأحمد في المسند (۴ / ۲۵، ۲۶)، وابن حبان في الصحيح (۷۵۳)، والحاكم في المستدرک (۱ / ۲۶۴) ، صحح ابن حبان، ووافقه الذهبي، وقال شعيب الأرئوط إسناده صحيح على

شرط مسلم

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم را دیدم که نماز می خواند و از سینه اش صدای گریه ای مانند صدای جوشیدن آب در دیگ به گوش می رسید.

پیامبر صلی الله علیه وسلم در نماز گریه می کرد، اگر گریه کردن نماز را فاسد می کرد پیامبر صلی الله علیه وسلم در نماز گریه نمی کرد،

پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - به هنگام مرض فوتش که متوجه شد وقت نماز فرا رسیده و اذان گفته شده است فرمود: به ابوبکر بگویند نماز را به امامت با مردم بخواند. عایشه به پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - گفت: **إِنَّ أَبَا بَكْرٍ رَجُلٌ أَسِيفٌ إِذَا قَامَ فِي مَقَامِكَ لَمْ يَسْتَطِعْ أَنْ يُصَلِّيَ بِالنَّاسِ وَأَعَادَ فَأَعَادُوا لَهُ، فَأَعَادَ الثَّلَاثَةَ، فَقَالَ: إِنَّكَ نَصَوَاحِبُ يُوسُفَ، مُرُوا أَبَا بَكْرٍ فَلْيُصَلِّ بِالنَّاسِ؛**^۱

ابوبکر انسانی است دل نرم و زود متأثر می شود، وقتی که خود را در جای شما ببیند از شدت ناراحتی نمی تواند نماز را به امامت بخواند، پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - باز فرمود: به ابوبکر بگویند تا نماز را به امامت بخواند، باز به پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - گفتند: ابوبکر انسانی است که زود تحت تأثیر قرار می گیرد، و وقتی خود را در جای شما ببیند نمی تواند نماز را بخواند در سومین بار پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: شما مانند رفیقهای یوسف می باشید (و بر خواسته خودتان پافشاری می نمایید)، بگویند تا ابوبکر به امامت نماز را با مردم بخواند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به ابوبکر دستور داد تا نماز را بخواند با اینکه می دانست در حال نماز گریه می کند.

در صورت که متشکل از دو حرف یا بیشتر باشد نماز فاسد می شود و این نظریه در مذهب شافعیه است^۲ نماز را فاسد می کند اینکه (تأوه) باشد، و این نظریه برخی احناف است^۳. در پاسخ این جماعه از دانشمندان گفته اند:

^۱ البخاري في الصحيح (٦٧٩، ٦٨٢)، ومسلم في الصحيح (٤١٨)، وأحمد في المسند (٦/٣٤، ٩٦، ٢٢٩، ٢٧٠)

^۲ النووي، محيي الدين بن شرف، المجموع شرح المذهب، (٩/٤، ٢٠)

^۳ ابن الهمام، ابن همام، محمد بن عبد الواحد، فتح القدير على الهداية (١/٣٩٧)

- ۱- به گریه و مانند آن گفتار نمی گویند؛ زیرا گفتار جملات مرکب مفید است.
- ۲- گریه و امثال آن از خوف خدا در معنای عام گفتار فاسد کننده نماز نیست. همانطور که در شواهد بیانیه اول ارائه شد.^۱

ج: حکم رفع الیدین در قنوت

علما بر جواز بالا بردن دست در دعای غیر از نماز اتفاق نظر دارند. این مطلب بارها از پیامبر نقل شده است^۲

علماء پیرامون رفع الیدین در وقت قنوت سه نظریه ارائه کرده اند.

- ۱- مشروع نیست: و این نظریه مالکی، و یک نظریه نزد شوافع است^۳، و هم نظریه را از ابن المسیب، و ابن شهاب و اوزاعی نقل نموده اند.^۴
- ۲- دست های خود را در وقت قنوت بالا برد بعد آنها ارسال کند. و این نظریه امام ابوحنیفه و لیث بن سعد است^۵
- ۳- رفع الیدین در وقت قنوت مستحب است و این نظریه احمد و برخی احناف است، و هم قول ابن مسعود، ابو هریره و ابن عباس،^۶ والنخعی، ومکحول، والثوری و اسحاق است^۷

^۱ ابن جنی، الخصائص (۱۷ / ۱، ۲۶)، وابن أبي عمر، الشرح الكبير (۸۶ / ۲۸)

^۲ تیمیة، جامع المسائل (۸۹ / ۴)، والسیوطی، فض الوعاء فی أحادیث رفع الیدین فی الدعاء

^۳ ابن الجلاب، التفریح (۱ / ۲۶۶)، وابن المنذر، الأوسط (۵ / ۲۱۳)، النووی، محیی الدین بن شرف، المجموع شرح المذهب، (۳ / ۴۴۱)، والأذکار (۱۱۹)

^۴ عبد الرزاق فی المصنف (۳ / ۱۲۲، ۴ / ۲۶۰)، ومحمد بن نصر، الوتر (۱۳۸، ۱۴۱)

^۵ الباری، العناية (۱ / ۴۳۴)، وابن رجب، فتح الباری (۶ / ۴۲۴)

^۶ ابن الهمام، ابن همام، محمد بن عبد الواحد، فتح القدر علی الهدایة (۱ / ۴۳۰) عن أبي يوسف قال فی الفتاوی الهندیة (۱ / ۱۱۱)

^۷ وابن أبي شیبة، المصنف (۲ / ۳۰۷، ۳ / ۲۱۶)

دلایل گروه اول:

۱- حدیث انس بن مالک: أن النبی صلی الله علیه وسلم کان لا یرفع یدیه فی شیء من الدعاء، إلا عند الاستسقاء حتی یرى بیاض إبطیه^۱، پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در هیچ دعایی دست بلند نمی کرد مگر در هنگام دعای باران تا سفیدی زیر بغلش دیده شود.

۲- از پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت نشده که دست خود را در قنوت وتر بالا کرده باشد و دستور داده باشد.^۲

دلایل قول دوم:

۱- أن ابن مسعود رضی الله عنه کان یرفع یدیه فی الوتر ثم یرسلهما بعد^۳، ابن مسعود رضی الله عنه در نماز وتر دستها را بلند می کرد و دوباره پایین (ارسال می کرد) می آورد، رفع ابن مسعود دستان خود را در تکبیر افتتاح قنوت بعد ارسال آن دلالت بر مشروعیت می کند.

۲- قنوت انتقال به حالت جدید است پس جایز است آن را به تکبیر گفت.^۴

۳- حدیث ابن عباس: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: دست بلند نکنید مگر در هفت حال و یکی از آنها را تکبیر قنوت ذکر کرده است.^۵

دلایل گروه سوم:

^۱ البخاری فی الصحیح (۹۳۳، ۱۰۳۱، ۳۵۶۵)، و مسلم فی الصحیح (۸۹۵، ۸۹۶)، وأحمد فی المسند (۳/ ۱۸۱، ۲۸۲)

^۲ محمد بن نصر، الوتر (۱۳۴)

^۳ عبد الرزاق فی المصنف (۴/ ۳۲۵)

^۴ المرغینانی، الهدایة (۱/ ۴۳۴)

^۵ الطبرانی فی الکبیر (۱۱/ ۳۸۵، ۴۵۲)

- ۱- عمر رضی الله عنه پس از رکوع قنوت می خواند و دست هایش را بالا می برد تا زیر بغل هایش نمایان می شد و صدایش از پشت مسجد به گوش می رسید.^۱ عمر رضی الله عنه هنگام قنوت دستان خود را بلند می کرد و هیچ کس با او مخالف نبود.
- ۲- ابن مسعو و ابوهریره رضی الله عنهما نیز دستان خود را در وتر بلند می کردند، این دو صحابی چنین می کردند و هیچ کس با آنها مخالف نبود.^۲
- به نظر می رسد که بلند کردن دست ها در نماز مشروع باشد نظر به دلائل دو گروه بعدی

د: قضاء قنوت در وتر برای امام و منفرد

۱- وقتی در وتر قنوت از محل آن فوت شود

از دو حالت خالی نیست، اینکه قنوت قبل از شروع در سجده به یادش آید، اینکه بعد از شروع به یادش آید،

در صورت اول، علماء سه نظریه ارائه کرده اند

۱- هر کسی را قنوت قبل از رکوع فوت شود بعد از رکوع قضاء را انجام دهد. و این قول مالکی ها است^۳

۲- اگر قنوت قبل از رکوع قضاء شود، قضاء آنر بعد از رکوع بجا آورد در ضمن آن سجده سهو هم کند. و این نظریه شوافع است^۴

۳- اگر قنوت قبل از رکوع فوت شود قضاء آن لازم نیست و این قول احناف است^۵

در صورت دوم: اینکه قنوت بعد از شروع در رکوع به یادش آید

^۱ ابن أبي شيبة في المصنف (۳/ ۲۱۶)

^۲ محمد بن نصر، الوتر (۱۳۸)

^۳ ابن عرفه، محمد بن أحمد بن عرفة الدسوقي، حاشية الدسوقي على الشرح الكبير (۱/ ۳۹۹)

^۴ النووي، محيي الدين بن شرف، المجموع شرح المذهب، (۳/ ۴۳۸)

^۵ ابن الهمام، ابن همام، محمد بن عبد الواحد، فتح القدير على الهداية (۱/ ۴۲۹)

علماء پیرامون سجده سهو سه نظریه ارائه کرده اند

- ۱- سجده سهو برای تارک قنوت مشروع است. این نظریه شوافع و احمد است^۱
- ۲- سجده سهو برای تارک قنوت مشروع نیست، و این قول مالکی ها، و یک نظریه شوافع و روایتی از امام احمد است^۲

۳- برای تارک قنوت سجده سهو مستحب است این نظریه احناف است^۳ و حسن در یک

روایت، و ثوری و اسحاق نیز به همین نظریه اند^۴

دلایل بر استحباب و مشروعیت سجده بر تارک قنوت

۱- حدیث ابن مسعود رضی الله عنه است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «إذا نسی

أحدکم فلیسجد سجدةً»^۵ وقتی یکی از شما فراموش کرد پس دو سجده کند، در این

حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم امر به سجد نمود است، و آن عام است، پس دلالت بر

مشروعیت سجده سهو می کند.

۲- حدیث ثوبان رضی الله عنه است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: لكل سهو

سجدتان بعد السلام^۶ برای هر سهو دو سجده بعد از سلام است.

۲- قضاء قنوت در وتر وقتی زمان آن فوت شود

^۱ النووي، محيي الدين بن شرف، المجموع شرح المذهب، (۳/ ۴۳۸)

^۲ القيرواني، النوادر (۱/ ۳۵۵)، ابن عرفه، محمد بن أحمد بن عرفة الدسوقي، حاشية الدسوقي على الشرح الكبير (۱/

۴۵۹)، والقرافي، الذخيرة (۲/ ۲۹۰)، والنووي، النووي، محيي الدين بن شرف، المجموع شرح المذهب، (۳/ ۴۳۸)

^۳ ابن الهمام، ابن همام، محمد بن عبد الواحد، فتح القدير على الهداية (۱/ ۴۲۹، ۵۰۳)

^۴ ابن أبي شيبة، المصنف (۲/ ۳۱۸)، ومحمد بن نصر، الوتر (۱۴۵)

^۵ نيشاپوری، مسلم بن حجاج، صحيح مسلم (۵۷۲)

^۶ أبو داود في السنن (۱۰۳۸)، وابن ماجه في السنن (۱۲۰۹)، وأحمد في المسند (۵/ ۲۸۰)

وقتی قنوت فوت شود، دو حالت متصور است، یا اینکه قبل از شروع به سجده به یادش می آید و یا هم بعد از شروع در سجده

۱- در صورتی که قنوت قبل از سجده به یادش آید: در این مورد نظریات علماء متفاوت است

۱. در صورت قنوت قبل از رکوع فراموش، یا فوت شود، بعد از رکوع آنرا قضایی آورد و سجده سهو هم لازم نیست نظریه مالکی ها است، زیرا قنوت بعد از رکوع مشروع است می تواند آنرا قضایی آورد.^۱

۲. در صورت قنوت قبل از رکوع فراموش، یا فوت شود، بعد از رکوع آنرا قضایی آورد و سجده سهو هم لازم است یک نظریه شوافع است، زیرا قنوت بعد از رکوع مشروع است و آنرا قضاء آورد، بخاطر اشتباه سجده سهو لازم می شود چون عمل در غیر موضع بوده است.^۲

۳. هرگاه قنوت فوت شود دیگر قضایی لازم ندارد. و این نظریه احناف است. قنوت بعد از رکوع در غیر محل آن است بناء درست نیست^۳

۲- قنوت اگر بعد شروع در سجده یادش آید علماء پیرامون آن چهار نظریه ارائه کرده اند.

۱. در صورتی که شروع به سجده کرد و قنوت را فراموش کرده بود به یادش آمد،

سجده سهو بر آن لازم می شود و این نظریه شوافع، و یک روایت از امام احمد

است^۴ و این نظریه، حسن، اوزاعی، حماد و هشیم و اسماعیل بن علی است^۵

^۱ الدسوقی، الحاشیة (۱/ ۳۹۹)

^۲ النووی، المجموع (۳/ ۴۳۸)

^۳ ابن الهمام، فتح القدير (۱/ ۴۲۹)

^۴ النووی، المجموع (۳/ ۴۳۸) عبد الله، المسائل (۹۴)

^۵ أبو داود، المسائل (۱۰۲)، ومحمد بن نصر، الوتر (۱۴۵)، وابن المنذر، الأوسط (۵/ ۲۱۸)

۲. برای تارک قنوت سجده سهو مشروع نیست، و این سخن مالکی ها و یک نظریه از

شوافع و یک روایت از امام احمد است^۱

۳. سجده سهو مستحب است و این نظریه احناف، حسن ثوری و اسحاق است^۲

مطلب چهارم، الفاظ قنوت

پیرامون الفاظ و صیغه قنوت در احادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم الفاظ متعدد روایت شده

است از جمله:

۱- حدیث حسن بن علی رضی الله عنهما: اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ، وَعَافِنِي فِيمَنْ عَافَيْتَ، وَتَوَلَّنِي

فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ، وَبَارِكْ لِي فِيمَا أُعْطَيْتَ، وَقِنِي شَرَّ مَا قَضَيْتَ، إِنَّكَ تَقْضِي وَلَا يُقْضَى عَلَيْكَ، وَإِنَّهُ لَا يَدُلُّ

مَنْ وَالَيْتَ، تَبَارَكْتَ رَبَّنَا وَتَعَالَيْتَ^۳ خدایا مرا در زمره کسانی که هدایت نمودی هدایت فرما

و مرا در زمره کسانی که سلامت بخشیدی سلامتی بخش و مرا در زمره کسانی که دوست

می داری دوست دار و در آنچه که به من عطا فرمودی برکت قرار ده و مرا از شر آنچه

حکم نمودی ایمنی بخش همانا تو حکم می نمایی و بر روی حکمت، حکمی قرار نمی

گیرد همانا ذلیل نمی شود کسی که تو او را دوس داری. تو مبارک و بزرگمتره ای.

۲- حدیث حضرت علی رضی الله عنه أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «كَانَ يَقُولُ

فِي وَتْرِهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَبِمَعَاذِكَ مِنْ عِقُوبَتِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ، لَا

^۱ القيرواني، النوادر (۱/ ۳۵۵)، والدسوقي، الحاشية (۱/ ۴۵۹)، والقرافي، الذخيرة (۲/ ۲۹۰)، والنووي، المجموع (۳/ ۴۳۸).

واختاره الطبري كما في تهذيب الآثار (۲/ ۴۲). هذا إذا كان منفردا، أما إذا كان مأموما فسجد الإمام للسهو سجد معه.

ينظر: الدسوقي، الحاشية (۱/ ۴۵۹). ابن أبي عمر، الشرح الكبير (۳/ ۶۷۸)

^۲ ابن الهمام، فتح القدير (۱/ ۴۲۹، ۵۰۳)

^۳ این را أبو داود در السنن، شماره (۱۴۲۵، ۱۴۲۶)، والترمذي در الجامع، شماره (۴۶۴) والنسائي در المجتبى (۳/ ۳۴۸)،

وابن ماجة در السنن، شماره (۱۱۷۸)، وأحمد در المسند (۱/ ۱۹۹، ۲۰۰)، وابن أبي شيبة در المصنف (۳/ ۳۰۰، ۱۰/

۳۸۴)، وأبو يعلى در المسند، رقم (۶۷۶۵، ۶۷۸۶)، وابن حبان در الصحيح، رقم (۵۱۲، ۵۱۳)، والحاكم في المستدرک

(۳/ ۱۷۲، ۴۷۲) و آنرا تصحیح کرده، هم چنان آنرا ابن المنذر در الأوسط (۵/ ۲۱۴)، والنووي در الأذکار (۱۱۷)، وابن

حجر در نتائج الأفكار (۲/ ۱۳۹) آنرا صحیح گفته اند.

أُحْصِي نِعْمَكَ، وَلَا تُنَاءَ عَلَيْكَ، أَنْتَ كَمَا أَتْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ»^۱ پیامبر صلی الله علیه وسلم در آخر وتر خود می گفت: (خداوندا من از خشمت به خشنودی ات پناه می برم، و از مجازاتت به گذشتت، و از تو به تو پناه می آورم، نمی توانم ستایش تو را در شمار آورم، تو چنانی که خود ستایش خود را گفته ای).

۳- حدیث ابن عباس: كَانَ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - إِذَا تَهَجَّدَ مِنَ اللَّيْلِ قَالَ: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَلَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ قِيَمُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَلَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ أَنْتَ الْحَقُّ، وَوَعْدُكَ الْحَقُّ، وَقَوْلُكَ الْحَقُّ، وَلِقَاؤُكَ حَقٌّ، وَالْجَنَّةُ حَقٌّ، وَالنَّارُ حَقٌّ، وَالنَّبِيُّونَ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ حَقٌّ؛ اللَّهُمَّ لَكَ أَسْلَمْتُ، وَبِكَ أَمَنْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَإِلَيْكَ أُنْبَتْتُ، وَبِكَ خَاصَمْتُ، وَإِلَيْكَ حَاكَمْتُ، فَاعْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ، وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ أَنْتَ إِلَهِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ^۲ هرگاه پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - نماز شب را می خواند می فرمود: خداوندا! سپاس و ستایش تنها شایسته تو است، روشنی بخش زمین و آسمانها هستی و سپاس و ستایش خاص تو است. نگهدارنده آسمانها و زمین تویی و سپاس و ستایش فقط لایق مقام تو می باشد و پروردگار آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست می باشی، حق هستی و وعده ات حق است، گفته ات حق است، زنده شدن و رسیدن به حضورت حق است، بهشت حق است و آتش دوزخ حق است و همه پیغمبرانی که از جانب فرستاده شده اند حق هستند و قیامت و رستاخیز حق است، خداوندا! در مقابل تو تسلیم هستم، سر تعظیم و فرمان برداری را فرود می آورم، به تو ایمان آورده ام و همه امور خود را به تو واگذار کرده ام، به سوی تو بر می گردم، به قدرت و دلایل و برهان تو با دشمنان می جنگم و بر آنان غالب می شوم، تنها تو را حاکم بین خود و دیگران یعنی: «به هنگام اختلاف» قرار می دهم و تنها به حکم تو راضی می باشم، خداوندا! گناه اول و آخرم را و آنچه به صورت پنهان

^۱ مسند الإمام أحمد بن حنبل ج ۲ ص ۴۲۶ : شعيب الأرنؤوط: إسناده قوي

^۲ بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری ج ۱ ص ۳۷۷

و آشکار انجام داده ام ببخشای، تو معبود من هستی و هیچ کسی جز تو سزاوار پرستش

نیست.» از سلف صالح نیز روایت پیرامون الفاظ قنوت وارده شده است از جمله:

۱- از عمر ابن خطاب روایت شده است که در قنوت این دعا را می خواند: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَعِينُكَ، وَنَسْتَغْفِرُكَ، وَلَا نَكْفُرُكَ، وَنُؤْمِنُ بِكَ (وَنَخْلَعُ) مَنْ يَكْفُرُكَ، اللَّهُمَّ إِيَّاكَ نَعْبُدُ، وَلَكَ نُصَلِّي وَنَسْجُدُ، وَإِلَيْكَ نَسْعِي (وَنَحْفِدُ)، نَرْجُو رَحْمَتَكَ وَنَخْشَى عَذَابَكَ، إِنَّ عَذَابَكَ (الْجِدَّ) بِالْكَفَارِ مُلْحِقٌ،^۱ اللَّهُمَّ عَذَابِ الْكَفَرَةِ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِكَ»^۲ «خدایا! به راستی ما از تو مدد می طلبیم و به تو کفر نمی ورزیم و به تو ایمان می آوریم و هر کس را که به تو کفر می ورزد، ترک می کنیم. خدای-! فقط تو را می پرستیم و برای تو نماز می خوانیم و سجده می کنیم و به سوی تو می شتاییم. به رحمت تو امیدواریم و از عذاب تو ترسانیم، همانا عذاب (حق) تو به کفار خواهد رسید. خدایا! کافرانی که از راه تو روی گردانند و به تو پشت می کنند، عذاب بده.»

^۱ أبو عبید آنرا در فضائل القرآن (۳۱۸)، و محمد بن نصر در کتاب الوتر (۱۳۹) روایت کرده است، و گفته اند، آنها دوسوره ای در مصحف ابن مسعود و ابي بن کعب (اللهم إنا نستعينك) و (اللهم إياك نعبد) بوده اند، ابو عبید می گوید آنها را خود ابن مسعود ترک کرده بود هم چنان که حضرت عثمان ترک نموده بود، أبو داود در المراسیل، شماره (۸۹) نقل می کند، علی و ابن مسعود و ابي بن کعب. در قنوت همین الفاظ را می خواندند. هم چنان عبد الرزاق در المصنف (۳/ ۱۱۱، ۱۱۲)، و ابن ابی شیبۀ در المصنف (۲/ ۳۱۴)، النیسابوری، أبو بکر محمد بن إسحاق بن خزیمه (۱۱۰۰)، و البیهقی در السنن (۲/ ۲۱۰)، و محمد بن نصر در کتاب الوتر (۱۳۹)، و الطبرانی در الدعاء، رقم (۷۵۰)، امام احمد به روایة المروزی: گفته است، خواندن این الفاظ مستحب است، ی: المرادوی، الإنصاف (۴/ ۱۲۹).

^۲ النیسابوری، أبو بکر محمد بن إسحاق بن خزیمه (۱۱۰۰) و بیهقی در السنن الکبری (۲/ ۲۱۱) و صحیح إسناده، چنان که الألبانی در إرواء الغلیل (۲/ ۱۷۰) سند آن را صحیح دانسته است. هم چنان باید گفت پیرامون برخی کلمات اختلاف روایت است مانند (تطویل، قصر، جابجایی کلمات و امثال آن) اللهم عذب كفرة أهل الكتاب (۱) الذين يصدون عن سبيلك ويكذبون رسلك ويقاتلون أولياءك

۴- حسن بن علی رضی الله عنه : در نماز وتر خود این دعا را می خواند: اللهم إنك تری ولا تری، وأنت فی المنظر الأعلى، وأن لك الآخرة والأولى، وإن إليك الرجعی، وإنا نعوذ بك أن نذل ونخزی^۱

و روایات دیگر نیز از دانشمندان نقل شده است. که جهت تطویل از آن خود داری می کنیم.

حکم الفاظ قنوت که اصل در شریعت دارند

اکثر کسانی که طرفدار مشروعیت قنوت در وتر هستند، پذیرفته اند: قنوت در وتر با هر دعایی جایز است، هر چند از کلمات قنوت در سنت یا سلف نباشد. وقتی از دعاهای عام باشد که در قرآن و سنت یا بر سلف مبنایی داشته باشد یا از دعاها باشد از حاجت های خاص است. مگر اینکه عبادت محدود به آن الفاظ خاص باشد.^۲ این به دلیل عمومیت ادله دال بر حقانیت دعا است که خداوند متعال می فرماید: ﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾^۳ پروردگار شما می گوید: مرا به فریاد خوانید تا بپذیرم.

و فرمود او ﴿ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾^۴ پروردگار خود را فروتنانه و پنهانی به کمک بخواهید او تجاوز کاران را دوست نمی دارد

^۱ ابن ابی شیبة در المصنف (۲/ ۳۰۰)، و محمد بن نصر در کتاب الوتر (۱۴۰)

^۲ ابن همام، محمد بن عبد الواحد، فتح القدير على الهداية (۱/ ۴۳۰)، ومالك، المدونة (۱/ ۱۰۳)، النووي، محيي الدين بن شرف، الأذكار (۱۱۹) المرداوي علاء الدين أبو الحسن علي بن سليمان، (۴/ ۱۲۷)
^۳ [غافر: ۶۰].

^۴ الأعراف / ۵۵

هم چنان از حضرت عایشه رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم «**إنما قنت بکم لتدعوا ربکم وتسالوه حوائجکم**»^۱ قنوت خواند تا شما از پروردگارتان را بخوانید و از آن حوائج تان را سوال کنید

اما سفیان ثوری می گوید: «**لیس فیہ یعنی القنوت شیء مؤقت**»^۲ در قنوت چیزی مشخص نیست هم چنان امام احمد می گوید: ایرادی ندارد که مرد در نماز وتر برای حاجت خود دعا کند^۳ و فرمود: هر چه بخواهد دعا کند.

امام نووی رحمه الله می گوید: بدان که در قنوت دعا تعیین نیست ولی باید: از کلیه کلمات دعا انتخاب کند چنانکه پیامبر می کرد، و از قافیہ و تکلف پرهیز کند، و دو کلمه را با معانی مشابه ترکیب نه کند، بلکه هر کلمه را جداگانه به کار برد.^۴

نتیجه

بعد از بحث پیرامون موضوع وتر برخی موارد برایم هویدا گردید که قرار ذیل است

۱- نماز وتر، امر مطلوب است که از طرف شریعت برای به کمال رسیدن و سعادت انسان، مشروع گردیده است.

۲- نماز وتر با فضیلت ترین نمازها بعد از فرائض محسوب می شود، زیرا، از رسول الله صلی الله علیه وسلم در سفر و حضر ترک نشده، بلکه ترغیب و تشویق، بر ادای نموده است.

۳- تعداد رکعات و نحوه ادای نماز وتر، بنا بر روایت متعدد پیرامون آن از نظر دانشمندان اسلام متفاوت بوده است، که منجر به دیدگاههای فقهی متعدد گردیده است. بناء خواندن

^{۱۱} الهیثمی، نور الدین علی بن ابی بکر بن سلیمان مجمع الزوائد ومنیع الفوائد، المحقق: حسام الدین القدسی، الناشر:

مکتبة القدسی، القاهرة: ۱۴۱۴ هـ، ۱۹۹۴ م (۲ / ۱۳۸) آنرا حسن دانسته است

^۲ محمد بن نصر، الوتر (۱۴۰)

^۳ ابن قیم الجوزیة، محمد بن ابی بکر بن ایوب، بدائع الفوائد (۴ / ۱۵۰۲)

^۴ النووی، محیی الدین بن شرف، الأذکار (۱۱۹)

آن از یک رکعت الی سیزه رکعت جواز داشته است، بناء بر دلایل ذکرده شده افضل همان سه رکعت است.

۴- نماز وتر در مذهب احناف واجب و در مذهب جمهور علماء سنت موکد است، از آنجاییکه جمهور به اسم واجب تکلیفی قائل نیستند، به نظر می رسد، اختلاف لفظی و غیر حقیقی است، زیرا احناف با جمهور اتفاق نظر دارند که انجام هر دو عمل فرض و واجب به صورت الزامی و حتمی طلب شده و تارک آنها قابل سرزنش و مجازات است و نیز توافق نظر دارند که اموری که انجام آن به صورت حتمی و الزامی طلب شده است، گاهی دلیل آن قطعی و زمانی دیگر ظنی است و کسی که منکر دلیل قطعی شود، کافر می گردد. اما با این وجود، جمهور فرض و واجب را مساوی می دانند، زیرا انجام هر یک از آن دو بر مکلف لازم است و مکلف به خاطر ترک هر یک از آن دو قابل سرزنش و مجازات است و برای یکی بودن آن دو هم، همین مقدار تشابه کفایت می کند و دیگر، نگاه به دلیل و قدرت الزام و میزان مجازات و کافر شدن منکر یکی از آن دو، اموری خارج از ماهیت و ذات فعلی هستند که انجام آن بر مکلف لازم شده و واجب نامیده شده است.

پیشنهادات

- ۱- متون اسلامی برای تحقیق بیشتر به زبان عربی اند، گرچه برای کسانی که فارغ التحصیل علوم شرعی اند، آسان و ساده است، ولی برای عموم مردم آسان نیست، بناء نیاز است که کتب متون نیز به زبان فارسی نوشته شده به چاپ رسد و به دسترس مردم قرار گیرد.
- ۲- تا به سهولت مردم بتوانند به منابع اولیه و ثانویه اسلام به زبان خود دسترسی داشته باشند، بالخصوص محصلین، و اهل تحقیق.
- ۳- برای فارغین، برنامه ماستری بیشتر کتب تراث اسلامی جهت ترجمه سپرده شود، به هر صنف یک عنوان کتاب، تا بتواند همه به کتب معتبر اسلامی به خصوص اهل تحقیق.
- ۴- یک سایت کامل جهت معلومات اسلامی ایجاد شود و هر مقاله، مونیوگراف، تیزس، پایان نامه و خلاصه هر چیز معتبر جهت سهولت به دسترس هم وطنان ما قرار گیرد، زیرا وقتی آنها جهت حل مشکل خود به سایت ها مراجعه می کنند همه منابع اهل تشیع در اختیار شان قرار می گیرد و اکثرا معیار زندگی خود و عبادت خود آن قرار می دهند.

فهرست منابع

قرآن كريم

١. ابن ابى شيبه، أبو بكر بن أبى شيبه، المصنف فى الأحاديث والآثار، المحقق: كمال يوسف الحوت الناشر: مكتبة الرشد - الرياض الطبعة: الأولى، (١٤٠٩هـ).
٢. ابن الجلباب المالكي عبيد الله بن الحسين، التفریع فى فقه الإمام مالك بن أنس رحمه الله المحقق: سيد كسروى حسن، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت، لبنان الطبعة: الأولى، - ٢٠٠٧م.
٣. ابن المنذر النيسابورى، أبو بكر محمد بن إبراهيم، لإجماع، المحقق: أبو عبد الأعلى خالد بن محمد بن عثمان، الناشر: دار الآثار للنشر والتوزيع، القاهرة مصر، الطبعة: الأولى، ١٤٢٥ هـ - ٢٠٠٤م.
٤. ابن المنذر النيسابورى، أبو بكر محمد بن إبراهيم، الأوسط فى السنن والإجماع والاختلاف، تحقيق: أبو حماد صغير أحمد بن محمد حنيف، الناشر: دار طيبة - الرياض - السعودية، الطبعة: الأولى هـ ١٩٨٥م.
٥. ابن الهمام، كمال الدين محمد بن عبد الواحد السيواسى، فتح القدير على الهداية، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابى الحلبي وأولاده بمصر (وصورتها دار الفكر، لبنان)، الطبعة: الأولى، ١٣٨٩ هـ = ١٩٧٠ م
٦. ابن تيميه، أحمد بن عبد الحلیم بن عبد السلام، جامع الرسائل، المحقق: د. محمد رشاد سالم، دار العطاء - الرياض، الطبعة: الأولى ١٤٢٢هـ - ٢٠٠١م
٧. ابن تيميه، أحمد بن عبد الحلیم بن عبد السلام، علم الحديث، دار الكتب العلمية ١٤٠٩هـ
٨. ابن حبان، محمد بن حبان بن أحمد، صحيح ابن حبان، المحقق: محمد على سونمز، خالص آى دمير، دار ابن حزم - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٣٣ هـ - ٢٠١٢ م
٩. ابن حجر العسقلانى، أحمد بن على، فتح البارى بشرح صحيح البخارى، ترقيم و تبويب: محمد فؤاد عبد الباقي، تخريج و تصحيح: محب الدين الخطيب، الناشر: المكتبة السلفية - مصر الطبعة: «السلفية الأولى»، ١٣٨٠ - ١٣٩٠ هـ

١٠. ابن حجر العسقلاني، أحمد بن علي بن محمد، نزهة النظر في توضيح نخبة الفكر في مصطلح أهل الأثر، تحقيق و تعليق، نور الدين عتر، مطبعة الصباح، دمشق - سوريا، الطبعة الثالثة، ١٤٢١ هـ
١١. ابن حجر عسقلاني، أحمد بن علي بن محمد بن أحمد، الدراية في تخريج أحاديث الهداية، المحقق: السيد عبد الله هاشم اليماني المدني، الناشر: دار المعرفة - بيروت
١٢. ابن دريد، أبو بكر محمد بن الحسن، جمهرة اللغاة، المحقق: رمزي منير بعلبكي، الناشر: دار العلم للملايين - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٩٨٧م ج
١٣. ابن رشد، محمد بن أحمد بن محمد، الضروري في أصول الفقه أو مختصر المستصفي، دار الغرب الإسلامي، بيروت - لبنان، بي تا.
١٤. ابن عابدين، محمد امين بن عمر (١٤٢١هـ). حاشيه رد المختار على الدر المختار ج ٢. بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر.
١٥. ابن قدامه، مقدسي، عبد الرحمن بن محمد بن أحمد، الشرح الكبير، تحقيق: د عبد الله بن عبد المحسن التركي - د عبد الفتاح محمد الحلو، الناشر: هجر للطباعة والنشر والتوزيع والإعلان، القاهرة - جمهورية مصر العربية، الطبعة: الأولى، ١٤١٥ هـ - ١٩٩٥ م
١٦. ابن قدامه، عبد الله بن أحمد بن محمد المغني؛ محقق: الدكتور عبد الله بن عبد المحسن التركي، الدكتور عبد الفتاح محمد الحلو دار عالم الكتب للطباعة والنشر والتوزيع، الرياض - المملكة العربية السعودية الطبعة: الثالثة، (١٤١٧ هـ - ١٩٩٧ م)
١٧. ابن قيم الجوزية، محمد بن أبي بكر بن أيوب، الفوائد، دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الثانية، ١٣٩٣ هـ - ١٩٧٣ م.
١٨. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، قم، ادب الحوزه، ١٤٠٥ق.
١٩. ابن نجيم، زين الدين الحنفى. (١٣٨٦ ش). البحر الرائق شرح كنز الدقائق ج ٢ بيروت: دارالفكر.
٢٠. أبو الحسين، أحمد بن محمد بن أحمد. (٢٠٠٦ م). التجريد للقدوري ج ٢ المحقق: محمد أحمد سراج و على جمعة محمد الطبعة: الثانية. القاهرة: دار السلام.

٢١. أبو حيان، محمد بن يوسف بن علي بن يوسف، البحر المحيط في التفسير المحقق: صدقي محمد جميلف دار الفكر - بيروت، الطبعة: ١٤٢٠ هـ
٢٢. الأفریقی، محمد بن مکرم بن منظور. (ب ت) لسان العرب. ج.٤.حقوق. عبد الله على الكبير و هاشم محمد الشاذلي. القاهرة: دارالمعارف.
٢٣. الإمام أحمد بن حنبل، مسند الإمام أحمد بن حنبل المحقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد، وآخرون إشراف: د عبد الله بن عبد المحسن التركي الناشر: مؤسسة الرسالة الطبعة: الأولى، ١٤٢١ هـ - ٢٠٠١ م.
٢٤. الأنباري، محمد بن القاسم بن محمد بن بشار، الزاهر في معاني كلمات الناس، المحقق: د. حاتم صالح الضامن: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١٢ هـ -
٢٥. الأنباري، أبو بكر، محمد بن القاسم بن محمد، الأضداد المحقق: محمد أبو الفضل إبراهيم، المكتبة العصرية، بيروت - لبنان، ١٤٠٧ هـ - ١٩٨٧ م
٢٦. انصاري، زكريا بن محمد فتح الباقي بشرح الفيه العراقي، المحقق: عبد اللطيف هميم - ماهر الفحل، دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى، ١٤٢٢ هـ / ٢٠٠٢ م.
٢٧. الانصاري، ابي يوسف يعقوب بن ابراهيم. (١٣٥٥ هـش). الآثار المحقق: ابو الوفا بيروت: دار الكتب العلمية.
٢٨. آل فريان، الوليد بن عبد الرحمن بن محمد، القنوت في الوتر، دار ابن الأثير للنشر والتوزيع، المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، ١٤٣٠ هـ - ٢٠٠٩ م ص ١٩
٢٩. البحر المحيط في أصول الفقه، الناشر دار الكتب العلمية، سنة النشر ١٤٢١ هـ - ٢٠٠٠ م، مكان النشر لبنان/ بيروت
٣٠. بخارى، محمد بن إسماعيل، صحيح البخارى، المحقق: د. مصطفى ديب البغا، الناشر: (دار ابن كثير، دار اليمامة) - دمشق، الطبعة: الخامسة، ١٤١٤ هـ - ١٩٩٣ م.
٣١. البخارى، محمد بن إسماعيل أبو عبد الله. (١٤٢٢ هـ). صحيح البخارى. ج.٢.٣. المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر الطبعة: الأولى. دار طوق النجاة.

٣٢. بدر الدين محمد بن بهادر بن عبد الله الزركشى، البحر المحيط فى أصول الفقه، الناشر دار الكتب العلمية، سنة النشر ١٤٢١هـ - ٢٠٠٠م، مكان النشر لبنان/ بيروت،
٣٣. بعدانى، محمد بن على بن حزام، فتح العلام فى دراسة أحاديث بلوغ المرام، دار العاصمة للنشر والتوزيع، صنعاء - اليمن، الطبعة: الرابعة، ١٤٤٠هـ - ٢٠١٩م.
٣٤. البكرى، عبد الله بن عبد العزيز (١٤٠٣هـ). معجم ما استعجم من أسماء البلاد والمواضع. ج.٤. الطبعة الثالثة، بيروت: عالم الكتب.
٣٥. البكرى، عبد الله بن عبد العزيز معجم ما استعجم من أسماء البلاد والمواضع. ج.٤. الطبعة الثالثة، بيروت: عالم الكتب. (١٤٠٣هـ).
٣٦. بن جرير الطبرى، أبو جعفر محمد، جامع البيان عن تأويل آى القرآن، تحقيق: د عبد الله بن عبد المحسن التركى، دار هجر للطباعة والنشر والتوزيع والإعلان - القاهرة، مصر، الطبعة: الأولى، ١٤٢٢هـ - ٢٠٠١م
٣٧. بن خلف تبريزى، محمد حسين، برهان قاطع، تحقيق محمد معين، انشتارات امير كبير چاپ هشتم، ١٣٦١هـ ش
٣٨. بن عبد البر، أبو عمر يوسف بن عبد الله بن محمد، الاستذكار، تحقيق: سالم محمد عطا، محمد على معوض
٣٩. بيهقى، أحمد بن الحسين بن على، السنن الكبرى؛ المحقق: محمد عبد القادر عطا دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، الطبعة: الثالثة، (١٤٢٤هـ - ٢٠٠٣م)
٤٠. الترمذى، محمد بن عيسى أبو عيسى (ب ت). سنن الترمذى. ج.٢ تحقيق: أحمد محمد شاكر وآخرون. بيروت: دار إحياء التراث العربى.
٤١. التويجى، محمد بن إبراهيم بن عبد الله، موسوعة الفقه الإسلامى، بيت الأفكار الدولى، الطبعة: الأولى، ١٤٣٠هـ - ٢٠٠٩م ج ٢ ص ٦٢٨

٤٢. جماعة من العلماء برئاسة الشيخ: نظام الدين البرنهابوري البلخي، الفتاوى العالمية المعروفة بالفتاوى الهندية، الطبعة: الثانية، ١٣١٠ هـ
٤٣. حمدي عبدالمنعم شبلي، دليل السالك للمصطلحات و الأسماء في فقه الإمام مالك، مكتبة ابن سينا للنشر والتوزيع و التصدير بي تا
٤٤. خدا نظر (١٣٧٨هـش) محمود الفتاوى ج ١. تحت نظر: عبدالحميد، كويته: المكتبة الحبيبيه كانسي رود -
٤٥. الدولابي، محمد بن أحمد بن حماد بن سعيد بن مسلم ، الكنى والأسماء، المحقق: أبو قتيبة نظر محمد الفاريابي، الناشر: دار ابن حزم - بيروت / لبنان، الطبعة: الأولى، ١٤٢١ هـ - ٢٠٠٠ م.
٤٦. الرازي، محمد بن أبي بكر بن عبد القادر (١٤١٧هـ) تحفة الملوك تحقيق د. عبد الله نذير أحمد بيروت: دار البشائر الإسلامية.
٤٧. راغب الأصفهاني، الحسين بن محمد، المفردات في غريب القرآن، المحقق: صفوان عدنان الداودي، دار القلم، الدار الشاميه - دمشق بيروت، الطبعة: الأولى - ١٤١٢ هـ
٤٨. زبيدي، محمد مرتضى، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقيق: جماعة من المختصين، من إصدارات: وزارة الإرشاد والأنباء في الكويت - المجلس الوطني للثقافة والفنون والآداب بدولة الكويت، أعوام النشر: (١٣٨٥ - ١٤٢٢ هـ) = (١٩٦٥ - ٢٠٠١ م)
٤٩. زجاج، إبراهيم بن السرى بن سهل، معانى القرآن وإعرابه، المحقق: عبد الجليل عبده شبلي، عالم الكتب - بيروت، الطبعة: الأولى ١٤٠٨ هـ - ١٩٨٨ م.
٥٠. زجاج، إبراهيم بن السرى بن سهل، معانى القرآن وإعرابه، المحقق: عبد الجليل عبده شبلي، عالم الكتب - بيروت، الطبعة: الأولى ١٤٠٨ هـ - ١٩٨٨ م.
٥١. الزُّحَيْلِيُّ، وَهْبَةُ بن مصطفى، الفِقهُ الإسلاميُّ وأدلَّتُهُ، دار الفكر - سوريَّة - دمشق
٥٢. الزُّحَيْلِيُّ، وَهْبَةُ. (ب ت). الفِقهُ الإسلاميُّ وأدلَّتُهُ. ج ٢ الطَّبعة الرَّابِعة. سوريَّة: دمشق، دار الفكر.
٥٣. زرقاني، محمد بن عبد الباقي بن يوسف، شرح الزرقاني على موطأ الإمام مالك، تحقيق: طه عبد الرؤوف سعد، الناشر: مكتبة الثقافة الدينية - القاهرة، الطبعة: الأولى، ١٤٢٤ هـ - ٢٠٠٣ م

٥٤. الزيلعي، فخر الدين عثمان بن علي (١٣١٣هـ). تبين الحقائق شرح كنز الدقائق. ج ١. القاهرة: دار الكتب الإسلامي.
٥٥. السَّجِسْتَانِي، أبو داود سليمان بن الأشعث (١٩٩٨ م) سنن أبي داود ج ١. ٢. المحقق: بشار عواد معروف. بيروت: دار الغرب الإسلامي.
٥٦. سخاوي، محمد بن عبدالرحمان، فتح المغيث بشرح الفيه الحديث للعراقي، تهران: چاپ علی حسین علی، قاهره ١٤١٥هـ
٥٧. سعدی، عبد الرحمن بن ناصر تيسير الكريم الرحمن في تفسير كلام المنان، المحقق: عبد الرحمن بن معلا اللويحق، مؤسسة الرسالة، الطبعة: الأولى ١٤٢٠هـ - ٢٠٠٠ م^١
٥٨. سعدی أبو جيب ، القاموس الفقهي لغة واصطلاحا، الناشر: دار الفكر. دمشق - سورية، الطبعة: الثانية ١٤٠٨ هـ = ١٩٨٨ م
٥٩. سعدی أبو جيب ، القاموس الفقهي لغة واصطلاحا، دار الفكر. دمشق - سورية، الطبعة: الثانية ١٤٠٨ هـ = ١٩٨٨ م
٦٠. السعدی، أبو الحسن علی بن الحسين بن محمد. (١٩٨٤م). النتف في الفتاوى. ج ١. تحقيق: المحامي الدكتور صلاح الدين الناهي. عمان الأردن: الناشر دار الفرقان.
٦١. السمرقندی، محمد بن احمد علاء الدين. (١٤٠٥ هـ) تحفة الفقهاء. بيروت: دارالكتب العلمية.
٦٢. الشافعی، محمد بن إدريس بن العباس، الأم ، دار المعرفة - بيروت سنة النشر: ١٤١٠هـ/ ١٩٩٠م
٦٣. الشيخ نظام و جماعة من علماء الهند (١٤١١هـ-١٩٩١م). الفتاوى الهنديه. ج ١. بيروت: دارالفكر.
٦٤. الشيباني، محمد بن الحسن. (١٤٠٣هـ). الحجّة على أهل المدينة. ج ٢. ١. تحقيق: مهدي حسن الكيلاني القادري. بيروت: الناشر عالم الكتب.
٦٥. صنعاني، أبو بكر عبد الرزاق بن همام ، المصنف، المحقق: حبيب الرحمن الأعظمي، الناشر: المجلس العلمي - الهند، يطلب من: المكتب الإسلامي - بيروت الطبعة: الثانية (١٤٠٣هـ)

٦٦. طحطاوى، أحمد بن محمد بن إسماعيل ، حاشية الطحطاوى على مراقي الفلاح شرح نور الإيضاح، ضبطه وصححه: محمد عبد العزيز الخالدى، دار الكتب العلمية بيروت - لبنان، الطبعة: الطبعة الأولى ١٤١٨ هـ - ١٩٩٧ م.
٦٧. الطحطاوى، أحمد بن محمد بن إسماعيل. (١٣١٨هـ). حاشية الطحطاوى على مراقي الفلاح. ج ١ مصر: المطبعة الكبرى الأميرية ببولاق.
٦٨. عبد الكريم بن على بن محمد النملة، الْمُهَدَّبُ فِي عِلْمِ أُصُولِ الْفِقْهِ الْمُقَارَنِ، مكتبة الرشد، الرياض، بى تا.
٦٩. عتر، نور الدين، منهج النقد فى علوم الحديث، دار الفكر، دمشق - سورية، الطبعة: الثالثة، ١٤٠١ هـ
٧٠. العثيمين، محمد بن صالح بن محمد، مصطلح الحديث، مكتبة العلم، القاهرة، الطبعة الأولى، ١٤١٥ هـ
٧١. العلوان، سليمان بن ناصر بن عبد الله (١٤٢٢ هـ) أحكام قيام الليل. الطبعة: الأولى. مصر: الإسكندرية، دار الإيمان للطبع والنشر والتوزيع.
٧٢. على جمعة محمد عبد الوهاب، المدخل إلى دراسة المذاهب الفقهية، دار السلام - القاهرة، بى تا.
٧٣. على جمعة محمد عبد الوهاب، المدخل إلى دراسة المذاهب الفقهية، دار السلام - القاهرة،
٧٤. عميد، حسن، فرهنگ عميد، تهران، امير كبير ذيل واژه نماز؛ و فرهنگ دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، . (١٣٨٢ هـ ش).
٧٥. فارابى، أبو نصر إسماعيل بن حماد، الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية، تحقيق: أحمد عبد الغفور عطار، دار العلم للملايين - بيروت، الطبعة: الرابعة ١٤٠٧ هـ - ١٩٨٧ م
٧٦. فخر الدين الرازى ، المحصول، مؤسسة الرسالة،
٧٧. فخر الدين رازى، محمد بن عمر ، مفاتيح الغيب = التفسير الكبير الناشر: دار إحياء التراث العربى - بيروت، الطبعة: الثالثة - ١٤٢٠ هـ

٧٨. قرافي، شهاب الدين أحمد بن إدريس ، الذخيرة المحقق:، محمد حجي، سعيد أعراب، محمد بو خبزة، دار الغرب الإسلامي - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٩٩٤م.
٧٩. قرطبي، محمد بن أحمد الأنصاري ، الجامع لأحكام القرآن، تحقيق: أحمد البردوني وإبراهيم أطفيش، دار الكتب المصرية - القاهرة، الطبعة: الثانية، ١٣٨٤ هـ - ١٩٦٤ م
٨٠. القزويني، أبو عبد الله محمد بن يزيد. (ب ت). سنن ابن ماجه ج ١. تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي. بيروت: دار إحياء الكتب العربية.
٨١. القشيري، مسلم بن الحجاج. (ب ت). صحيح مسلم. ج ١، ٢. المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي. بيروت: دار إحياء التراث العربي.
٨٢. الكاساني، ابوبكر بن مسعود بن احمد. (١٩٨٢م). بدايه الصنائع فى ترتيب الشرائع. بيروت: دارالكتاب العربي.
٨٣. كاساني، علاء الدين، أبو بكر بن مسعود ، بدائع الصنائع فى ترتيب الشرائع، الطبعة: الأولى ١٣٢٧ - ١٣٢٨ هـ
٨٤. مأمون حموش، التفسير المأمون، المدقق اللغوى: أحمد راتب حموش، الطبعة: الأولى، ١٤٢٨ هـ - ٢٠٠٧ م ج ٨ ص ٤٣٦،
٨٥. محمد بن إسماعيل البخاري بالجامع الصحيح المختصر: تحقيق: د. مصطفى ديب البغا الناشر: دار ابن كثير ، اليمامة - بيروت الطبعة الثالثة ، (١٤٠٧ - ١٩٨٧)
٨٦. المرادوى علاء الدين أبو الحسن على بن سليمان ، الإنصاف فى معرفة الراجح من الخلاف، تحقيق: محمد حامد الفقى، مطبعة السنة المحمدية، الطبعة: الأولى، ١٣٧٤ هـ - ١٩٥٥م.
٨٧. المَرَوَزِي، أبو عبد الله محمد بن نصر. (١٤٠٨هـ). مختصر قيام الليل وقيام رمضان وكتاب الوتر اختصرها: العلامة أحمد بن على المقرئى الطبعة: الأولى باكستان: حديث أكادemy، فيصل اباد.
٨٨. مصرى، سيد سابق. (١٣٧٣هـش). فقه السنه. مترجم. محمد ابراهيم. تهران: نشر صفر.
٨٩. معلوف، لويس. (١٣٨٤هـش) فرهنگ المنجد. ج ٢. مترجم. محمد بندر ريگى. تهران: انتشارات ايران.
٩٠. معلوف، لويس. فرهنگ المنجد. مترجم. محمد بندر ريگى. تهران: انتشارات ايران. (١٣٨٤هـش)

٩١. المقریزی أحمد بن علی. (١٤١٣). مختصر کتاب الوتر تحقیق: إبراهيم محمد العلی, محمد عبد الله أبو صعلیک الطبعة الأولى، الأردن: الزرقاء، مكتبة المنار.
٩٢. مناوی، زین الدین محمد، فیض القدير شرح الجامع الصغير، المكتبة التجارية الكبرى - مصر، الطبعة: الأولى، بی تا.
٩٣. النووی، أبو زکریا محیی الدین بن شرف، الأذکار، تحقیق: عبد القادر الأرنبوط رحمه الله، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بیروت - لبنان طبعةً جديدةً منقحةً، ١٤١٤ هـ - ١٩٩٤ م
٩٤. النووی، أبو زکریا محیی الدین بن شرف، المجموع شرح المهذب، تصحيح: لجنة من العلماء، (إدارة الطباعة المنيرية، مطبعة التضامن الأخوی) - القاهرة: ١٣٤٤ - ١٣٤٧ هـ
٩٥. نیشاپوری، مسلم بن الحجاج صحیح مسلم، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء التراث العربي - بیروت
٩٦. وزارة الأوقاف و الشؤون الاسلامیه الكويت. (١٤٢٧هـق). الموسوعة الفقهية الكويتية. مصر: مطابع درالصفوة.

Summary of the discussion

In all divine religions, prayer has been considered as the highest form of worship and the pillar of spirituality and communication with God. Especially the prayer that is performed in the middle of the night and alone, while everyone is asleep, in fact, staying awake at night is a struggle in the way of strengthening the will, overcoming the devil and obeying the soul from God . Witr prayer is the night prayer, which makes the path to Allah smooth for the seekers, that is why the Prophet, peace and blessings be upon her, ordered it . (اللَّهُ إِنَّ .) (God is an individual and loves an individual, so O people of Quran, be people of witr. The prayer that the Messenger of God, may God bless him and grant him peace, was present in Hadar and did not leave it and traveled for it.

The word Witr (which is recited with both fatha and kasra) means individual and is opposite to the meaning of pair, because this prayer is called Taq and it is not

permissible to sing it in pairs, and usually the last rakat of night prayer (after (from sleeping before dawn) is included, that's why the name is given to the chord. The narrations related to the manner and quality of performing it are extensive, which has led to different jurisprudential opinions among Islamic scholars, including this difference, regarding the ruling on whether it is obligatory, Sunnah or Mustahab, there are still narrations indicating the number of rak'ahs from one to thirteen. Rakat in different ways and the requirement of pairing, reciting connection and disconnection, the way of reciting and determining the surah in it, performing its qadha, qanoot, etc. Reciting the Qunut in the Witr prayer is generally accepted by the jurists of the four schools of thought, and the only difference in this regard is the time of reciting the Qanoot and its words.

Keywords: jurisprudence, pair, Witr, prayer, Qanoot



Salam University

Faculty of Sharia and Law

Master Program in Jurisprudence & Law



Islamic Emirate of Afghanistan

Ministry of Higher Education

DM of Academic Affairs

The rulings of Witr prayer in Islamic jurisprudence

Master's thesis

Student: Lotfullah Fayzi

Supervisor: Prof. Wazir Mohammad Saedi

Year: 2022



Salam University
Faculty of Sharia and Law
Master Program in Jurisprudence & Law



Islamic Emirate of Afghanistan
Ministry of Higher Education
DM of Academic Affairs

The rulings of Witr prayer in Islamic jurisprudence

Master's thesis

Student: Lotfullah Fayzi

Supervisor: Prof. Wazir Mohammad Saedi

Year: 2022